

A dense field of red tulips is shown against a dark blue background. The tulips are in various stages of bloom, with some fully open and others as buds. The stems and green leaves of the tulips are visible, creating a textured and vibrant scene.

آموزش اهنمایی

رشد

بها: ۲۰۰ ریال

سال اول - بهار ۱۳۷۲ - شماره مسلسل ۳



مجله رشد آموزش راهنمایی سه شماره در سال به منظور اعتلای دانش دبیران دوره راهنمایی تحصیلی و دانشجویان مراکز تربیت معلم و سایر علاقه‌مندان منتشر می‌شود. جهت ارتقای کیفی آن نظرات ارزنده خود را به صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۵۸۵۵ ارسال فرمایند.

سردبیر: فروع بی‌سار

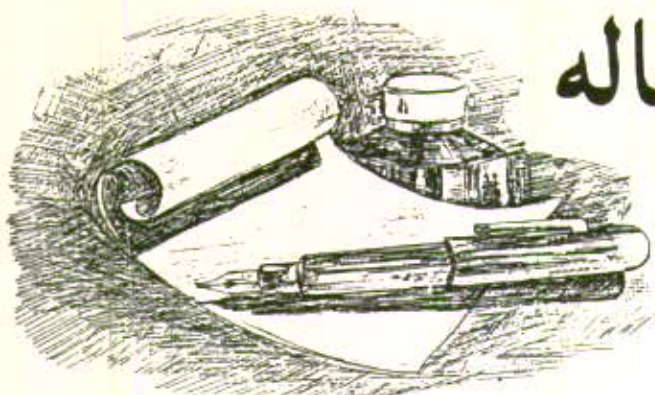
مسئول هنرهای گرافیکی و تولید: فتح‌الله فروغی

امور فنی: صنحه آرا و رسام: خالد قهرمانی دهکری

دستیار ناشر چاپ: محمد کشمیری

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده	صفحه
	سر مقاله		۳
۴	مصاحبه با آقای پاک‌دین مدبر مدرس راهنمایی طالقانی		۴
۸	نامه‌های شما		۸
	دینی		
۱۰	تربیت بدنی نوجوانان	محمد رضا شرفی	۱۰
۱۵	سؤالات امتحان نهایی درس دینی سوم راهنمایی شهر تهران خرداد ۱۳۷۱		۱۵
	عربی		
۱۶	چگونه جملات فارسی را به عربی برگردانیم؟	محمد رضا تقوی	۱۶
	تعلیمات اجتماعی		
۲۰	برنامه‌ریزی درسی تعلیمات اجتماعی	حسن ملکی	۲۰
۲۹	سؤالات امتحان نهایی درس تعلیمات اجتماعی سوم راهنمایی شهر تهران ۱۳۷۱		۲۹
	تاریخ		
۳۰	درس تاریخ و مسأله حفظ کردن آن	عبدالرسول خیراندیش	۳۰
۳۵	سؤالات امتحان نهایی درس تاریخ سوم راهنمایی شهر تهران ۱۳۷۱		۳۵
	جغرافی		
۳۶	زمین در فضا	منصور ملک‌عباسی	۳۶
۴۰	تحقیقی در مورد نقشه‌های گنک		۴۰
۴۳	سؤالات امتحان نهایی درس جغرافی سوم راهنمایی شهر تهران خردادماه ۱۳۷۱		۴۳
	فارسی		
۴۴	دو چشم یمن، دو گوش شنوا	سیما وزیربنا	۴۴
	زبان خارجی		
۴۸	تکات مهمی که در تدریس مکالمه باید رعایت کرد.		۴۸
۵۳	سؤالات امتحان نهایی سوم راهنمایی شهر تهران خرداد ۱۳۷۱		۵۳
	ریاضی		
۵۴	تکاتی در مورد درس ریاضی	هما گودرزی	۵۴
۵۷	سؤالات امتحان نهایی سوم راهنمایی شهر تهران خرداد ۱۳۷۱		۵۷
	علوم		
	طرح نمونه بررسی کارگاهی بخش کرمان علوم		
۵۸	سال اول راهنمایی	اسفندیار معتمدی	۵۸
۶۲	نیرو	زهرا پورسعید	۶۲
۶۸	سؤالات امتحان نهایی سوم راهنمایی شهر تهران خرداد ۱۳۷۱		۶۸
	حرفه‌وفن		
۶۹	به مناسبت هفته معرفی مشاغل		۶۹
۷۲	ویژه‌نامه نظام جدید آموزش متوسطه		۷۲
۷۶	سؤالات امتحان نهایی حرفه‌وفن خواهران شهر تهران خرداد ۱۳۷۱		۷۶
۷۷	سؤالات امتحان نهایی حرفه‌وفن برادران شهر تهران خرداد ۱۳۷۱		۷۷
	هنر		
۷۸	اهمیت هنر در تعلیم و تربیت (سخنرانی دکتر جواد عادل)		۷۸
	شناخت تکنیک و روشهای تهیه مواد و مصالح برای درس هنر	محمد مهدی جراتی	۸۸
۸۹	امتحانات تلت سوم دوره راهنمایی		۸۹
۹۰	نتایج سیمینار بررسی برنامه درسی دوره راهنمایی		۹۰
۹۲	معرفی کتاب		۹۲
	مطالعه تطبیقی ساعت و مواد برنامه‌های درسی		
۹۶	(۱۱ - ۱۴ ساله) پاره‌ای از کشورها	فاطمه فتیعی	۹۶

سر مقاله



بسم الله الرحمن الرحيم

همکاران گرامی، خوانندگان عزیز

فرا رسیدن عید نوروز باستانی و سال جدید را به شما تبریک و تهنیت می‌گوئیم. امسال نیز در حالی به استقبال بهار طبیعت می‌رویم که بهار قرآن و طبیعت قرین با هم هستند و ما هنوز مهمان خداوند سبحان هستیم. انشاء الله که بهار قرآن، زنگار دل‌هایمان را زوده باند و دل‌هایمان با حرارت خورشید عشق و ایمان گرمای تازه‌ای یافته باشند و بتوانیم بهتر بذیرای بهار طبیعت باشیم. امید که ما نیز همچون طبیعت جوانی از سرگیریم و بتوانیم محکم و استوار به این سرز بوم و فرزندان دلیرش خدمت کنیم. امید که بتوانیم چون طبیعت سخاوتمند و گشاده دست باشیم امید که بتوانیم چون بهاران با حضورمان در هر جا سبزی، شادی، گرما و محبت به ارمغان آوریم و به قول سهراب سبهری، که همواره یادش گرامی باد:

چیزهایی هست که نمی‌دانم

می‌دانم سبزه‌ای را بکنم خواهم مرد

می‌روم بالا تا اوج، من بر از بال و برم

راه می‌بینم در ظلمت، من بر از فانوسم

من بر از نورم و شمن

و بر از دار و درخت

برم از راه، از بل، از رود، از موج

برم از سایه برگی در آب.

و اما بعد:

همانطور که می‌دانید ما در سال تحصیلی

با شما هستیم و اگر چه دلمان به یاد شما و کلاس

و دانش‌آموزان می‌طبد، اما در تابستان مجله‌ای

نخواهیم داشت. بنا بر این بر خلاف میل

قلبی‌مان تا سال تحصیلی آینده این پنجره بسته

خواهد ماند، اما ارتباط ما با هم به طور حتم

قطع نخواهد شد. ما منتظر نامه‌های شما هستیم.

برایمان بنویسید که مطالب مجله‌های منتشر

شده تا چه حد برایتان مفید بوده. شما بیشتر

طالب چه مطالبی هستید. مجموعاً آنکه مجله

متعلق به شما و برای شماست - اگر تحقیق

مفیدی دارید - اگر مدرسه‌ای را می‌شناسید

که ابتکار جالبی دارد، برای ما بفرستید.

دیگر اینکه در این شماره سؤالات

امتحانات نهایی سال سوم راهنمایی در خرداد

ماه ۷۱ را در هر قسمت چاپ کرده‌ایم تا شما

دبیران محترم با نحوه ارزشیابی بایانی آشنایی

بیشتری پیدا کنید. اما این سؤالات خود خالی

از اشکال نیست و نیاز به نقد و بررسی دارد،

که برای گردانندگان مجله در فرصت محدودی

که داشتند این امر میسر نشد، لذا از شما

همکاران محترم انتظار داریم که نظریات خود

را در این موارد نیز به آدرس مجله ارسال

فرمائید. در حال منتظر دریافت مقالات و

نامه‌های شما هستیم.

سردبیر

مصاحبه با

آقای پاک‌بین مدیر مدرسه راهنمایی طالقانی منطقه ۲ آموزش و پرورش



بازدید این بار ما از یک مدرسه موفق در منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران است. مدرسه راهنمایی طالقانی که مدرسه‌ای دولتی است. دانش‌آموزان این مدرسه در دو نوبت صبح و عصر به تحصیل اشتغال دارند. در این مدرسه ۲۴۰۰ دانش‌آموز تحصیل می‌کنند. به گفته مسئولان مدرسه ظرفیت و فضای آموزشی آن حداکثر برای ۸۰۰ دانش‌آموز مناسب است و با این حساب در دو نوبت در حدود سه برابر ظرفیت مدرسه از آن استفاده می‌شود. کلاسها ۵۵ تا ۶۰ دانش‌آموز را در خود جای داده است و با تمامی این مسائل مدرسه کاملاً موفق است.

دانش‌آموزان در مسابقات مختلف علمی و آموزشی رتبه‌های بالا را به خود اختصاص داده‌اند و این موفقیت نشانگر تلاش مسئولان و دبیران محترم مدرسه و همکاری اولیا دانش‌آموزان مربیان آموزش و پرورش نوجوانان عزیز است. توفیق بیشتر آنان را از خداوند متعال مسئلت داریم و برای صحبت آقای پاک‌بین رئیس محترم مدرسه می‌نشینیم.

— یکی از علل موفقیت ما (اگر موفق باشیم) بساید عرض کنم که همیاری و همفکری با معلمان مدرسه است. مورد دیگر برنامه ریزی صحیح و منطقی است

□ جناب آقای پاک‌بین با تشکر از این که وقت خود را در اختیار مجله قرار داده‌اید در آغاز، سابقه کار آموزشی خود را بیان کنید:

■ بسم الله الرحمن الرحيم. با تشکر از مسؤولان دست‌اندرکاران مجله سفید رشد راهنمایی باید عرض کنم که اینجانب کار خود را در سال ۱۳۵۳ در یکی از مدارس ابتدایی کرج شروع کردم دو سال معاونت مدرسه ابتدایی را داشتم و با وقوع انقلاب اسلامی بر حسب وظیفه شرعی که احساس می‌کردم مسؤولیتهایی را در سمتهای اجرایی عهده‌دار شدم. از جمله مسؤولیت یک مجتمع ابتدایی و راهنمایی به بنده محول شد. از سال ۱۳۶۳ در یکی از مدارس منطقه ۲ تهران مشغول به کار شدم. و از سال ۱۳۶۵ به این مدرسه آمده‌ام و از آن زمان تاکنون در اینجا مشغول به فعالیت بوده‌ام.

□ با خیر شده‌ایم که مدرسه شما در مسابقات علمی دارای رتبه‌های بالایی است در مورد علل موفقیت و ممتاز شدن مدرسه و این که آیا همیشه این مدرسه ممتاز بوده است یا نه توضیحاتی بفرمائید.

■ سال ۱۳۶۵ که من به این مدرسه آمده‌ام مدرسه آن چنان وضع مطلوبی نداشت. عدم رضایت شغلی در میان دبیران وجود داشت و نتیجتاً بر آموزش نیز تأثیر گذاشته بود! اما من به حول و قوه الهی مصمم بودم که هر طور شده به مدرسه سر و سامانی بدهم. قبل از هر چیز سعی کردم با معاونان و معلمان رابطه مطلوبی به وجود آورم پس از چندی حتی کسانی که در روزهای اول در مقابل من جبهه گرفته بودند با توجه به حسن ظن اینجانب به دوستانه‌ای یکدل تبدیل شدند و از آن روز تاکنون ما همه با هم در نهایت صمیمیت کار می‌کنیم؛ بنابراین یکی از

علل موفقیت ما (اگر موفق باشیم) باید عرض کنم که همبازی و همفکری با معلمان مدرسه و برنامه‌ریزی صحیح و منطقی است. مادر این مدرسه چهار معاون داریم که هریک مسؤولیت و اختیار مشخصی دارند دیگر این که انجمن اولیاء و مربیان مدرسه بسیار فعال است. با خانواده دانش‌آموزان ارتباط نزدیک داریم. دانش‌آموزان را از طریق پرسشنامه شناسایی می‌کنیم و در صورت لزوم با آنان صحبت می‌شود. در بسیاری از موارد با این روش توانسته‌ایم مشکلات خانوادگی دانش‌آموزان را برطرف سازیم.

□ چگونه دانش‌آموزان ممتاز در مدرسه را شناسایی می‌کنید و اصولاً آیا به تفاوت‌های فردی، استعداد‌های مختلف و پرورش این استعدادها در مدرسه توجه می‌شود؟

■ اصولاً دانش‌آموز ممتاز خود بخود در کلاس شناخته می‌شود، اما ما هم برای شناسایی از آزمونهای مختلف استفاده می‌کنیم و با توجه به نمرات آزمون آنان را بر می‌گزینیم، اما توجه به تفاوت‌های فردی و پرورش استعداد‌های مختلف با توجه به تعداد دانش‌آموزان، حجم درس، کمبود ساعات هفتگی و علل مختلف دیگر عملاً مقدور نیست؛ یعنی نه می‌توان به تفاوت‌های فردی توجه کرد و نه به پرورش استعداد‌های مختلف اقدام نمود. در این مورد شاید خانواده‌ها بهتر بتوانند به استعداد‌های متفاوت فرزندانشان در جهت پرورش توجه کنند.

□ این آزمون‌ها را چه کسانی تهیه می‌کنند و آیا برگزاری آنها با توجه به کمبود ساعات دروس مختلف اشکالی ایجاد نمی‌کند؟

■ در خصوص دروس مختلف، گروه‌های

آموزشی در مدرسه کار تهیه و برگزاری این آزمون‌ها را به عهده دارند که البته این آزمون نیازمند وقت چندانی نیست. مثلاً ۱۵ دقیقه ساعت آخر درس را به این آزمون اختصاص می‌دهیم. مضافاً اینکه آزمون‌ها با توجه به اهداف و محتوای برنامه و کتابهای درسی تهیه می‌شود که خود گامی در جهت کشف نقاط ضعف دانش‌آموزان و یادگیری بهتر است و معلمان نیز از آن استقبال می‌کنند.

□ نظر شما در مورد مشاوره و راهنمایی در مدرسه راهنمایی چیست؟ آیا شما در این مورد در مدرسه طرحی داشته‌اید؟

■ در مورد مشاوره باید گفت که دانش‌آموزان واقعاً نیاز به مشاوره و راهنمایی دارند، اما نه مشاوره به سبک گذشته. مشاوران گذشته موفق نبودند و نتوانستند در کادر مدارس به درستی جذب شوند؛ به همین دلیل اگر بخواهند دوباره مشاوره و راهنمایی را در مدارس به وجود آورند باید تشکیلات به گونه‌ای باشند که آنان بتوانند با بافت و ساختار مدرسه هماهنگی داشته باشند. در مدرسه ما تمامی معاونین و معلمان مدرسه، علاوه بر کار آموزش و تدریس، سعی می‌کنند که بنا دانش‌آموزان ارتباط مطلوب داشته باشند و نقش راهنما را بر عهده گیرند.

□ برای موفقیت دانش‌آموزان از چه روش‌هایی استفاده می‌کنید؟

■ در این خصوص، روش کار به معلمان واگذار شده است و آنان با توجه به کلاس و موقعیت آن از روش‌های مختلفی برای آموزش استفاده می‌کنند. برخی از معلمان تکالیف خاصی معین می‌کنند، برخی دیگر از کار گروهی استفاده می‌کنند و بعضی از آنان

— دیگر اینکه انجمن اولیا و مربیان مدرسه بسیار فعال است

— دانش‌آموزان ضعیف را نیز رها نمی‌کنیم. با گروه‌بندیهای مختلفی که در کلاسها انجام می‌گیرد سعی می‌شود که دانش‌آموزان قوی و ضعیف در هر گروه با هم کار کنند.

تشویق می‌شوند.

برای تشویق دانش‌آموزان نیز از راههای مختلفی استفاده می‌کنیم؛ مثلاً در هر سال چند اردو داریم. اردو در شهرهای دیگر مثل مشهد و رامسر و در اطراف تهران برگزار می‌شود؛ البته اولویت با دانش‌آموزان ممتاز است، اما سعی می‌کنیم یکی دو نفر از دانش‌آموزان ضعیفی را که پیشرفت چشمگیری داشته‌اند برای تشویق همراه با دانش‌آموزان ممتاز به اردو ببریم.

□ آیا دانش‌آموزان را به گردش علمی هم می‌برید؟

■ گردش علمی هم داریم. دانش‌آموزان را در هفته‌ها مشاغل به بازدید مراکز صنعتی و کارخانجات تولیدی می‌بریم.

□ ممکن است موارد موفقیت تحصیلی دانش‌آموزانتان را نام ببرید.



مدرسه برنامه‌ریزی دقیق و صحیح است. اما دانش‌آموزان ضعیف را نیز رها نمی‌کنیم. با گروه‌بندیهای مختلفی که در کلاسها انجام می‌گیرد، سعی می‌شود که دانش‌آموزان قوی و ضعیف در هر گروه با هم کار کنند؛ یعنی در هر کلاسی ۸ گروه درسی تشکیل می‌شود که در هر گروه دو یا سه شاگرد ضعیف وجود دارد و با همکاری گروهی مشکل دانش‌آموزان ضعیف برطرف می‌شود. در این روش مدرسه کاملاً موفق بوده است. گاهی اوقات سرگروهها خود به تهیه آزمون برای گروه اقدام می‌کنند که ما نیز آن را تکثیر کرده و در اختیار گروه قرار می‌دهیم. هر گروهی که موفق شود مشکلات درسی فرد ضعیف گروه را برطرف کنند، تشویق می‌شود. خود دانش‌آموزان ضعیف نیز با پیشرفت درسی خود

کنفرانس معین می‌کنند در مجموع یکی از علل موفقیت ما برنامه‌ریزی و ارزشیابی مداوم است. در ابتدای سال تحصیلی برنامه ارزشیابی به دانش‌آموزان ابلاغ می‌شود که ممکن است برای هر درس یا مجموعه‌ای از دروس باشند. ارزشیابیها به دو صورت انجام می‌شود یا سوالات به صورت چهار جوابی و یا به شکل سوالات تشریحی ماهیانه است. به این ترتیب، دانش‌آموزان مدرسه مرتباً به نواقص خود پی می‌برند و در صدد اصلاح آن بر می‌آیند و هنگامی که زمان مسابقات علمی فرا برسد از آمادگی خوبی برخوردارند. برای دانش‌آموزان برگزیده کلاسهای خاصی، خارج از ساعات برنامه هفتگی برگزار می‌شود و سه پس دانش‌آموزان مطالبی افزون بر کتاب درسی آموزش داده می‌شود. مجموعاً رتبه موفقیت

■ سال گذشته ۸ نفر از دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی ما در امتحانات تیزهوشان که معمولاً بهترینها و زبده‌ها را انتخاب می‌کند، پذیرفته شدند که سایر گفته آقای حمیدی، مسئول دبیرستان تیزهوشان بالاترین درصد قبولی متعلق به مدرسه ما بوده است. در مسابقات علمی نیز بهترین رتبه را در سطح استان تهران مدرسه ما به خود اختصاص داده است آقایان روزه پور نادر، محسن روستایی زاده و کیوان بهادری که از مدرسه ما بودند در سطح استان مقام اول را کسب کردند که او میان آنان آقای روزه پور نادر در سطح کشور نیز به مقام سوم رسید. افزون بر این، آقایان رضا بابایی و شهاب اناری سیر در سطح استان رتبه سوم را کسب کردند و به این ترتیب، با جمع امتیازها، مدرسه راهنمایی طالقانی در

سطح استان تهران به مقام اول نایل آمد. در امتحانات ورودی دبیرستانهای موفق تهران مثل البرز، مفید امام صادق و شهید مطهری نیز همیشه بیشترین قبولی از مدرسه ما بوده است و دلیل آن هم این است که ما لحظه‌ای دانش‌آموزان را رها نمی‌کنیم.

□ آیا در مورد تربیت بدنی و ورزش نیز موفقیت‌هایی داشته‌اید؟

■ در رشته ورزش نیز در این چند ساله اخیر مدرسه ما یکی از مدارسی بوده که همیشه در منطقه مطرح بوده است و در بعضی از رشته‌ها رتبه اول را داشته‌ایم. امسال در دو و میدانی و در والیبال، تنیس روی میز و شنا اول شدیم.

□ در زمینه تربیت بدنی چه روش‌هایی را اتخاذ فرموده‌اید؟

■ برای مسابقات ورزشی معمولاً زبده‌ها، بهترینها و کسانی را که آشنایی بیشتری با آن دارند انتخاب می‌شوند. و سپس به آموزش بیشتر و تمرینات لازم برای آنان اقدام می‌شود. برای اینکه به کار درسی دانش‌آموزان لطمه‌ای وارد نشود، معمولاً تمرینات در روزهای تعطیل یا بعد از ساعات کلاسی انجام می‌گیرد.

□ نسبت نام دانش‌آموزان چگونه صورت می‌گیرد؟ آیا دانش‌آموزانی که معدل بالاتری دارند را انتخاب می‌کنید؟

■ خیر، یعنی نمی‌توانیم این کار را بکنیم. اگر این کار را بکنیم نمی‌توانیم جوایبگوی مدرسه باشیم زیرا در اعتراض خواهند گفت که ما بهترینها را دست چین کرده‌ایم. مادر این جا اول دانش‌آموزان محدوده خودمان را نسبت نام می‌کنیم. بعد از میان بقیه متقاضیان اولویت را

— سال گذشته ۸ نفر از دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی ما در امتحانات تیزهوشان که معمولاً بهترین‌ها و زبده‌ها را انتخاب می‌کنند پذیرفته شدند.

— برای تشویق دانش‌آموزان از راه‌های مختلفی استفاده می‌کنیم مثلاً در هر سال چند اردو داریم. اردو در شهرهای دیگر مثل مشهد و رامسر و در اطراف شهر تهران برگزار می‌شود. البته اولویت با دانش‌آموزان ممتاز است، اما سعی می‌کنیم یکی دو نفر از دانش‌آموزان ضعیفی را که پیشرفت چشمگیری داشته‌اند برای تشویق همراه با دانش‌آموزان ممتاز به اردو ببریم.

□ شنیده‌ایم در مدرسه شما صندوق قرض‌الحسنه‌ای برای رفع مشکلات مالی معلمان تأسیس شده است؟ در این مورد توضیح بفرمائید

■ در سال ۱۳۶۵ که به این مدرسه آمدم این مدرسه نیز مانند سایر مدارس در روز معلم از طرف انجمن اولیاء و مربیان هدایایی مانند وسایل خانگی به معلمان اهدا می‌کرد. در انجمن مطرح کردیم که خوب است به جای این هدایا صندوق قرض‌الحسنه‌ای دایر کنیم تا بتواند مشکلات و گرفتاریهای معلمان محترم را برطرف کند؛ از این رو، در همان سال قرار گذاشتیم که هر یک از معلمان و اعضای انجمن برای دایر شدن صندوق ۴۳۰ تومان بردازد و بنابراین به جای هدیه جنسی در روز معلم، این صندوق به معلمان وام دهد. قرار بر این شد که بعداً هم معلمان ماهیانه ۱۰۰ تومان به صندوق کمک کنند و این سرمایه معلمان تا زمانی که در این مدرسه هستند در صندوق بماند و به این ترتیب صندوق قرض‌الحسنه مدرسه کار خود را شروع کرد و با جمع شدن همین مبالغ اندک در حال حاضر صندوق ۵۰۰ هزار تومان سرمایه دارد که در مواقع لزوم به معلمان وام می‌دهد. در مجموع سعی شده است

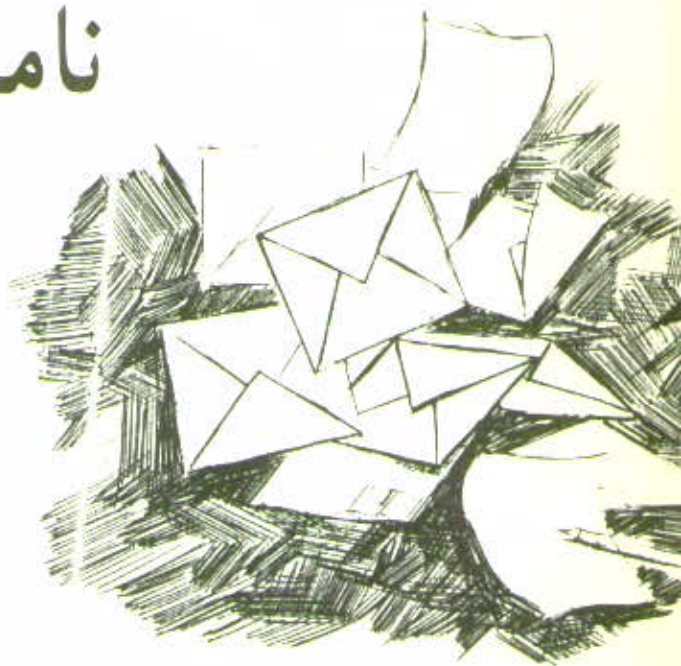
به فرزندان فرهنگیان می‌دهیم.

□ در زمینه افت تحصیلی و علل آن چه نظری دارید؟

■ متأسفانه افت تحصیلی در دوره راهنمایی درصد بالایی دارد و به نظر من مهمترین عامل آن کمبود فضای آموزشی و شلوغی بیش از حد کلاسهای درسی است. در مدرسه ما در هر کلاس در حدود ۵۵ دانش‌آموز به تحصیل اشتغال دارند و در مدارس دیگر از این هم بیشتر است. معلم با این کمبود وقت چگونه می‌تواند این تعداد را بدرستی بشناسد و توجه لازم را به آنان معطوف دارد؛ همچنین حجم سنگین کتابها عاملی برای افت تحصیلی به شمار می‌آید. دانش‌آموز سال اول راهنمایی یکبار به نسبت به سال قبل خود، یعنی کلاس پنجم تحت فشار زیادی قرار می‌گیرد، زیرا تعداد دروس و حجم کتابها در دوره ابتدایی کمتر است و دیگر اینکه در ابتدای دانش‌آموز معمولاً با یک معلم سروکار دارد، اما در راهنمایی سروکار دانش‌آموزان با معلمان مختلف است. خلاصه در این دوره عوامل مختلفی دست به دست هم می‌دهند که افت تحصیلی را سبب می‌شود.

نامه‌های

شما



— تعلیمات اجتماعی سال سوم نیز در دست تألیف است و ان‌شاء‌الله کتاب جدید با ساعات هفتگی پیشنهادی برای آن متناسب خواهد بود.

* آقای مسعود شریعت داودی از شهرستان فردوس استان خراسان علت افت تحصیلی را در درس علوم نداشتن آزمایشگاه مجهز برای تدریس این درس ذکر کرده‌اند. در پاسخ این همکار محترم باید عرض نمود که نظر ایشان کاملاً صحیح است و علوم تجربی همان طور که از نامش مستفاد می‌شود، باید همراه با تجربه و آزمایش باشد، اما نباید بتوان این امر را با استفاده از برخی وسایل ساده که دانش‌آموزان می‌سازند و تهیه می‌کنند و همچنین با استفاده از امکانات محلی، باغها، درختها، زمین و خلاصه گردش علمی انجام داد.

— در خصوص سؤالات استنادی برای معلمان، بخصوص معلمان دوره ابتدایی باید گفت که کاملاً با شما هم عقیده هستیم و امیدواریم که با تلاش و کوشش همه‌ما، دانش‌آموزان از این فشار بر حافظه و یادگیری طوطی‌وار خلاصی یابند.

* آقای اکبر حمامی سرگروه تاریخ و جغرافیای منطقه زرین‌شهر اصفهان با نامه‌ای اظهار لطف فرموده، نکاتی را یادآور شده‌اند. از جمله: عدم هماهنگی محتوای کتاب تاریخ، با ساعات پیشنهادی برای آن درس و مطالبی درباره «مقاله نمودارهای تاریخی که در شماره یک مجله درج شده است».

در پاسخ باید گفت که «یکی از اهداف ارائه مقاله مذکور، برطرف ساختن مشکل کمبود ساعت از طریق تدریس بر اساس نمودار بوده است، زیرا نمودارهای کتب تاریخ دوره راهنمایی مطلبی اضافه بر مباحث کتاب نیست، بلکه شیوه‌ای دیگر از سه دست دادن مساحت

کتب درسی است. در پاسخ این همکاران محترم عرض می‌شود که با توجه به سمینار بررسی برنامه درسی دوره راهنمایی که در آبان‌ماه برگزار شد، قرار است نتایج بحثهای سمینار در جلساتی، با توجه به مجموعه پیشنهادها و نظرها، مورد بررسی قرار گیرد.

مطالعه تطبیقی ساعات هفتگی در سایر کشورها و مراجعه به متون برنامه‌درسی در این خصوص، همچنین ساعات هفتگی کلیه دروس در دست بررسی است، اما در همین جا باید خاطر نشان کرد که به هر حال مجموع ساعات هفتگی را از ۳۳ ساعت در هفته بیشتر نمی‌توان افزایش داد.

پاسخ در شماره حجم کتاب تعلیمات اجتماعی:

— تعلیمات اجتماعی جدید تألیف سال اول حجم چندانی ندارد.

— از تعلیمات اجتماعی جدید تألیف سال دوم قرار است صفحاتی کاهش یابد.

دبیران محترم علوم اجتماعی دوره راهنمایی منطقه زرین شهر طی نامه‌ای سه صفحه‌ای مطالبی را متذکر شده‌اند از جمله:

۱— «درس تعلیمات اجتماعی به دلیل کمی اوقات تدریس (۴۵ دقیقه در هفته) آن چنان که شایسته است تغییرات لازم را در افکار و مهمتر از همه در رفتار دانش‌آموزان ایجاد نمی‌کند».

۲— با توجه به مطالبی که از جزوه «بررسی وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی استان اصفهان در دروس کتبی — بهار ۱۳۷۱» فهمیده می‌شود، افت دروس علوم اجتماعی، خصوصاً تاریخ و جغرافیا در سطح استان بوضوح دیده می‌شود. در سال تحصیلی ۶۸ — ۶۷ نیز در ناحیه ۱۳ اصفهان حدود ۳۵۰۰ نفر فقط از درس تاریخ که یکی از دروس علوم اجتماعی است تجدید نده‌اند و به دلیل فراگیر بودن مسأله، مشخص می‌شود که معلم به وظیفه خود آشناست و عیب کار در جدول ساعات تدریس هفتگی و تألیف

دروس است.

— در مورد افزایش و کاهش ساعات دروس نیز به اطلاع می‌رساند که موضوع ساعات اختصاصی دروس مختلف در دست بررسی است.

— در خصوص مقاله «طرح چند موضوع جغرافیایی و مسایل...» به اطلاع می‌رساند که مقاله مذکور در ارتباط با بررسی عده‌ای از دبیران محترم مناطق بیست گانه تهران که در مورد «جغرافیای ریاضی» با مشکل روبرو بوده‌اند نوشته شده است.

— در مورد مطلبی که در صفحه «۹» تعلیمات اجتماعی سال اول آمده مبنی بر اینکه دانش‌آموزان از دفاتر یکدیگر استفاده کنند، در حقیقت موضوع مورد نظر مشارکت، منسورت، توجه به نظرات دیگران و همکاری و همیاری دانش‌آموزان بوده است.

* آقای محمد جواد رنجبر از نیریز فارس با ارسال نامه‌ای ضمن اظهار لطف به مسئولین مجله، از ارائه سؤالات امتحانات نهایی در مجله ابراز خشنودی نموده‌اند و قول داده‌اند که در آینده نیز با مجله مکاتبه کنند و با ارسال مطالبی ما را در انتشار مجله باری کنند. ما نیز از ایشان متشکریم و منتظر دریافت نامه و مطلب از ایشان هستیم.

* از شهرستان رفسنجان نامه‌ای بدون ذکر نام به دست ما رسیده که در خصوص کم کردن حجم کتابهای درسی، مشکل بودن کتابهای تاریخ و زبان انگلیسی، همچنین پیچیده بودن مسائل کتابهای ریاضی، مطالبی را متذکر شده‌اند.

همچنین نامه دیگری بدون ذکر نام از اصفهان برای ما ارسال شده که ضمن اظهار محبت نسبت به مسئولین مجله مطالب گلابه‌آمیزی در خصوص مشکل بودن کتابهای

علوم، جغرافی، تاریخ، دینی، ریاضی نوشته بودند.

— در مورد نامه فوق نیز به اطلاع می‌رساند که موضوع بررسی و هماهنگی محتوای برنامه درسی دروس راهنمایی با ساعات هفتگی در دست بررسی است که ان‌شاء‌الله به نتیجه مطلوبی دست یابیم.

* آقای ناطق شریفی از اصفهان، دانشکده زبانهای خارجی، ضمن اظهار لطف از دست اندرکاران «رشد آموزش راهنمایی» دلیل نبودن مجله‌ای با نام «رشد آموزش عربی» سؤال کرده بودند.

گفتنی است که در داخل مجله «رشد معارف» ویژه‌نامه رشد آموزش عربی منتشر می‌شود. در هر حال نامه شما به گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف ارسال شد.

* گروه‌های آموزشی اداره آموزش و پرورش منطقه ۲ تهران با ارسال نامه‌ای ضمن اظهار لطف به دست اندرکاران رشد آموزش راهنمایی آمادگی خود را جهت ارائه مقالات علمی و تحقیقی اعلام داشته‌اند. همچنین مقاله تحقیقی‌ای نیز ارسال داشته‌اند. ما نیز از این عزیزان بسیار متشکریم و منتظر دریافت مقالات دیگری هستیم.

* آقای نادر مزارعی دبیر علوم اجتماعی شهرستان کازرون نیز از انتشار مجله رشد آموزش راهنمایی اظهار خوشوقتی کرده و نسبت به مسئولین مجله اظهار لطف و محبت داشته‌اند که ما نیز از ایشان متشکریم.

* آقای محمد تقوی مندی کارشناس مسوول راهنمایی تحصیلی اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان با ارسال کارت پستالی دست‌ساز زیبا، ضمن اظهار محبت به مسئولین رشد راهنمایی، خواستار نشر نظریاتی در مورد مدیریت آموزشی و تعلیم و

تربیت در مجله هستند.

ما نیز از این همکار ارجمند بسیار سپاسگزاریم و ان‌شاء‌الله در این خصوص نیز مطالبی در مجله درج خواهد شد.

* از اداره آموزش و پرورش شهرستان زاهدان نامه‌ای داشتیم که نوشته بودند تعداد مدارس راهنمایی منطقه ۴۱ مدرسه است و حال آن که ۳۸ جلد مجله به آنجا ارسال شده است. در این خصوص اقدام لازم به عمل آمد و ان‌شاء‌الله شماره‌های بعدی به اندازه کافی ارسال می‌شود.

* نامه‌ای بسیار محبت‌آمیز با امضای آقایان: محمد جلیل زارع، محمدرضا صفایی، سید علیرضا اقبال، محمدحسین اسلامی، محمدرضا امامی، محمدرضا دانایی‌فر، محمود فلاح، محمدرضا اشتری و علی‌اکبر معتمدی‌زاده، سرگروه‌های محترم آموزشی، اداره آموزش و پرورش شهرستان میبد، یزد داشتیم که از انتشار مجله رشد آموزش راهنمایی اظهار خوشنودی کرده‌اند. ما نیز از این عزیزان بسیار متشکریم و توفیق همگان را از خداوند متعال خواستاریم همراه با نامه فوق نامه‌ای از اداره آموزش و پرورش شهرستان میبد به مجله ارسال شده است که یادآور شده‌اند به آمار مدارس راهنمایی اداره آموزش و پرورش شهرستان میبد باید تعداد ۱۰ مجله اضافه شود.

ضمن تشکر به اطلاع می‌رساند که در مورد اقدام لازم به عمل آمد و ان‌شاء‌الله شماره‌های بعدی مجله به تعداد کافی ارسال خواهد شد.

تربیت دینی نوجوانان

محمدرضا سرفی

عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران

با عرض سلام خدمت همکاران ارجمند، برادران و خواهرانی که مسؤلیت بسیار وزین و شریف تدریس دینی و قرآن را تسخیل فرموده‌اید. در این فرصت کوتاه بحثی مختصر درباره تربیت دینی نوجوانان عرض می‌کنم.

الف) مراحل تربیت دینی

مادر تربیت دینی پنج مرحله را به طور طبیعی پشت سر می‌گذاریم که این مراحل به صورت مستمر و مستطه، یکی پس از دیگری فراهم و امکانپذیر خواهد شد.

۱- انس دینی:

اولین مرحله تربیت دینی، انس دینی است. کودکی که در سالهای اول زندگی با قرآن و نماز خواندن پدر و مادر راز و نیاز آنها آشنا می‌شود و در سه یا چهار سالگی در کنار آنها جانمایی بهم می‌کند و به تقلید از آنان قیام، قنوت، رکوع و سجده‌ای برپا می‌کند. کم‌کم زمینه‌ای در او ایجاد می‌شود به نام انس و الفت دینی. وقتی فرزندان شما در کنارتان سجده و رکوعی کرد و سلام نماز برآید و شما دستش را

– اولین مرحله تربیت دینی انس دینی است.

– وقتی کاری را بارها و بارها تکرار کردیم. این عمل در شخصیت ما نفوذ می‌کند و استوار و پایدار می‌شود. مثل عادت نظم، سحرخیزی، مسؤلیت‌پذیری یا هر عادت دیگر. از خصوصیات دوره دبستان عادت‌پذیری است.



به دنبال برگزاری گردهمایی آموزشی معلمان دینی و قرآن در مقطع راهنمایی شهر تهران در دی ماه ۱۳۷۰، گردهمایی دیگری نیز در آبان ماه ۱۳۷۱ تشکیل شد که طی آن چند تن از استادان سخنرانی کردند و درباره مشکلات معلمان بحث و گفتگو نمودند. متن حاضر خلاصه سخنرانی آقای محمدرضا سرفی است که تحت عنوان «تربیت دینی نوجوانان» ایراد گردید. اداره امور تربیتی شهر تهران مجموعه سخنرانیهای استادان محترم را به جاب رسانده است که مطالعه آن به عموم معلمان گرامی توصیه می‌شود.

به گرمی فشردید، پیشانی‌اش را بوسیدید و یک لیغند رضایتبخشی در صورت او شکوفا کردید. به یادش می‌ماند که هر موقع این حرکات را انجام داده، از شما یک پاداش درونی و رضایتبخشی را دریافت کرده است. هر زمان با شما به مسجد و حسینیه یا به مجلس عزاداری آمد و شما مراعات کردید که به او سخت نگذرد و راحت و خوشحال باشد و عزاداریها خارج از ظرفیت و حوصله او نباشند... این مراعاتها و ظرافتها او را کم‌کم به نوعی تعلقات ذهنی گرایش خواهد داد که بایه آن انس و الفت بآید است. مادر روان‌شناسی به این پدیده «Conditioning» یا شرطی کردن می‌گوئیم؛ به این صورت که اگر دو امر در مجاورت یکدیگر قرار بگیرند و با حضور یکی، دیگری هم حضور پیدا کند، کودک کم‌کم بین اینها پیوندی برقرار می‌کند که به آن «پیوند شرطی برقرار کردن» گفته می‌شود. کودک در سالهای بعد که زندگی مستقلی را دنبال می‌کند، هر موقع به یاد می‌آورد که وقتی نماز می‌خواند، سیمای شما شاد می‌شد و او را تشویق می‌کردید؛ در او شوق و علاقه به دین ایجاد می‌شود.

۲ - عادت دینی:

وقتی کاری را بارها و بارها تکرار کردید، این عمل در شخصیت ما نفوذ می‌کند و استوار و پایدار می‌شود، مثل عادت نظم، سحرخیزی، مسؤلیت‌پذیری یا هر عادت دیگر. از خصوصیات مهم دوره دبستان، عادت‌پذیری است. اگر شما در این سالها همت کنید و عادات ارزشمندی را در فرزند بسازد، دانش‌آموزتان به وجود بیاورید، در سالهای بعد نیازی به صرف آن همه، نیرو و هزینه نخواهد بود. در سن دبستانی عادات دینی بهتر

مرحله سوم معرفت و تفکر دینی است. کودکی که در سالهای پیش‌دستانی و دبستانی با آداب دینی انس پیدا می‌کند و عادت دینی در او به وجود می‌آید. باید در سالهای راهنمایی معرفت دینی پیدا کنند. در این مرحله شما باید از این دلیل استدلال و نیز تعقل و تحلیل مسائل دینی با ذهن آماده و مستعد او ارتباط برقرار سازید و با او صحبت کنید.

جایگزین می‌شود، مثلاً شما در مدرسه ابتدایی پسرانه نمازخانه برپا می‌کنید و دانش‌آموزان پسر در حالی که هنوز نماز برایشان واجب نشده است به آن جا می‌آیند و نماز می‌خوانند و به این ترتیب نوعی عادت و استمرار بر عمل در آنها به وجود می‌آید.

چرا در اخلاق اسلامی و در مباحث مربوط به مراقبه و مشارطه و محاسبه، عدد چهل جایگاه ویژه‌ای داده؟ چون این مسأله حاکی از تکرار یک عمل در حدی است که بتواند در وجود ما به صورت عادت درآید و البته قطعاً آثار خودش را هم دارد. مثلاً ما باید بچه‌ها را به خواندن نماز اول وقت عادت دهیم و به آنها پیاموزیم که صبحها قدری زودتر بیدار شده آماده نماز شوند. همچنین باید تلاش کنیم که قرآن را در حد ظرفیت خود و بر اساس جاذبه‌هایی که ما برایشان ایجاد می‌کنیم حفظ کنند. حفظ آیات قرآن و سوره‌های کوتاه آن در سالهای بعد او را مصون می‌دارد.

وقتی فرزندان به سن تکلیف می‌رسند، باید مسائل شرعی و تکلیفی را برایشان بیان کرد. سنت ارزشمند جشن تکلیف و جشن عبادت دختران یکی از آثار بارز جمهوری اسلامی است که به لطف خداوند بتدریج جای جشن تولدهای منحط و منحرف قبل از انقلاب را بر می‌کند و در داخل فرهنگ و بدنه آن جای می‌گیرد. امیدواریم که این سنت بتواند برای پسران هم استوار شود.

۳ - معرفت دینی:

مرحله سوم، معرفت و تفکر دینی است. کودکی که در سالهای پیش‌دستانی و دبستانی با آداب دینی انس پیدا می‌کند و عادت دینی در او به وجود می‌آید باید در سالهای راهنمایی معرفت دینی پیدا کند. در این مرحله شما باید از طریق دلیل و استدلال و نیز تعقل و تحلیل مسائل دینی با ذهن آماده و مستعد او ارتباط برقرار سازید و با او صحبت کنید. از نظر ساختار ذهن سن سیزده سالگی دوره رشد انتزاعی یا رشد تجربیدی تفکر است؛ یعنی تفکر می‌تواند به درجه‌ای برسد که انسان در غیاب اشیاء هم درباره آنها فکر کند، در حالیکه در سالهای قبل از راهنمایی رشد تفکر انتزاعی حاصل نشده است. پس ما می‌توانیم در دوره راهنمایی با آمادگی بیشتری از معرفت دینی و اندیشه و تفکر دینی صحبت کنیم و به پرسشهایی که نوجوانان راجع به دین دارند، پاسخ بگوییم و استنباط، فهم، آگاهی و ادراک آنها را در این مرحله بالا ببریم.

همان‌گونه که بیان شد از مسؤلیتهایی که باید در سالهای قبل از دوره راهنمایی به آن بیندیشیم، این است که وظایف سن بلوغ و تکلیف دختران نوجوان را به آنها پیاموزیم. در سالهای راهنمایی به بعد، بچه‌ها کم‌کم از

— مرحله چهارم شاکله دینی است. اگر در گام سوم معرفت دینی ایجاد شد، گام چهارم شاکله دینی است. یعنی تمام تار و پود او به نگاه او، توجه او، سخن او، همه و همه شخصیت بارز دینی پیدا کند.

— مرحله پنجم خودجوئی دینی است. یعنی وقتی شخصیت او از نظر دینی کاملاً شکل گرفت در این مرحله از یک نیروی خودجوئی استفاده می‌نماید و به دنبال عشق برتر حرکت می‌کند.

— اولین نیاز دانش‌آموز راهنمایی هویت جوئی است که نیازی عمیق و پیچیده است.

— نوجوان به خاطر ورود به دوره نوجوانی و بلوغ، قدری اضطراب دارد.

چرانی مسائل سوال می‌کنند و می‌خواهند علت و حکمت مسائل را بدانند. کودک تا به حال نماز خوانده است و الان هم می‌خواند، اما حالا می‌خواهد بداند که این نماز چه اثری بر شخصیت او دارد و در نزد خداوند چه آثاری بر آن مترتب است و اصولاً چرا باید نماز خواند و می‌خواهد رجوع به صفات خداوند درک درستی داشته باشد. شما باید اندیشه او را در این جهت هدایت کنید و از نمونه‌ها و شواهدی مستدل و روشن در بحثان بهره بگیرید. اگر همکاران عزیز به ادبیات غنی ما، به شعار ارزشمند سعدی، مولوی، حافظ، به سخنان بزرگان اندیشه و فرهنگ اسلامی و به داستان‌هایی که در فرهنگ ما وجود داده مسلط باشند، می‌توانند در معرفت دینی جذابیت ایجاد کنند. وقتی شما جاه‌جا از اشعار خوب و زنده و با روح، از حکایتها، ضرب‌المثلهای، داستانها، خاطرات و موضوعهای تاریخی یاد کنید، بحثان شیرینتر می‌شود و جذابیت و گیرایی آن بالا می‌رود.

۴ - شاکله دینی:

مرحله چهارم، شاکله دینی است. اگر در گام سوم معرفت دینی ایجاد شد، گام چهارم شاکله دینی است؛ یعنی تمام تار و پود وجود او، نگاه او، توجه او، سخن او، همه و همه جنبه شخصیت بارز دینی پیدا کند و دین در وجود او کاملاً متجلی و مشهور شود. این که گفته‌اند دوستی برگزین که دین او نور است به یاد خدا بیندازد، به همین علت است؛ به چهره‌اش نگاه می‌کنید به یاد خدا بیفتید.

۵ - خودجوئی دینی:

مرحله پنجم خودجوئی دینی است. یعنی وقتی شخصیت او از نظر دینی کاملاً شکل

گرفت، در این مرحله از یک نیروی خودجوئی استفاده می‌نماید و به دنبال عشق برتر حرکت می‌کند. او دیگر سری شوریده دارد و به دنبال گمشده‌ای به نام عشق برتر است. عشق برتر عشق خدایی و الهی است. اگر به عشق برتر رسید، دیگر بسادگی تحت تأثیر جاذبه‌های نفسانی و دنیایی فرار نمی‌گیرد.

حال هر کدام از ما باید ببینیم که حاصل تدریس ما در کدام مرحله فرار می‌گیرد. آیا تنها در حد انتقال یک تفکر دینی هستیم؛ یعنی در مرحله سوم؟ یعنی این که قبلاً آنس و عادت‌ها به وجود آمده است و اکنون ما معرفت ایجاد می‌کنیم؟ ولی باید بدانیم بین کسی که عهده دینی دارد و کسی که عمل و شاکله دینی دارد، تفاوتی بسیار است. اگر از کسی که عمل و معرفت دینی دارد امتحان بگیرید، ممکن است تمره بیست هم بگیرد، اما او چه قدر عامل به دین است؟ چه قدر به این مطلب یقین دارد؟ تفاوت علم و یقین چیست؟ تفاوت علم و یقین، تفاوتی است بین مرحله سوم و مرحله چهارم.

برادران و خواهران ارجمند: حاصل تلاش شما نباید تنها معرفت دینی باشد، بلکه باید شاکله دینی باشد. دانش‌آموزی که از زیر دست شما بیرون می‌آید و بعد به دبیرستان و دانشگاه و جامعه قدم می‌گذارد، نباید طعمه تنها حبه فرهنگی بیگانگان قرار گیرد و خود را بسازد. اگر او تنها دارای علم دینی باشد ممکن است لغزش پیدا کند، اما اگر شاکله دینی داشته باشد می‌تواند مقاومت کند و اگر خودجوئی دینی داشته باشد تسخیر ناپذیر خواهد بود.

ب) نیازهای دانش‌آموز دوره راهنمایی

دانش‌آموز دوره راهنمایی، پنج نیاز است خصوصیت مهم دارد که شما جریان



ارزشمندش را به طور یقین در کار خواهید دید.

۱ - هویت‌جویی:

اولین نیاز دانش‌آموزان دوره راهنمایی، هویت‌جویی است که نیازی عمیق و پیچیده است. در حقیقت نوجوان در این سالها می‌پرسد من کیستم؟ چه هویت و شخصیتی دارم؟ این سؤالی است که گاهی وجودش را به درد می‌آورد. این کیستی - شناسی و هویت‌جویی در خانواده به او داده نمی‌شود و احتمالاً در جامعه نیز همین‌طور؛ حتی در خانواده، حرکاتی در مقابل این هویت‌جویی انجام می‌شود و او را از هویتش تهی می‌کند. یکی از اهداف تهاجم فرهنگی همین از هویت خالی کردن نسل جوان و نوجوان است. کدام جوان و نوجوان تحت تأثیر تهاجم فرهنگی قرار می‌گیرد؟ کسی که از هویت خالی شده و نمی‌داند تاریخش چیست، ریشه‌اش در کدام فرهنگ و کدام باور است و خودش کیست و در چه نقطه‌ای قرار گرفته است.

خواهران و برادران گرامی! اگر خدای ناکرده دشمن در تهاجم فرهنگی موفق شود، دیگر بحث تغییر دین یا از بین رفتن اسلام نیست، بلکه اصلاً نسل مسلمان نابود خواهد شد. نوجوان باید هویت و فرهنگ خود را بشناسد و سنتها و باورهای خویش را دریابد، از این رو باید در درس بینش دینی و قرآن سعی کنیم در لابه‌لای آیات الهی و صفحات کتاب، این هویت ارزشمند را به او شناسانیم. به او یاد بدهیم که اگر عزت اسلامی را به دست آوردی، ذلت را هرگز نخواهی پذیرفت.

۲ - نیاز به امنیت و آرامش روحی:

نوجوانان به خاطر ورود به دوره نوجوانی

- نیاز سوم فرزندان ما نیاز به فلسفه حیات ارضاکنده است.

- یکی از بحرانهایی که جامعه امروز بشری از آن رنج می‌برد، کاهش نظارت‌های اخلاقی است.

و بلوغ، قدری اضطراب دارند. اصلاً قرن ما را که در آستانه تمام شدن است، قرن اضطراب نام نهاده‌اند. ما برای نسل نوجوانی که هم در قرنی پر اضطراب زندگی می‌کند و هم به خاطر ورود به دوره نوجوانی، اضطراب بخشی از زندگی‌اش شده است، چه پیامی داریم؟ پیام ما این است: «ألا بذكر الله تطمئن القلوب»، یعنی تو به آرامش و امنیت نیاز داری که این آسایش و امنیت تنها در پناه یاد و ذکر پروردگار برای انسان حاصل می‌شود. یکی از اینها تلقین ذکر خدا در هنگام خواب است. شایسته است جوانان ما بیاموزند که بیوسته با وضو باشند و هر شب چند آیه از قرآن بخوانند و بعد بخوابند. به او بگوئیم که هنگام شب، مخاطب ملائکه هستی و ملائکه به بالین تو می‌آیند. حدیث است که هنگام شب، ملائکه به بالین نوجوانان و جوانان می‌آیند و ندا می‌دهند: ای نوجوانان و ای جوانان! جدوا و اجتهدوا! یعنی برخیزید و همت کنید و برای سعادت و خوشبختی آینده قدم بردارید.

ای که دستت می‌رسد کاری پکن پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

شخصی از امیرالمؤمنین سؤال کرد که می‌خواهم آرامش دل داشته باشم، چه کنم؟ امام فرمودند که با قرآن انس داشته باش. انس با ذکر خدا کم‌کم حلاوت ذکر خدا را در انسان ایجاد می‌کند.

مردان موحد و زنان مؤمن هرگز در زندگی خود از اضطراب رنج نبرده‌اند. اگر انسان به این درجه برسد نه تنها خودش آرامش دارد، بلکه وجودش منبع آرامشی برای دیگران خواهد بود. وقتی بچه‌ها در کلاس به شخصیت و رفتار شما نگاه می‌کنند باید آرامش بگیرند و اضطراب درونی و خلجانهایشان تسلی ییابد.

۳ - نیاز به فلسفه حیات ارضاء کننده:

نیاز سوم فرزندان ما نیاز به فلسفه حیات ارضاء کننده است. او می‌خواهد دریابد که چرا باید زندگی کرد؟ و مقصود از این آمد و شد چیست؟ این سؤال مهمی است. ما باید یک بینش توحیدی معنی‌دار و هدفدار به او بدهیم، زیرا وقتی هدف زندگی روشن باشد او رنجها را راحت‌تر می‌پذیرد. بشر زمانی زندگی خودش را با رنج تطبیق می‌دهد که بداند چرا باید رنج بکشد و اگر این معنا برایش حاصل شود رنج پذیرفتن حلاوت دارد، چرا که می‌داند در راه رضای او رنج می‌کشد و مقاماتش بالا و بالاتر می‌رود؛ اما اگر معنی و هدف زندگی برایش روشن نشد خیلی ساده خلع سلاح می‌شود و در برابر حوادث کوچک زانو می‌زند.

برادران و خواهران ارجمند! در خلال تدریس دینی و قرآن، برای دانش‌آموزان خود از هدفهای خوب یک انسان مؤمن صحبت کنید. از جمله هدفها این است که خودت را پاک نگهداری؛ به درجه «انما یخشی الله من عباده العلماء» برسی؛ در راه خدا تلاش و بیکار

کنی که «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما» و این که به مرحله انسان کامل برسی.

به آنها بگویند اگر مال دنیا از دست رفت بگذار برود، اما اگر ایماننان از دست رفت؛ نماز صبحتان قضا شد؛ دوست خوب و باتقواتان از دست رفت، آن روز نباید غصه بخورید.

۴ - نیاز به تقویت نظارت اخلاقی:

یکی از بحرانهایی که جامعه امروز بشری، از آن رنج می برد کاهش نظارتهای اخلاقی است. خانواده ها و نهادهای اجتماعی در دنیا نظارتهای بر اخلاق ندارند. ما نیز نظارت اخلاقی را در خانواده ها قدری کاهش یافته می بینیم و لذا وظیفه ما سنگینتر می شود. شاید در قرآن بیش از دوستان مورد ضرب المثل، داستان و حکایت داریم که مرحوم صدر بلاغی آنها را در کتاب «فصص قرآن» جمع آوری کرده است و مثالهای قرآن هم در «امثال قرآن» گردآوری شده است. برای آن که ذهن دانش آموز جذب و آماده شود، چه قدر خوب است که شما حقیقتی را در قالب مثال بیان کنید و با این روشها، نظارت اخلاقی را بیوند دهید.

اگر همکاران گرامی ما کلامشان از دلی شوریده و پراحساس بخریزد، آن نظارت اخلاقی را در بجهها ایجاد خواهد کرد.

۵ - نیاز به هدلی و همزیانی:

بجهها در دوره راهنمایی حرفهایی برای گفتن دارند. آنها مطالبی دارند که نمی توانند با خانواده در میان بگذارند، زیرا خانواده حدیشان نمی کند و تلاش نمی کند که حرف بجهها را بفهمد. او سوالات بفرنجی دارد و می خواهد راجع به این سن، دوره زندگی اش،

– نوجوانان ما در خیلی موارد مظلومند، چون بعضی خانواده ها برای بجه های خود شخصیت و منزلت قایل نیستند که بخواهند حرف دلشان را بشنوند، اما شما حرف دلشان را بشنوید و او را راهنمایی کنید.

آینده اش، کامیابی و ناکامی اش، روابطش با خانواده، برادر و خواهر و از این قبیل برسنهایی اساسی و بنیادی را مطرح کند، اما نمی داند آنها را با چه کسی مطرح نماید؟ نوجوانان ما در خیلی موارد مظلومند، چون بعضی خانواده ها برای بجه های خود شخصیت و منزلت قایل نیستند که بخواهند حرف دلشان را بشنوند؛ اما شما حرف دلشان را بشنوید و او را راهنمایی هم بکنید. گاه دانش آموزی خودش را ناامید و در حال سقوط و فرورسختن می بیند، اما شما را تنها کسی می داند که می تواند حرف خود را به او بزند و همین مسأله او را در زندگی حفظ می کند. اگر سیاهگاه عاطفی داشته باشد، افسرده نمی شود و به فکر خودکشی نمی افتد؛ ولی اگر شما را هم ندانست، دیگر چه کسی را باید داشته باشد؟ «تخلیه روانی» در روان شناسی یک فن درمانی است. وقتی او قدری برای شما حرف زد و عقده دلش را باز کرد، از درون تنفّی پیدا می کند.

در پایان، حدیثی از قول رسول گرامی اسلام (ص) عرض می کنم که فرمودند: «یا علی! قسم به خدایی که جان من در دست اوست، اگر به واسطه تو یک انسان به هدایت و نور معرفت دست یافت، ارزش آن از هر آنچه که آفتاب بر آن بتابد بالاتر و بسزوتر است.» خوشا به حال شما که نسلی را تربیت می کنید و متولیان فرهنگ دینی و فرهنگ معنوی جامعه هستید.

«والسلام علیکم»



سوالات امتحانات نهایی

سوالات امتحانات نهایی درس تعلیمات دینی دانش‌آموزان و داوطلبان آزاد کلاس سوم راهنمایی شهر تهران در خرداد ماه ۱۳۷۱

وقت امتحان: یکساعت

تاریخ امتحان ۱۳۷۱/۳/۲

۱۱ - در آیات قرآن کریم برای آشنایی با آفریدگار جهان سه چیزهای اشاره شده است؟ (دو مورد)

۱

۱۲ - وحی در فرهنگ دین به چه معناست؟

۱۳ - دو مورد از مواردی که پیامبر در زمان حیات خویش درباره

جانشینی بعد از خود سخن گفته‌اند را بیان کنید؟

۱۴ - در غسل ترتیبی چند عمل واجب است فقط به ترتیب نام

ببرید؟

۱۵ - برهان علیت چگونه بیان می‌شود؟

۱۶ - قصاص یعنی چه؟ پیامبر در آخرین روزهای عمر شریفش درباره

قصاص چه فرمود؟

۱۷ - خدا از آگاهان چه عهدی گرفته و چه مسئولیتی بر عهده آنان

گذاشته است؟

۱۸ - دستور قرآن درباره بیکار با دشمنان اسلام چیست؟

۱۹ - وظیفه فرزندان در مقابل پدر و مادر را بیان نمائید (سه

مورد)

۲۰ - فقط به سوال «الف» یا «ب» پاسخ دهید؟

الف: دلیل عصمت و پیراستگی پیامبران از گناه را بنویسید؟

ب: هدایت عمومی یعنی چه؟ نام دیگر آن چیست؟

۲

۱ - آیات زیر را ترجمه کنید؟ الف: أَمْسَى اللَّهُ شَكًّا فَمَا طَرِ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ.

۰/۵

ب: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا فَلَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا

هُم بِخَزَائِنِ.

۲ - قرآن کریم غالباً بهشت را با چه لفظی بیان نموده است؟

الف: فردوس ب: رضوان ج: جنة د: هر سه مورد

۳ - عذایهای سخت جهنم برای افراد بدکار و کافر نمود چه چیزهایی

است؟

۴ - زیباترین چیزی که انسان از این دنیا به جهان آخرت می‌برد

چیست؟

۵ - هنگامیکه همسفر پیامبر به اندوه و اضطراب می‌افتاد پیامبر با بیان

چه جمله‌ای او را دلداری می‌داد؟

۶ - اهل بغی چه کسانی می‌باشند؟

۷ - کدامیک از علوم زیر درباره شناخت روایان حدیث می‌باشد؟

الف: علم رجال ب: علم درایه ج: علم اصول د: استنباط

۸ - ضامن حفظ دین و نظام اجتماع چیست؟

۹ - نماز خواندن مرد با انگشتر یا حلقه یا زنجیر یا بند ساعت طلا چه

حکمی دارد؟

۱۰ - در کدامیک از موارد زیر تیمم صحیح است؟

الف: سنگ آهک و گچ ب: خاک پاک و ریگ ج: سنگ مرمر د: هر

سه مورد

۰/۵

«موفق باشید»

چگونه جملات فارسی را به عربی برگردانیم؟

محمد رضا نفوی
دبیر عربی استان اصفهان

حمید درشش را **التعریبُ بِکُتِبَ حَمیدُ دَرَسَهُ**
ترجمه
جمله‌های فوق را به صورت زیر نیز می‌توانیم
به عربی گردانیم:

فاعل فارسی «مبتدا» + فعل + مفعول + بقیه
اجزاء جمله «جمله اسمیه عربی»

حمید به مدرسه می‌رود **فَرَمَوْلُ حَمیدِ مِی‌رُودُ**
به مدرسه **التعریبُ حَمیدُ یَذْهَبُ اِلَی المَدْرَسَةِ**

حمید درشش را می‌نویسد **فَرَمَوْلُ حَمیدِ**
می‌نویسد درشش را **التعریبُ حَمیدُ یَکْتُبُ دَرَسَهُ**

نوجه ۱ - در زبان عربی فعل با فاعل خود
از نظر مذکر و مؤنث بودن مطابقت می‌کند یعنی
اگر فاعل فارسی مذکر باشد فعل را به صورت
مذکر ترجمه می‌کنیم و اگر فاعل فارسی مؤنث
باشد فعل را به صورت مؤنث ترجمه می‌کنیم:

جمله فعلیه فارسی مرکب از فاعل،
مفعول، فعل می‌باشد.

اکنون اگر بخواهیم جمله فارسی را به
عربی برگردانیم پس از تشخیص نوع جمله از
قواعد مربوط به هر جمله استفاده می‌کنیم. اگر
جمله فارسی دارای فعل نام باشد فرمول آن در
عربی عبارت است از فعل + فاعل + مفعول +
بقیه اجزاء جمله

جمله فارسی مورد نظر را طبق فرمول فوق
مرتب می‌کنیم و سپس کلمه به کلمه آنها را به
عربی برمی‌گردانیم:

حمید به مدرسه می‌رود. **فَرَمَوْلُ حَمیدِ**
به مدرسه **التعریبُ حَمیدُ یَذْهَبُ اِلَی المَدْرَسَةِ**.

حمید درشش را می‌نویسد. **فَرَمَوْلُ حَمیدِ**

برای برگرداندن جملات فارسی به عربی
نخست باید نوع جمله را بشناسیم تا بتوانیم آن
جمله را طبق ضوابط مربوطه به آن جمله به
عربی برگردانیم.

باید بدانیم که جمله در زبان فارسی بر دو
قسم است: ۱ - جمله اسمیه ۲ - جمله فعلیه
۱ - جمله اسمیه جمله‌ای است که به یکی
از افعال ربطی «است، شد، گردید، گشت و
بود» ختم شده است مانند جمله‌های: حمید
کشاورز است، حمید بیمار شد، حمید
دانش‌آموز بود. جمله اسمیه فارسی مرکب از
مسندالیه، مسند و رابطه می‌باشد.

۲ - جمله فعلیه: در فارسی جمله‌ای را که
دارای فعل تام «غیر ربطی» باشد جمله فعلیه
گویند مانند جمله‌های حمید به مدرسه می‌رود،
حمید درشش را می‌نویسد.

مثال حمید به مدرسه رفت. **ذَهَبَ** حمیدُ إلى المدرسة.

حمید به مدرسه رفت. **ذَهَبَتْ** حمیدةُ إلى المدرسة.

توجه ۲- در عربی اگر جمله با فعل شروع شود و فاعل به دنبال آن بیاید فعل غایب به صورت مفرد آورده می شود هر چند فاعل «مفرد، مثنی، جمع» باشد.

مثال: **دَخَلَ** علی و حمید الصَّفَّ علی و زملاؤه

توجه ۳- اگر فاعل مؤنث مجازی و یا جمع مکسر باشد فعل را می توان به صورت مذکر یا مؤنث آورد.

مثال: **طَلَعَ** «طَلَعَتِ» الشمسُ. **ذَهَبَ** «ذَهَبَتْ» الرجالُ.

هرگاه جمله فارسی دارای فعل ربطی «است» باشد برای برگرداندن آن به عربی اول کلمه «است» را حذف می کنیم و سپس بدون جابجائی، کلمات را ترجمه می کنیم.

حمید کشاورز است. **فَرَمُولَ** حمید کشاورز **التعریب** حمیدُ فلاحٌ

حمید در مزرعه است. **فَرَمُولَ** حمید در مزرعه. **التعریب** حمیدُ فی المزرعة.

هوا سرد است. **فَرَمُولَ** هوا سرد. **التعریب** الجوُّ باردٌ.

هرگاه جمله فارسی به یکی از افعال ربطی «بود، گشت، گردید...» ختم شده باشد برای ترجمه آنها ابتدا فعل ربطی را به اول جمله منتقل می کنیم و سپس کلمات را ترجمه

می کنیم. برای افعال «بود، گشت، و گردید» از افعال ناقصه «کان، صار، أصبح...» استفاده می کنیم. قواعد کامل آن در کتاب دوم دبیرستان درس دوازدهم صفحات ۶۵ و ۶۶ آمده است.

حمید کشاورز بود. **فَرَمُولَ** بود حمید کشاورز. **كَانَ** حمیدُ فلاحاً.

هوا سرد شد. **فَرَمُولَ** شد هوا سرد. **صار الجوُّ بارداً. أصبح الجوُّ بارداً.**

توجه ۱-: مستدالیه فارسی در عربی مبتدا نامیده می شود و مستند فارسی در عربی خبر نامیده می شود.

توجه ۲- حکم افعال ناقصه «کان، صار، أصبح...» نسبت به مبتدا از نظر مذکر و مؤنث بودن همان حکم فعل و فاعل است.

جملات منفی فارسی در عربی

برای منفی کردن جملات در زبان فارسی از حرف نفی «نه» استفاده می کنیم. اگر جمله فارسی دارای فعل منفی باشد برای برگرداندن آن به عربی از فرمول زیر استفاده می کنیم:

۱- اگر جمله دارای فعل تام باشد برای منفی کردن فعل ماضی از حرف نفی «ما- نه» و برای مضارع از حرف نفی «لا- نه» استفاده می کنیم.

مثال حمید درسش را ننوشت —
ننوشت حمید درسش را — **مَا كَتَبَ**
حمیدُ دَرَسَهُ.

حمید درسش را نمی نویسد —
نمی نویسد حمید درسش را — **لَا يَكْتُبُ**
حمیدُ دَرَسَهُ.

توجه: فعل ماضی منفی را می توان با فعل

مضارع مجزوم به **لَمْ** نیز منفی کرد.

حمید درسش را ننوشت — **لَمْ يَكْتُبْ**
حمیدُ دَرَسَهُ.

۲- اگر جمله دارای فعل ربطی «است» باشد در منفی کردن به جای آن از فعل «لَيسَ» استفاده می کنیم.

مثال حمید کشاورز است.
حمیدُ فلاحٌ

منفی آن به صورت **لَيسَ** حمیدُ فلاحاً.
می آید.

برای بقیه افعال ربطی از همان قاعده فعل نام در منفی کردن استفاده می شود.

جملات پرسشی فارسی در عربی

گاه در باره ای جمله ها به عباراتی برخورد می کنیم که با کلمات پرسشی شروع شده اند به چنین جمله هایی جمله های پرسشی یا سؤالی و یا استفهامی گویند.

در کتاب عربی اول راهنمایی از درس اول تا پایان درس دوازدهم سروکار ما با جمله ها و عبارات پرسشی به صورت های گوناگون است. و اختصاص دادن ۱۲ درس از کتاب به این قبیل جمله ها نشانه اهمیت جمله های پرسشی است زیرا ما در محاورات روزانه بیشتر با جمله های پرسشی سروکار داریم.

هرگاه بخواهیم جمله پرسشی فارسی را به عربی برگردانیم باید ابتدا کلمه پرسش «سؤال» را در آغاز جمله قرار دهیم و بقیه جمله را مانند فرمولهای قبل مرتب کنیم و کلمات را ترجمه کنیم.

آیا حمید درسش را می نویسد؟ آیا می نویسد حمید درسش را؟

التعریب: هَلْ يَكْتُبُ حمیدُ دَرَسَهُ؟

آیا حمید به مدرسه می رود؟ آیا می رود حمید

عربی

به مدرسه؟

التعريب: هَلْ يَذْهَبُ حميدٌ إلى المدرسة؟
آيا حميد کشاورز است؟ آيا حميد کشاورز؟
التعريب: هَلْ حميدٌ فلاح؟

آيا هوا سرد شد؟ آيا شد هوا سرد؟ هَلْ صارَ
الجوُّ بارداً؟

نکته مهم: جمله‌های پرسشی فارسی دو دسته هستند یکی جمله‌هایی که با کلمه سؤال «آيا» شروع شده‌اند و ما در هنگام ترجمه به جای کلمه آيا از دو کلمه «هَلْ و همزه» استفاده می‌کنیم.

دیگر جمله‌هایی که با یکی از کلمات «چه چیزی، چه کسی، کجا، چه وقت، چگونه، چقدر، کدام» شروع می‌شوند و ما در ترجمه به عربی از معادل آن کلمات استفاده می‌کنیم.

چه چیزی: ما، ماذا، چه کسی: مَنْ، مَنْ ذَا، کجا: أَيْنَ، چه وقت، متى، چگونه: كَيْفَ، چقدر: كَمْ، کدام: أَيْ

اکنون به جمله‌های زیر توجه می‌کنیم.

این چیست؟ — چیست این؟ ما هَذَا؟

چه چیزی خریدی — ماذا اشتریت؟

حمید کجا می‌رود — کجا می‌رود حمید؟
أين يذهب حميد؟

حمید چه وقت به مدرسه می‌رود؟ چه وقت حمید به مدرسه می‌رود؟ متى يذهب حميد إلى المدرسة؟

حمید چگونه به مدرسه می‌رود؟ چگونه می‌رود حمید به مدرسه؟ كيف يذهب حميد إلى المدرسة؟

حمید چند کتاب دارد؟ چند کتاب دارد حمید؟ كم كتاباً لحميد؟

کدام دانش آموز به مدرسه می‌رود؟ کدام دانش آموز می‌رود به مدرسه؟ أي تلميذ يذهب إلى المدرسة؟

تذکر: کلمات استفهامی در عربی صدارت کلاه دارند و همیشه در ابتدا جمله قرار می‌گیرند.

باسخ گونی به جملات پرسشی فارسی در عربی

در جمله‌های سؤالی باید به موارد زیر توجه کنید:

۱- هرگاه جمله پرسشی فارسی با کلمه «آيا» شروع شده باشد در پاسخ دادن به صورت مثبت، کلمه سؤال را از اول جمله حذف می‌کنیم و به جای آن از کلمه تصدیق «نَعَمْ» استفاده می‌کنیم و بقیه جمله را مثل فرمولهای گذشته ترجمه می‌کنیم و در پایان جمله نقطه می‌گذاریم.

آيا حميد درسيش را می‌نویسد؟ آيا می‌نویسد حميد درسيش را؟ هَلْ يَكْتُبُ حميدُ دَرْسَهُ؟

بلى حميد درسيش را می‌نویسد؟ بلى می‌نویسد حميد درسيش را. نَعَمْ يَكْتُبُ حميدُ دَرْسَهُ.

آيا حميد کشاورز است؟ هَلْ حميد فلاح؟
بلى حميد کشاورز است. نَعَمْ حميد فلاح.
آيا هوا سرد شد؟ آيا شد هوا سرد؟ هَلْ أَصْبَحَ الجوُّ بارداً؟ هَلْ صارَ الجوُّ بارداً؟

بلى هوا سرد شد. بلى شد هوا سرد. نَعَمْ أَصْبَحَ الجوُّ بارداً نَعَمْ صارَ الجوُّ بارداً

و چنانچه پاسخ سؤال منفی باشد در موقع جواب دادن کلمه سؤال را حذف می‌کنیم و در بجای آن در فارسی از حرف نفی «نه» و در عربی از حرف نفی «لا» استفاده می‌کنیم و جمله را به صورت زیر پاسخ می‌دهیم.

آيا حميد درسيش را می‌نویسد؟ نه، حميد درسيش را نمی‌نویسد.

هَلْ يَكْتُبُ حميدُ دَرْسَهُ؟ لا، لا يَكْتُبُ حميدُ دَرْسَهُ.

آيا حميد درسيش را نوشت؟ نه حميد درسيش را نوشت.

هل كتب حميد دَرْسَهُ؟ لا، ما كتب حميد دَرْسَهُ. و يا، لا، لم يَكْتُبْ حميدُ دَرْسَهُ.

توجه: اگر جمله فارسی دارای فعل ربطی «است» باشد در هنگام پاسخ دادن به صورت منفی بجای فعل «است» از فعل لَيْسَ برای مذکر و از فعل لَيْسَتْ برای مؤنث استفاده می‌کنیم.

آيا حميد کشاورز است؟ نه حميد کشاورز نیست.

هَلْ حميد فلاح؟ لا، لَيْسَ حميدُ فلاحاً.
آيا حميد دانش‌آموز است؟ نه، حميد دانش‌آموز نیست.

هَلْ حميدة تلميذة؟ لا، لَيْسَتْ حميدة تلميذة.

توجه: در پاسخ گونی به جمله‌های پرسشی که با کلمه «آيا» در فارسی و «هَلْ» همزه در



عربی آغاز شده اند یا فرم مثبت و یا منفی موارد زیر را رعایت می‌کنیم.

۱ - فعلهای غایب را در پاسخ تغییر نمی‌دهیم: هَلْ ذَهَبَ حميدٌ؟ لا، ما ذَهَبَ حميدٌ.

۲ - فعلهای مخاطب را به متکلم تبدیل می‌کنیم. صیغه‌های مفرد مخاطب در مذکر یا مؤنث را به صورت متکلم وحده پاسخ می‌دهیم: هَلْ ذَهَبْتَ يا ذَهَبْتَ؟ نَعَمْ، ذَهَبْتُ. يا، لا، ما ذَهَبْتُ.

صیغه‌های منی و جمع را به صورت متکلم مع الغیر پاسخ می‌دهیم. هَلْ ذَهَبْتُمْ، ذَهَبْتُمْ؟ نَعَمْ، ذَهَبْنَا. يا، لا، ما ذَهَبْنَا.

صیغه‌های متکلم را به مخاطب پاسخ می‌دهیم. متکلم وحده را به صورت مفرد مخاطب «مذکر یا مؤنث»: هَلْ ذَهَبْتَ؟ نَعَمْ، ذَهَبْتُ يا ذَهَبْتَ (مثبت) لا، ما ذَهَبْتُ يا ذَهَبْتَ (منفی) صیغه‌های متکلم مع الغیر را با توجه به تعداد سؤال کنندگان به صورت متنای مذکر یا مؤنث و جمع مذکر یا مؤنث مخاطب پاسخ می‌دهیم.

هَلْ ذَهَبْنَا؟ نَعَمْ ذَهَبْنَا، ذَهَبْتُمْ، ذَهَبْتُمْ. (مثبت) لا، ما ذَهَبْنَا، ذَهَبْتُمْ، ذَهَبْتُمْ. (منفی)

۲ - در پاسخ گویی به جمله‌های پرسشی که با کلمات «چه کسی، چه چیزی، چه وقت، کجا، چگونه و امثال آن» شروع شده است به شرح زیر پاسخ می‌دهیم:

ابتدا به معنی کلمه پرسش که هدف و منظور گوینده در آن نهفته است توجه می‌کنیم و جواب مناسب را انتخاب می‌کنیم و به هنگام پاسخ، کلمه سؤال را حذف می‌کنیم و جمله را با توجه به پاسخ مناسب ترجمه و یا باز نویسی می‌کنیم.

چه کسی به مدرسه می‌رود؟
مَنْ يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

حمید به مدرسه می‌رود.
يَذْهَبُ حميدٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

چه کسی را در مدرسه دیدی؟
مَنْ رَأَيْتَ فِي الْمَدْرَسَةِ؟

حمید را در مدرسه دیدم.
رَأَيْتُ حميداً فِي الْمَدْرَسَةِ.

حمید چه می‌گوید؟
مَاذَا يَقُولُ حميدٌ؟

حمید می‌گوید: من مسلمانم.
يَقُولُ حميدٌ: أَنَا مُسْلِمٌ.

حمید کجا می‌رود؟
أَيْنَ يَذْهَبُ حميدٌ؟

حمید به مدرسه می‌رود.
يَذْهَبُ حميدٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

حمید چه وقت به مدرسه می‌رود؟
مَتَى يَذْهَبُ حميدٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

حمید بعد از ظهر به مدرسه می‌رود.
يَذْهَبُ حميدٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ الظَّهْرِ.

حمید چگونه به مدرسه می‌رود؟
كَيْفَ يَذْهَبُ حميدٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

حمید خوشحال به مدرسه می‌رود.
يَذْهَبُ حميدٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ مَسْرُوراً.

حمید چند کتاب دارد؟
كَمْ كِتَاباً لِحَميدٍ؟

حمید ۳ کتاب دارد.
لِحَميدٍ ثَلَاثَةٌ كُتُبٌ.

کدام دانش‌آموز از کلاس خارج شد؟
أَيُّ تَلْمِيزٍ خَرَجَ مِنَ الصَّفِّ؟

حمید از کلاس خارج شد.
خَرَجَ حميدٌ مِنَ الصَّفِّ.

تو کیستی؟
مَنْ أَنْتَ؟

من حمید هستم.
أنا حميدٌ.

این چیست؟
ما هَذَا؟

این کتاب است.
هَذَا كِتَابٌ.

ارکان جامعه‌پذیری

آنچه نحوه و میزان جامعه‌پذیر شدن فرد را نشان می‌دهد رفتارهای جنتماعی آنهاست. گاهی رفتار اجتماعی مبتنی بر ارزشهای درونی شده نیست؛ یعنی فرد یک رفتار را به این خاطر از خود بروز می‌دهد که از طرف جامعه مورد مواخذه قرار نگیرد. در این حالت اگر کنترل جنتماعی نباشد فرد خطا می‌کند. برای تحقق جامعه‌پذیری صحیح و عمیق به شرط لازم است:

الف - شناخت، شناخت مفاهیم و مهارت‌های اجتماعی از لوازم اصلی جامعه‌پذیری است. گاهی می‌شود که از طریق عادت‌دین و شرطی کردن، بعضی رفتارها و آداب اجتماعی را در افراد به وجود آورد. ولی این رفتارها از بسین شناختی قوی برخوردار نخواهد بود.

ب - گرایش، یعنی شناخت مهارت‌ها و رفتارهای اجتماعی برای جامعه‌پذیر شدن، شرط لازم به شمار می‌آید. اما شرط کافی نیست. فرد نباید نسبت به مهارت‌ها و رفتارها گرایش قلبی پیدا کند و جزء نطفه ارزشی فرد قرار گیرد. در این حالت است که فرد نه تنها نسبت به عمل اجتماعی رغبت پیدا می‌کند بلکه از آنها دفاع نیز می‌کند. موارد بسیاری می‌توان نام برد که فرد نسبت به یک چیز شناخت و آگاهی لازم را دارد، ولی به ضد آن عمل می‌کند. پزشکی را در نظر بگیرید. بیش از هر کس دیگری به زبانه‌های سیگار کشیدن آگاه است. در حالیکه مریض را به نکشیدن سیگار توصیه می‌کند. خودش مشغول سیگار کشیدن است. در این مورد اشکال کار در کجاست؟ آیا جز این است که مضرات سیگار در وجود او بر یک «پاور» و ارزش تبدیل شده است.

برنامه‌ریزی درسی تعلیمات اجتماعی

نوشته حسن ملکی معاونت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف

مطلب زیر قسمت دوم مقاله «برنامه‌ریزی درسی تعلیمات اجتماعی است» که توسط آقای حسن ملکی معاونت دفتر برنامه‌ریزی و تألیف به رشته تحریر درآمده است. ایشان در این مقاله به توضیح «ارکان جامعه‌پذیری» اقدام کرده‌اند و برای تحقق جامعه‌پذیری صحیح، سه عنصر شناخت، گرایش، تمرین و کسب مهارت را لازم نامبرده‌اند. از دیگر مباحث مطروحه در این مسبحث جامعه‌پذیری و محیط‌های اجتماعی، ارتباط محتوای کتاب با جامعه از طریق طرح مؤسسات و سازمانها، ... است. رسد آموزش راهنمایی از آقای ملکی جهت تدوین این مقاله سپاسگزار است.



مورد توجه قرار گرفته‌اند، و همچنین در بحث نیازهای اجتماعی و مؤسسات مختلف که محور اصلی بحث تعلیمات اجتماعی دوم راهنمایی است، به تناسب مؤسسه مورد بحث یکی از این مهارتها مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین با طرح این مهارتهای اجتماعی در کتابهای تعلیمات اجتماعی ارتباط محتوا با جامعه برقرار شده است.

ارتباط محتوای کتاب با جامعه از طریق طرح مؤسسات و سازمانها

پس از بحث خانواده و گروه در تعلیمات اجتماعی اول، تعدادی از سازمانها و مؤسسات اجتماعی مختلف در کتاب تعلیمات اجتماعی دوم راهنمایی طرح شده است. در جامعه نهادها و سازمانها و مؤسسات اجتماعی مختلف به وجود آمده است. هر یک از مؤسسات با ارائه خدماتی نیازهایی را تأمین می‌نمایند. افراد جامعه که ناگزیر با مؤسسات اجتماعی در رابطه هستند، نیاز به این دارند که با وظایف آنها آشنا شوند و نسبت به وظایف و نقش خودشان نیز در برابر مؤسسات مختلف آگاهی پیدا کنند، ولی با توجه به تعداد زیاد مؤسسات و سازمانها و عدم امکان و ضرورت طرح همه آنها، ناگزیر به انتخاب هستیم. تعدادی از مؤسسات اجتماعی با زندگی روزمره مردم سروکار دارند و مردم ناچار هستند در اداره امر و زندگی خود به آنها مراجعه کنند و نیازی را تأمین نمایند؛ برای مثال، بانک مؤسسه‌ای اقتصادی است که روزانه هزاران نفر برای انجام دادوستد و پرداختها و دریافتها ی گوناگون به آن جا مراجعه می‌کنند. این مؤسسه با مؤسسه دیگری مانند مؤسسه زمین‌شناسی و یا وزارت راه و ترابری که به مردم خدمت می‌کنند، اما در ارتباط با نیازهای روزانه مردم

ج - تمرین و کسب مهارت، ممکن است فردی یک مهارت اجتماعی را خوب بشناسد، نسبت به آن علاقه نیز داشته باشد، ولی در عمل توانایی بروز آن رفتار را نداشته باشد؛ برای مثال ممکن است یک نوجوان آگاهی لازم را نسبت به کارهای گروهی بدست آورد و علاقه لازم را نیز داشته باشد، اما در عمل نتواند همانند یک عضو در گروه ایفای نقش کند و قادر نباشد در یک تعامل صحیح با دیگران ارتباط برقرار کند. ارتباط با دیگران یک مهارت اجتماعی است و باید در اثر تمرین و مشارکت در کارهای گروهی حاصل شود. بنابراین جامعه‌پذیری همانند مثلثی است که یک رأس آنرا شناخت و رأس دیگر آن را گرایش و رأس سوم آن را مهارت عملی تشکیل می‌دهد.



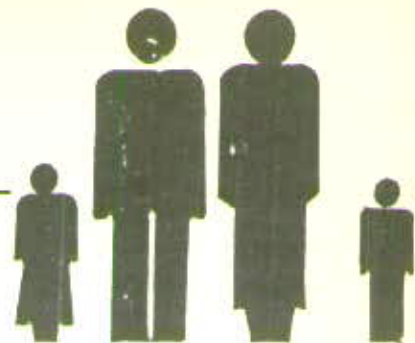
آگاهی می‌یابد و با وظایف و نقش هر یک از محیطها در برابر افراد آشنایی پیدا می‌کنند. در اثر این آگاهی و شناخت رابطه فرد با دیگران شکل منطقی‌تری پیدا می‌کند.

با توجه به این ویژگی جامعه‌پذیری در برنامه‌های جدید تعلیمات اجتماعی آگاه ساختن نوجوان با محیطهای خانواده، گروهها، سازمانها و مؤسسات اجتماعی مختلف ویژگی اصلی این برنامه است. در تعلیمات اجتماعی سال اول راهنمایی خانواده و گروههای همسالان محتوای این کتاب را تشکیل می‌دهند. در چند درس خانواده، چند مهارت اجتماعی اساسی از قبیل، همکاری، نظم و غیره که آموزش آنها برای هر شهروند و عضو خانواده ضرورت دارد، مورد بحث قرار گرفته است. مهارتهای اجتماعی به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که در هر محیط اجتماعی کاربرد دارد و هر جا که انسانها باشند و با هم تعامل داشته باشند، این مهارتهای اجتماعی نیز مصداق دارند.

افراد چه در خانواده، چه در گروه و چه در جامعه به رعایت نظم، همکاری، مشورت، همدلی، از خود گذشتگی و غیره ملزم هستند. بدین دلیل در بحث گروههای مدرسه، همسالان و گروه محلی نیز همین مهارتهای اجتماعی

جامعه‌پذیری و محیطهای اجتماعی هر فردی ناگزیر با یکی از محیطهای اجتماعی در ارتباط است.

زمانی با خانواده در ارتباط است و در دوره‌ای از زندگی با گروههای مختلف رابطه برقرار می‌کند و نهایتاً عضو جامعه است که باید ایفای نقش کند. جامعه‌پذیری پیوند فرد با این محیطهای اجتماعی است. از طریق جامعه‌پذیر شدن، افراد جامعه نسبت به نقش و وظیفه خود در مقابل محیطهای اجتماعی



– محتوای کتابهای تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی با عوامل زیر با جامعه ارتباط می‌یابند.

الف – از طریق محیطهای اجتماعی، خانواده، گروه و جامعه

ب – از طریق آموزش مهارتهای اجتماعی اساسی

ج – از طریق طرح و معرفی سازمانها و مؤسسات مختلف

با توجه به بحثهای فوق محتوای کتابهای تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی با عوامل زیر با جامعه ارتباط می‌یابند.

الف – از طریق محیطهای اجتماعی خانواده، گروه و جامعه؛

ب – از طریق آموزش مهارتهای اجتماعی اساسی؛

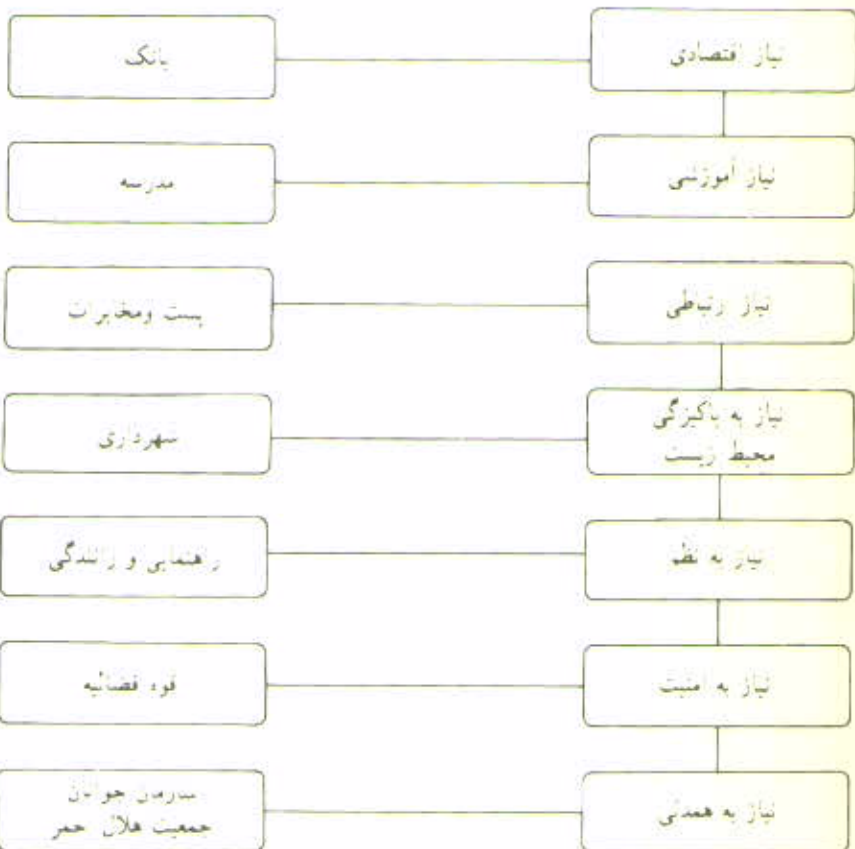
ج – از طریق طرح و معرفی سازمانها و مؤسسات اجتماعی مختلف؛

همدلی را مورد توجه قرار دادیم و در مقابل هر یک از آنها یک مؤسسه یا سازمان اساسی را که به تأمین این نیاز کمک می‌کند انتخاب نمودیم؛ بدین ترتیب هفت نیاز اجتماعی با هفت مؤسسه ذریع هر یک آنها محتوای کتاب تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی را تشکیل دادند:

ببینند، تفاوت اساسی دارد؛ بنابراین شاخص انتخاب، از سازمانها و مؤسسات مختلف، نزدیکی و ارتباط آنها با نیازهای افراد جامعه است؛ بنابراین ابتدا چند نیاز اساسی فرد، مانند نیازهای اقتصادی، آموزشی، ارتباطی، پاکیزگی محیط زیست، امنیت نظم اجتماعی و

ارتباط محتوا با علم

هر یک از کتابهای درسی با یکی از رشتههای علمی در ارتباط است. بین محتوا و علم مربوط باید آنچنان ارتباطی باشد که چند مفهوم اساسی آن علم را بیاموزد. در صورت ضعیف بودن این ارتباط، دانش آموز میانی علمی لازم را برای ورود به پایه‌های بالاتر به دست نمی‌آورد و از نظر مفهومی به شکل برمی‌خورد؛ همچنین اگر بین محتوا و علم بیش از حد ارتباط ایجاد شود، محتوای تخصصی بخود می‌گیرد و نمی‌تواند سبکهای دانش آموز را تأمین کند. در این حالت اگر کتاب درسی را با یکی از کتابهای دانشگاهی در آن رشته مقایسه کنید تفاوت چندین در محتوای آنها می‌بینید؛ یعنی اهداف رشته‌های مختلف دانشگاهی تربیت متخصص است، در حالی که دوره‌های پیش از دانشگاه عمدتاً فرد را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کند.



ضمن این که محتوای کتابها از مفاهیم اساسی علمی نباید خالی باشد، ولی نباید علم محور اصلی محتوا را تشکیل دهد.

با این توضیح نحوه ارتباط محتوای تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی را با علم مورد بررسی قرار می‌دهیم. در تعلیمات اجتماعی اول مطالب بر محور دو مفهوم اساسی «خانواده» و «گروه» تنظیم شده است. ابتدا درباره گروه و انواع آن توضیحی داده می‌شود:

گروه عبارت است از مجموعه افرادی که با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. نظم و دوام نسی بین آنها حاکم است و معمولاً هدف مشترکی را دنبال می‌کنند. هر جمعیتی که این صفات در آنها نباشد گروه نیست. گروه مردمی که در خیابان در حال عبور و مرور هستند. آنهایی که در جایی مشغول تماشای یک صحنه‌ای می‌باشند و جمعتهای همانند آن، «گروه» نامیده نمی‌شوند. فرض کنید شما صحنه‌ای از تجمع مردم را در جایی می‌بینید و از دوست خود سؤال می‌کنید که آنجا چه خبر است. او به شما می‌گوید گروهی از مردم در آنجا ایستاده‌اند و به صحنه تصاف یک ماشین نگاه می‌کنند. بر این پاسخ، یک نفر که با مفاهیم جامعه‌شناسی آشناست اشکال می‌گیرد و می‌گوید که آن جمعیت، یک گروه نیست. برای این که ویژگیهای گروه را ندارد. آنها با هم تعامل ندارند یعنی رفتار یکی در دیگری تأثیر نمی‌کند. همچنین ارتباط آنها دوام و نظم ندارد و بعد از چند دقیقه از هم جدا و پراکنده می‌شوند؛ همچنین هدف مشترکی ندارند. ممکن است در این جا این سؤال برای کسی طرح شود که مگر در مثال بالا همه آنهایی که به یک صحنه نگاه می‌کنند هدفشان مشترک نیست. باید گفت، هدف مشترک در گروه یک

— گروه عبارت است از مجموعه افرادی که با یکدیگر ارتباط متقابل دارند، نظم و دوام نسی بین آنها حاکم است و معمولاً هدف مشترکی را دنبال می‌کنند.

اتحادیه صنفی با یک سندیکای کارگری باشند. این مسافران، سنخ اجتماعی به حساب می‌آیند و برخی از آنان عضو اتحادیه صنفی یا سندیکای کارگری، گروه اجتماعی هستند. نمونه‌هایی از قبیل: سمنانیهای مقیم مرکز «جامعه فارغ التحصیلان پلی تکنیک، مردان و زنان متأهل»، «رأی دهندگان انتخابات قانونگذاری»، «افراد باسواد یک کشور» «دبیران تعلیمات اجتماعی یک استان» هر کدام یک سنخ اجتماعی را تشکیل می‌دهند. بنابراین:

وجود خصوصیات مشترک میان افراد، ملاک اصلی تعریف سنخ اجتماعی است و همین وجه اصلی تفاوت میان یک سنخ اجتماعی با یک گروه اجتماعی است. اشخاصی که یک سنخ اجتماعی را می‌سازند به هیچ گونه تماسی، نه مستقیم و نه غیرمستقیم با یکدیگر ندارند.

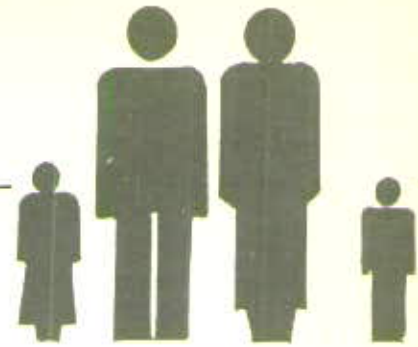
جماعات اجتماعی

دیدیم سنخ اجتماعی از اجتماع افرادی که در یک یا چند صفت مشترکند، در ذهن مشاهده‌گر ساخته می‌شود و واقعیت عینی ملموسی ندارد. جماعات اجتماعی از اجتماعات اشخاصی که در مجاورت مکانی به سر می‌برند، ولی با یکدیگر روابط متقابل ندارند تشکیل می‌شود. از طرف دیگر گروه اجتماعی، در معنای جامعه‌شناسی از اجتماع افرادی که گونه‌های مختلفی از روابط متقابل اجتماعی سازمان یافته دارند تشکیل می‌شود؛ بنابراین، جماعت جایی میان سنخ و گروه دارد. در سنخ اشخاص نه روابط متقابل دارند و نه در

هدف از قبل طراحی شده است. ارتباط اعضای گروه به یکدیگر و ارتباط آنها با رهبر گروه و ضوابط و قواعدی که برای خود تعیین می‌کنند همه در پرتو هدف مشترک و برای رسیدن به آن شکل قرار می‌گیرد، ولی آنهایی که به طور اتفاقی در یک جا جمع شده‌اند، به یک چیز مشترک نگاه می‌کنند، اما مقصد و هدف مشترک ندارند. به خاطر روشن شدن مفهوم گروه و تفاوت آن با جمعتهای دیگر مفاهیم اجتماعی «سنخ اجتماعی» و «جماعت» را با استفاده از کتاب «مبانی جامعه‌شناسی» دکتر عبدالحسین نیک‌گهر مورد بحث قرار می‌دهیم:

سنخهای اجتماعی و گروهها

از جمله خطاهای رایج زبانی این است که سنخهای اجتماعی با گروهها اشتباه می‌شوند. از یک گروه مذهبی، از یک گروه جوانان حرف می‌زنند؛ در حالی که منظورشان غالباً یک سنخ اشخاص از این قبیل است. سنخ اجتماعی از شماری اشخاص تشکیل می‌شود که یک یا چند صفت مشترک دارند، اما هیچ گونه تماس یا روابط اجتماعی سازمان یافته‌ای با یکدیگر ندارند. به همین دلیل سنخ اجتماعی یک ساخته ذهنی است و اشخاصی که تحت عنوان «سنخ» مطالعه می‌شوند تنها در ذهن پژوهشگر یکجا با هم هستند و نه در خارج؛ البته ممکن است برخی از این اشخاص عضو گروههایی در معنای فنی کلمه باشند؛ مثلاً برخی از مسافران شرکت واحد اتوبوسرانی ممکن است عضو یک



زیر قافله ساختاری یا سلسله مراتب موقعیتها و کارکردها است.

ب: در جماعت خدععی، بنا وجود مجاورت مکانی، تماس اجتماعی محدود و دور است.

ب: بسیاری از جماعات اجتماعی مکانی هستند و مرزبندیهای مشخصی دارند.

ب: بسیاری از جماعات موقتی هستند مشخص به جماعت دخیل می‌شوند و از آن خارج می‌گردند. از یک جماعت به جماعت دیگر گذر می‌کنند. جماعتی پس از تماشای یک مسابقه فوتبال ممکن است پس از خارج شدن از استادیوم برای دیدن یک فیلم وارد سانی یک سینما می‌شوند.

در جامعه مدرن امروز مجتمعهای سکونی یا آپارتمانهای متعدد که ساکنانش در آنسورها با در راه پله‌ها به سلاخ و علیکی بسته می‌کنند نمونه بارزی از جماعت اجتماعی هستند؛ البته، خانواده‌های هر آپارتمان جدا جدا یک گروه (خانوادگی) هستند. مجتمع سکونی شامل جماعتی از گروه‌هاست. شخص بستهای می‌تواند هم حزبی از یک جماعت باشد و هم عضوی از یک گروه.

طبقه‌بندی جماعات

جماعات اجتماعی را بر حسب معیار برگزیده شده برای تحلیل آنها می‌توان به صورت‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد. هر یک از مشخصات مذکور می‌تواند مبنای سنجش جماعت باشد؛ مثلاً بی‌نامی و ناشناس بودن ممکن است «کامل» باشد، مثل عابرائی که اتفاقی برای تماشای صحنه تصادف دو اتومبیل یا یک حریق گرد می‌آیند و سپس پراکنده می‌شوند؛ همچنین ممکن است بی‌نامی

«نسبی» باشد؛ مثل آشنایی مختصری که اهالی یک کوچه، یا ساکنان آپارتمانهای یک مجتمع سکونی با هم دارند.

سایر مشخصات هم می‌توانند معیاری برای طبقه‌بندی به کار آیند. بر روی هم تصادف بیشتر از عزم و تصمیم در تشکیل یک جماعت اجتماعی دخیل است. این اصل تصادفی بودن را هم در مشخصات مکانی جماعت ملاحظه می‌کنیم. مثلاً همسایه‌هایی که با یکدیگر ملاقات می‌کنند و هم در مشخصات زمانی، مثل مسافران یک قطار که با هم سفر می‌کنند ممکن است دیگر هرگز یکدیگر را ملاقات نکنند. بزرگی و کوچکی جماعت نیز می‌تواند مفیاسی برای طبقه‌بندی باشد. جامعه‌شناسان در یک تقسیم‌بندی انواع زیر را برای جماعات اجتماعی برمی‌شمارند:

الف - جماعت آرام: جماعتی منظم و مسالمت جوست. در کل که نگاه کنیم نه هدفی دارد و نه کارکرد مشترکی. تنها یک مکان فیزیکی را اشغال می‌کند. این بدان معنا نیست که افرادی که آن را تشکیل می‌دهند هیچ قصد و نیتی ندارند با یکدیگر راه‌گه کرده‌اند و در آن مکان حضور یافته‌اند. هر فردی احتمالاً می‌تواند علت حضورش را توضیح دهد. جماعت آرام بی‌شکل است و فقط نوعی وحدت خارجی دارد.

جمعیتی که در بازار مشغول خرید و روزانه هستند؛ جماعتی که پشت چراغ قرمز یا در برابر درهای ورودی یک سینما، یک فروشگاه تجمع کرده‌اند از انواع جماعت آرام هستند.

ب: جماعت تسأرام: جماعتی است به اصطلاح «خودسر» زیرا نه از درون تحت کنترل است و نه از بیرون. این جماعت بی‌نظم است و سعی می‌کند به عنوان یک واحد اجتماعی، با عجله دست به عمل بزند.

مجاورت مکانی به سر می‌برند. در گروه، شخص روابط اجتماعی که پیش بردوا دارند. یک تیم فوتبال یک گروه است. گروه جمعیتی که برای تماشای بازی فوتبال حضور یافته است یک جماعت است. گلیه دوستداران فوتبال یک کشور یک سبغ است.

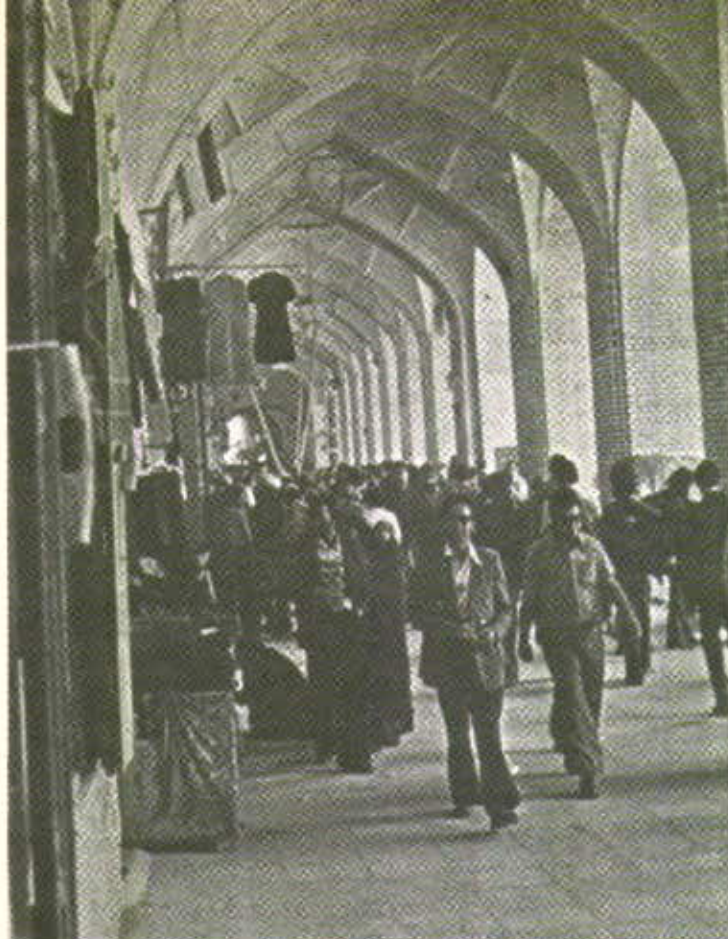
منخصات جماعات

انخاصی که یک جماعت را تشکیل می‌دهند به صورت خاصی باهم در ارتباطند. می‌توان گفت که آنها «توده» و «رابطه هستند» زیرا ارتباطشان است و نا باید راست. در میان جماعات اجتماعی می‌توان از واحدهای جمعیتی نام برد: برای نمونه: ساکنان یک محله، ساکنان یک کوچه، ساکنان بالای شهر، ساکنان پایین شهر، ساکنان مرکز شهر و ساکنان کویها و برزندهای مختلف یک شهر. منطقه زیر پوشش یک کلاتری «انواع جماعات به همین جا ختم نمی‌شود، ولی مشخصات این مفهوم از همین نمونه‌ها معلوم می‌گردد.

تعریف کاملتر و توصیف جماعات اجتماعی باید این مشخصات را دربر گیرد:

الف: انخاصی که یک جماعت را تشکیل می‌دهند باهم بیگانه و ناشناسند.

ب: جماعت اجتماعی سازمان یافته نیست،



گروههای اجتماعی در داخل جماعت شکل می‌گیرند، زیرا این آگاهی جمعی در آنها تقویت می‌شود که در راه رسیدن به هدفی مشترک در مراسم نماز جمعه شرکت می‌کنند.

بلوا و اغتشاش، کار این جماعت ناآرام است که چند سردهسته آن را برانگیخته‌اند. کنش متقابل میان جماعت ناآرام در پایین‌ترین سطح است، اما میان سردهسته‌ها و دنباله‌روها همیشه نوعی روابط وجود دارد و همین مایه تفاوت جماعت ناآرام از جماعت آرام است.

ت - جماعت تظاهر کننده: که در تظاهرات عمومی مشاهده می‌کنیم، جماعتی هستند که با عزم و تصمیم قبلی و به منظور تعهداتشان به یک هدف یا آرمان، معمولاً در پاسخ به دعوتی قبلی، در «محل مشخص» (در مسیرهای همسایه‌ها در محلات نوساز یا جمعیتی غیر ثابت بیشتر است تا در محله‌های مسکونی قدیمی و با جمعیتی نسبتاً ثابت.

بنابراین با توجه به توضیحات مربوط به سنخ و جماعت می‌توان گفت:

جماعت مجموعه افرادی است که در یک مکان بسر می‌برند و آشنایی مختصری بین آنها وجود دارد؛ در حالی که «سنخ» به افرادی گفته می‌شود که در یک یا چند صفت اشتراک دارند، ولی در مجاورت مکانی یکدیگر به سر نمی‌برند.

گروه

با شناخت در مفهوم «سنخ» و «جماعت» مفهوم «گروه» را بهتر می‌توانیم درک می‌کنیم. اولاً افرادی که یک گروه تشکیل می‌دهند مجاورت مکانی دارند؛ یعنی در محل معینی مشغول کارهای گروهی می‌باشند. گروه با این ویژگی از «سنخ» متمایز می‌شود. ثانیاً اعضای یک گروه باید روابط متقابل داشته باشند؛

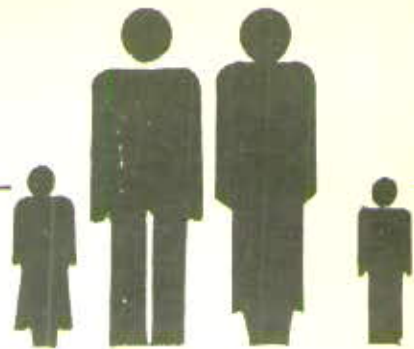
مشخص) و در وقت معین اجتماع می‌کنند. کسانی که در تظاهرات شرکت می‌کنند دیگر شنونده یا تماشاچی محض نیستند. آنها با نوعی رفتار جمعی در حضور دیگران مشارکت دارند. تظاهرات عموماً سازمان یافته‌اند، ولی مشارکت کنندگان به طرزی کمابیش آزادانه در آن شرکت می‌کنند.

تظاهرات ممکن است به دعوت احزاب سیاسی یا سندیکاها برای نمایش قدرت، همبستگی، ابراز وفاداری، ابراز انزجار و حق‌طلبیهای گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی برگزار شود.

ت - جماعات مسکونی: جماعت مسکونی به جماعتی اطلاق می‌شود که با وجود «همسایگی» با هم «بیگانه‌اند». مثل ساکنان آپارتمانی که در مجتمعهای مسکونی بزرگ زندگی می‌کنند. پس از سالها اقامت جز آشنایی مختصر با همسایه‌های دیوار به دیوارشان با بقیه ساکنان مجتمع هیچ گونه ارتباط اجتماعی ندارند. این بیگانگی با

ب - جماعت شنونده، تماشاچی: جماعتی است که با تصمیم قبلی برای حضور در مراسمی در محلی اجتماع می‌کند. منظور ما از اجتماع فقط حضور فیزیکی در مکانی محدود، سرباز یا سرپشته است. افرادی که برای مشاهده انواع مسابقات ورزشی یا استماع سخنرانی یا تماشای نمایشگاههای مختلف در یک مکانی گرد آمده‌اند انواعی از جماعت شنونده - تماشاچی هستند.

جماعتی را که در مراسم عبادی - سیاسی نماز جمعه شرکت می‌کنند، تا آن جا که ناظر و شنونده‌اند و در یک مکان مشخص و در یک زمان معین و موقت اجتماع کرده‌اند می‌توان در این مقوله جا داد. با توجه به این نکته که چون مراسم نماز جمعه هر هفته تکرار می‌شود، پس از گذشت مدتی، مخصوصاً در شهرهای کوچک، آشنایی افراد شرکت کننده با هم افزایش یافته نوعی رابط متقابل بردوام‌تر از صورت دیگر جماعت شنونده - تماشاچی میانشان به وجود می‌آید. در این حالت،



یعنی رفتار هر یک از اعضا در رفتار دیگران موجب عکس العملی شود؛ همچنین این روابط متقابل از یک نظم و پایداری برخوردار باشند، با این دو ویژگی مرز بین مفاهیم «گروه» و «جماعت» معین می‌گردد. هدف مشترک داشتن ویژگی دیگر «گروه» است. آنچه به فعالیت‌های گروهی نظم و پایداری می‌دهد و رفتار را بر اساس اصول و ضوابطی هدایت می‌کند هدف گروه است؛ بنابراین می‌توان گفت: گروه به مجموعه افرادی اطلاق می‌گردد که با هم ارتباط متقابل دارند و برای رسیدن به هدف مشترک با یک نظم و پایداری نسبی فعالیت می‌کنند.

تعامل گروهی، نظم و پایداری، هدف مشترک، ویژگی‌های اصلی گروه را تشکیل می‌دهند. گروه با توجه به نوع رابطه‌ای که بین افراد حاکم است به گروه‌های اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود.

گروه اولیه

گروه اولیه با نخستین به گروهی اطلاق می‌گردد که روابط بین اعضاء عاطفی است و اعضای گروه هدفی فراتر از عضویت در گروه تعقیب نمی‌کند و تعداد اعضاء معمولاً محدود است. نمونه بارز گروه اولیه «خانواده» است.

گروه ثانویه

گروه ثانویه به گروهی گفته می‌شود که روابط بین اعضا آزادی و حسابگرانه است و اعضای گروه برای رسیدن به هدفی عضویت گروه را می‌پذیرند و تعداد اعضاء معمولاً از گروه اولیه بیشتر است. هنگامی که شما

همکاران عزیز در گروه‌های آموزشی دوره می‌نشینید و درباره محتوای کتابهای درسی بحث و تبادل نظر می‌کنید یک گروه ثانویه تشکیل می‌دهید. کارکنان اداره آموزش و پرورش و اداره دیگری که در کنار اداری اهدافی را دنبال می‌کنند از نمونه‌های گروه ثانویه هستند.

خانواده گروهی است که پایه‌های شخصیت فرد در آن پایه‌گذاری می‌شود و پایدارترین رفتارهای اجتماعی توسط اعضای خانواده در فرد به وجود می‌آید. روابط عاطفی بین اعضای خانواده نیز معمولاً قویترین روابط است. نمونه دیگر گروه اولیه، گروه همسالان است. کودکان و نوجوانان برای پاسخگویی به نیازهای درونی خود وارد گروه‌های همسالان می‌شوند و با ایفای نقش و تحرین کارهای گروهی یا معیارهای زندگی اجتماعی آشنایی پیدا می‌کنند و با مهارت‌هایی مانند ارتباط با دیگران، پیروی از رهبر گروه و امثال آنها از طریق فعالیت‌های گروهی در این گروه‌ها آشنا می‌شوند.

گروه ثانویه	گروه اولیه	
آزادی	عاطفی	روابط
هدف مشخصی را تعقیب می‌کند	هدفی جدا از عضویت در گروه وجود ندارد	هدف
زیاد	کم	تعداد

ارتباط گروه‌های اولیه و ثانویه

آیا مرز آهنگین بین گروه‌های اولیه و ثانویه وجود دارد؟ آیا هر گروه باید یا اولیه باشد و ثانویه؟ آیا شما همکاران محترمی دارید

که معمولاً به طور اجادی نیز برای نیل به هدفی با یکدیگر به فعالیت مشترک پردازید؟
تأمل در پاسخ این سؤال چگونگی ارتباط این گروهها را مشخص می‌کند.

تفاوت گروههای اولیه و ثانویه به گونه‌ای نیست که در عالم واقع ترکیبی از ویژگیهای دو گروه در تعدادی از افراد به وجود نیاید. اصولاً در روابط انسانی مرزبندی قطعی وجود ندارد. یک گروه می‌تواند همراه با داشتن روابط اداری و حسابگرانه از یک فضای عاطفی و صمیمی نیز برخوردار باشد. اگر عاطفه اعضای گروه اولیه با حسابگری گروه ثانویه در یک گروه جمع شود توانایی افراد برای رسیدن به هدف مشترک بالاتر می‌رود.

در گروههای همسالان که هنوز حسابگریهای مادی در وجود اعضای آنها (کودکان و نوجوانان) به وجود نیامده است، عواطف افراد گاهی با فعالیت‌های مشترک برای رسیدن به هدف بیوند می‌خورد و گروهی بین اولیه و ثانویه به وجود می‌آورد. گروههای

بازی، تیم کوهنوردی، گروههای هنری و غیره که معمولاً در مدارس تشکیل می‌شوند از نمونه‌های گروههای همسالان هستند که ویژگیهای گروههای اولیه و ثانویه را دارا می‌باشند.

نکات علمی کتابهای تعلیمات اجتماعی

پس از بحث درباره گروه و انواع آن، به محتوای کتاب مراجعه می‌کنیم تا ببینیم چه مفاهیم علمی در محتوای کتاب به کار رفته است. در درس گروه دوستان دو هدف عمده مورد نظر است. یکی این است که دانش‌آموزان با وظایف و نقشهای گروهی آشنا شوند و دوم این که، با ویژگیهای بارز گروه دوستان که از نمونه‌های بارز گروه اولیه است آشنایی یابند. نکته مهم این است که مفاهیم علمی در متن درسهای مختلف به طور توضیحی و مشخص تعریف نشده است، بلکه با توجه به نیازها و علائق و زندگی روزمره دانش‌آموزان، از طریق نمونه‌ها و مثالها ویژگیهای گروه دوستان

آموزش داده می‌شود؛ برای نمونه در درس گروه دوستان آمده است: «در اطراف شما علاوه بر اعضای خانواده، افراد دیگری نیز هستند که شما با آنها روابط دوستانه و صمیمی دارید. اگر آنها را برای مدتی نبینید احساس دلتنگی می‌کنید. اگر کسی آنها را بسیار آرزو می‌شوید و برای دفاع از آنها اقدام می‌کنید. کارهای زیادی را با هم انجام می‌دهید و از این که در کنار آنها باشید، لذت می‌برید...» در این توضیحات که با استفاده از احساس دانش‌آموز به همسالان او نوشته شده است روابط عاطفی اعضای گروه اولیه مورد توجه است. اگر معلم تعلیمات اجتماعی با استفاده از روش تدریس این درس، تدریس کند براحتی می‌تواند دانش‌آموز را با ویژگیهای اصلی گروه اولیه آشنا سازد.

تصاویر درس نیز دقیقاً برای یادگیری مفاهیم علمی انتخاب شده است. آیا شما همکار محترم در تصویر صفحه ۴۹ تأمل کرده‌اید؟ هدف از این تصویر یادگیری مفهوم





پاسخ این است که اینها را نمی‌توان یک خانواده نامید. برای این که گفته‌اند یک گروه است. شرایط گروه هم این است که بین اعضا ارتباط متقابل و هدف مشترک و غیره وجود داشته باشد. این ویژگیها در مجموع افراد یک مجتمع آبارتمانی وجود ندارد. زیرا اینها افرادی هستند که در خانواده‌های گوناگون با ارتباطهای مختلفی زندگی می‌کنند. جالب این جاست که در بعضی جلسات متوجه شدیم که بعضی از همکاران پاسخ داده‌اند که افراد یک مجتمع آبارتمانی را نیز می‌توان یک خانواده نامید. برای این که آنها همانند یک خانواده زندگی می‌کنند و همدگر را می‌بینند و...!!!

همچنین پرسیده شده است «آیا می‌توان کسی را که پنهانی در یک خانه زندگی می‌کند خانواده نامید؟ چرا؟ پاسخ این است که «یک فرد تنها یک خانواده نیست. زیرا خانواده یک گروه است و حداقل اعضای گروه نیز باید دو نفر باشد».

بعضی از همکاران پاسخ داده بودند که آری می‌توان کسی را که در یک خانه تنها زندگی می‌کند یک خانواده نامید. برای این که ممکن است در یک زلزله‌ای، سبلی یا عامل دیگری همه اعضای خانواده از بین بروند و فقط یک نفر باقی بماند.

در این جا باید توجه شود که بین مفهوم «خانواده» و «خانوار» انشای شده است.

صورت اختیاری یا داوطلبانه در بین گروهها شرکت می‌کنیم تا به همراه دیگران کاری را انجام دهیم. آیا گروههای محلی که در درس گذشته درباره آنها سخن گفتیم. نیز گروههای داوطلبانه هستند؟

غیر از متن درس که در جهت آموزش گروههای آزادی سازماندهی شده است. عکسها و تصاویر نیز با نشان دادن انواع گروههای آزادی دانش‌آموزان به یادگیری مفهوم کمک می‌کنند.

از طریق بحثها مربوط به خانواده نیز بین محتوای کتاب و علوم اجتماعی پیوند ایجاد می‌شود. همان‌طور که در بحثهای قبلی گفته شد خانواده یکی از مصادیق گروه اولیه است. روابط عاطفی حاکی بر اعضای خانواده تأثیر خانواده روی شخصیت فرد را دوچندان می‌کند. در چند درس خانواده چند مهارت اجتماعی که در زندگی اجتماعی توانایی در انجام آن مهارتها از لوازم ضروری زندگی است آموزش داده می‌شود و عمداً مهارتهایی انتخاب شده است که انجام آنها تنها به تحکیم روابط اجتماعی اعضای خانواده یاری می‌کند، بلکه تعمیم‌پذیر و اجراندنسی در محیطهای اجتماعی بزرگتر نیز هستند؛ برای نمونه «همکاری» در خانواده باعث بقای گروه خانواده است و ضمناً در هر جا که انسانهایی با یکدیگر زندگی کنند «همکاری» از لوازم تحکیم روابط اجتماعی در آنجاست.

با توجه به این توضیحات پاسخ چند سؤال در بعضی از درسهای کتاب تعلیمات اجتماعی نیز روشن می‌شود:

در درس سوم آمده است: «آیا کسانی که در یک مجتمع آبارتمانی در واحدهای جدا از هم زندگی می‌کنند، با هم تشکیل یک خانواده می‌دهند؟ چرا؟»

گروه است. در این تصویر دو نفر که هر یک جدا از هم نشسته‌اند و کارهای متفاوت انجام می‌دهند نشان داده می‌شود. در ذیل عکس سؤالی طرح شده است که «آیا دو نفری را که در این تصویر مشاهده می‌کنید یک گروه را تشکیل می‌دهند؟» این تصویر یکی از مصادیق منفی مفهوم گروه است. گروه دارای ویژگیهایی است که ارتباط متقابل و هدف مشترک داشتن از جمله آنهاست. هر تصویری این ویژگیها را نشان دهد مصادیق مثبت مفهوم گروه است و هر تصویری را که ویژگیهای گروه را نشان ندهد مصادیق منفی این مفهوم است. معلم می‌تواند با استفاده از مصادیق مثبت و منفی مفهوم گروه را به دانش‌آموز یاد دهد.

همچنین در درس گروههای مدرسه، ضمن آشنا ساختن دانش‌آموزان با انواع گروهی که در مدرسه تشکیل می‌شوند، «گروه داوطلبانه» که همان گروه ثانویه است به آنها یاد داده می‌شود. به عبارت زیر توجه کنید:

«همچنین گروههای دیگری نیز هستند که احتمالاً شما در آنها عضویت دارید. آیا شما خود داوطلب عضویت در این گروهها بودید؟ گروههایی که ما خود داوطلب عضویت در آنها هستیم گروههای داوطلبانه» نام دارند. به

سوالات امتحانات نهایی

سوالات امتحانات نهایی درس تعلیمات اجتماعی دانش‌آموزان و داوطلبان آزاد کلاس سوم راهنمایی شهر تهران در خردادماه ۱۳۷۱

وقت امتحان: ۷۵ دقیقه

تاریخ امتحان ۷۱/۳/۲۵

۱۲ - به دو دلیل دین از سیاست جدا نیست آن دو دلیل کدامند؟ شرح دهید.

۱۳ - وقتی زمینه برای حکومت حضرت علی (ع) فراهم گردید به چه دلیل آن حضرت خود را موظف به قبول آن دانستند.

۱۴ - قانون اساسی درباره حقوق اقتصادی ملت چه مطالبی را بیان می‌دارد بطور مختصر بنویسید.

۱۵ - چه کسانی حق برخورداری از تأمین اجتماعی را دارند (۴ مورد) را بنویسید.

۱۶ - چهار وظیفه از وظایف مهم ملت را نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران بنویسید.

۱۷ - عمده‌ترین راههای پیشگیری از جرم در جامعه اسلامی کدامند؟

۱۸ - علنی بودن محاکمات در دادگاه‌ها چه فوایدی دارد؟

۱۹ - دو وظیفه از وظایف مهم قوه قضائیه را شرح دهید.

۲۰ - وظایف معنوی و فرهنگی دولت را نام ببرید؟

۲۱ - از چه راههایی مردم می‌توانند در اداره امور کشورشان مشارکت داشته باشند؟

۲۲ - رهبر در نصب و عزل و قبول استعفا چه اختیاراتی دارد (چه کسانی را نصب و عزل کند و یا استعفایشان را بپذیرد)؟

۲۳ - اصول و ضرایف دیوان عدالت اداری را بطور مختصر بنویسید.

دانش‌آموزان عزیز موفقیت شما آرزوی ماست

۱ - رایج‌ترین شکل حکومت استبدادی فردی حکومت... است. ۰/۵

۲ - استفاده از استعداد و تخصص مردم و بسیج همگانی جزء کدام یک از وظایف دولت است؟ ۰/۵

الف: اجتماعی ب: سیاسی ج: معنوی و فرهنگی
د: اقتصادی

۳ - تشکیل اجتماعات و راهپیمائی‌های قانونی باید با اجازه کدامیک از ارگانها یا وزارتخانه‌های زیر باشد:

الف: وزارت ارشاد اسلامی ب: نهاد ریاست جمهوری

ج: وزارت کشور د: مقام رهبری ۰/۵

۴ - اصطلاح سدّ مَعْبَر را در یک جمله تعریف کنید. ۰/۵

۵ - دو مورد از مهمترین اختیارات قاضی را یادآوری کنید. ۰/۵

۶ - بالاترین مقام قوه قضائیه چه کسی است و توسط چه کسی تعیین می‌شود؟ ۰/۵

۷ - جمله (قانون عطف به ماسبق نمی‌شود) یعنی چه؟ ۰/۵

۸ - سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر کدامیک از مقامات یا ارگانهای زیر است؟ ۰/۵

الف: مقام رهبری ب: رئیس قوه قضائیه

ج: مقام ریاست جمهوری د: دیوان عدالت اداری

۹ - در چه مواقعی رهبر از مقام خود برکنار می‌شود و تشخیص این امر بر عهده چه کسانی است؟ ۰/۷۵

۱۰ - روش انتخاب وزیر دادگستری به چه صورتی است؟ ۰/۷۵

۱۱ - اشکالات حکومت دموکراسی را فقط نام ببرید. ۱

درس تاریخ و مسأله حفظ کردن آن

عبدالرسول خیراندین

کارشناس مسوول گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف



— اساساً نقل یعنی حفظ صورت اولیه اطلاع تاریخی و استقلال از به
دیگری ذاتی تاریخ است و گریزی از آن نیست

— از نظر اهداف عملی آموزش تاریخ به منظور حفظ کردن و به خاطر
سپردن مقداری اطلاعات نیست و صرفاً ایجاد نوعی احساس و همدستگی
معنوی مورد نظر است. لذا ارزشیابی نیز باید بر همین اساس باشد

هیچ علمی به اندازه تاریخ به دلیل اتکا به حافظه مورد طعن و تعرض قرار نگرفته و هیچ درسی مانند تاریخ به دلیل حفظی بودن در معرض حمله و هجوم واقع نشده است. تصور بسیاری از مردمان، از خاص و عام بر این است که تاریخ حفظی است و شمار فراوانی از معلمان و دانش‌آموزان کاری جز حفظ کردن و سرانجام ارزیابی محفوظات انجام نمی‌دهند. شکی نیست که در روزگاری که اعتبار علوم مختلف به داشتن مسابقی و اصول عقلی و استدلالی و نیز به جنبه‌های کاربردی آنها بستگی دارد موقعیت علم و درسی مانند تاریخ تا چه اندازه از رهگذر حفظی بودن در مخاطره قرار می‌گیرد، در واکنش بدین وضع نامطلوب و برای گریز از آموزش بی‌سرم بسیاری از کلاسهای درس تاریخ، اجتماع دبیران و صاحب نظران درس تاریخ که در سال ۱۹۵۱ به دعوت یونسکو تشکیل گردید، هدف آموزش تاریخ را در تبدیل فهم نابایدار و غیرقابل دوا به فهم پایدار و قابل دوام اعلام کرد اما چنین اظهارات و ادعاها تاکنون موجب ایجاد فاصله‌ای اساسی میان درس تاریخ از حالت حفظی بودن به فهمیدنی آن ایجاد نموده است. علی‌رغم تحول مهمی که در فنون آموزش تاریخ در کشورهای گوناگون پدید آمده، با این حال در کشور ما قدمی هر چند ناچیز در این راه برداشته نشده است؛ البته لازم به تذکر است که بعضاً تمام یا تعدادی از مواد درسی نیز می‌توانند جنبه حفظی داشته باشند؛ حتی گاهی بعضی از دانش‌آموزان درسی مانند فلسفه یا ریاضیات را که کاملاً جنبه استدلالی دارند، حفظ می‌کنند. به همین جهت لازم است که صاحب نظران و محققان امور تعلیم و تربیت، مسأله حفظ کردن را به صورت یک مسأله آموزشی به طور عام و به طور کلی مورد

بررسی و ارزیابی قرار دهند. این امر بخصوص از این جهت اهمیت دارد که علی‌رغم اظهار انزجار از حفظ کردن، بسخوبی روشن نیست، به چه دلیل حفظ کردن مورد طعن و تعرض قرار می‌گیرد؟

— آیا حفظ کردن از این جهت ناپسند است که در آن به جای تعقل و تفهیم، صرفاً ضبط و نقل صورت می‌گیرد؟

— آیا حفظ کردن از این جهت ناپسند است که به جای آموزش دائمی و پایدار آموخته‌ها سرعت به دست فراموشی سپرده می‌شوند؟

— آیا حفظ کردن از این جهت ناپسند است که چنین کاری سخت و ناگوار و همراه با مشقت است و موجب بی‌زاری و تنفر می‌گردد؟

— آیا حفظ کردن از این جهت ناپسند است که صرفاً موجب تقلید و تکرار و ممانع از نوآوری و ابتکار می‌گردد؟

به طور کلی از این قبیل سؤالات می‌توان به مقدار بسیاری مطرح کرد، اما در این جا لازم است این سؤال عمومی را طرح کرد که: «مگر آموخته‌های همه علوم و دروس، از هر نوعی در معرض فراموشی، بی‌فایده‌گی، تکرار و تقلید و زحمت نیستند؟» شاید دروس و علوم مختلف در این خصوص تفاوت کمی از یکدیگر داشته باشند اما شکی نیست که ماهیتاً و در نهایت امر، از این آفات به طور کامل به دور نخواهند بود.

در این مقاله سعی شده است ابعاد مسأله حفظی بودن درس تاریخ مورد بررسی مجدد قرار گیرد و در پایان نیز راه‌حلهایی ارائه گردد. این بررسی شامل تأملاتی درباره علم تاریخ و سپس درس تاریخ خواهد بود.

علم تاریخ و صورت نقلی آن:

قدما تاریخ را در زمره علوم نقلی به شمار

می‌آوردند، اما در چند قرن اخیر در بسیاری از ممالک جهان، بخصوص در مغرب زمین، تاریخ را مبتنی بر اصول عقلی قلمداد کرده‌اند. از جمله نتایج این اقدام بساب شدن شعبه جدیدی از معرفت تاریخی به نام فلسفه تاریخ و نیز جامعه‌شناسی تاریخی بوده است. با این حال چون فلسفه تاریخ چیزی جز تفسیری عقلانی از تاریخ نیست و این تفسیر درباره وقایع تاریخی نقل شده است و نیز چون جامعه‌شناسی تاریخی، صورت خاصی از گزینش و سازماندهی وقایع تاریخی می‌باشد، بنابراین هیچ یک از گرایشهای عقلانی و استدلالی در تاریخ نمی‌تواند بی‌نیاز و به دور از صورت منقول حوادث و وقایع تاریخی باشد؛ هر چند این نیازی در مراحل اولیه و مقدمات هر بحث تاریخی باشد. بدین دلیل بیجا نخواهد بود اگر ادعا شود که اساساً نقل یعنی حفظ صورت اولیه اطلاع تاریخی و انتقال آن به دیگری ذاتی تاریخ است و گریزی از آن نیست؛ بنابراین طبیعی است که نقل (حفظ) به عنوان اساس علم تاریخ در مرحله آموزش نیز خود را غالب و حاکم سازد. با این وجود، این استنتاج موجب خسته کلام در این مبحث نمی‌گردد، زیرا نقل و انتقال اطلاع تاریخی، ابزارها و اشکال واحدی ندارد. روزگاری جوامع بشری بدون خط بودند. در چنین وضعیتی خاطره و حافظه افراد وسیله حفظ و انتقال تاریخ گذشتگان بود؛ به همین جهت به منظور رعایت صداقت و امانت سعی داشتند که آنچه دیده یا شنیده‌اند صحیح و کامل و بدون تصرف و تغییر نقل کنند. به همین دلیل از تواناییهای عقلی و تخیلی خود چیزی بدان که یا اضافه نمی‌کردند، اما از زمانی که نوشتن اختراع و رایج گردیده است دیگر به طور کامل نیازی به حافظه و خاطره افراد نبوده است.

وگرنه صرف اطلاع از اسامی خدایان، عباس اول، جالدیان، مشروطه و غیره موحد معنای خاصی نخواهد بود؛ کما این که تأثیر آموزش این مطالب بر هر فرد ایرانی به نحوی است که در افراد غیر برآبی دیده نخواهد شد. لازم است در این جا این نکته نتیجه گرفته شود که از نظر اهداف ملی، آموزش تاریخ به منظور حفظ کردن و به خاطر سپردن مقداری اطلاعات نیست و صرفاً ایجاد نوعی احساس و هماهنگی معنوی مورد نظر است؛ از این رو ارزشیابی نیز باید بر همین اساس باشد. نکته دیگری که در ارزشیابی رابطه تاریخ و حفظ کردن قابل تذکر است خواست همگان در مورد امانت‌داری مورخ و حقیقت‌گویی است. بنابراین، برای مورخ و تاریخ‌نفل بی‌گه و کاست و صحیح و همراه با امانت‌داری ضروری است و نباید عمداً یا سهواً لغزشی در این مورد رخ دهد. دانش‌آموز نیز به عنوان فراگیرنده مطالب تاریخی یا به صورت واقعی رخ داده‌ها را در اختیار داشته باشد و عرضه کند. در چنین حالتی انکار بر حافظه دانش‌آموز این مقصود را نقض خواهد کرد، زیرا ذهن و زبان او به دلیل فراموشی، اغراق‌گویی یا هر عامل دیگری صورت اصلی وقایع را دگرگون خواهد کرد و به دنبال آن استنباط ناشی از اطلاعات غلط نیز قضاوت او را خلاف واقع خواهد ساخت. بدین جهت تأکید بر حفظ کردن، هیچ مزیتی به لحاظ علمی و آموزشی برای تاریخ نخواهد داشت و صحیح آن است که در ارزشیابی درس تاریخ حتی الامکان معلومات اولیه را برای پاسخ به هر سؤال در اختیار دانش‌آموز گذاشت و آنچه از او باید انتظار داشت تغییر، تطبیق، تحلیل و ترکیب اطلاعات داده شده است.

چنانکه گفته شد حفظ کردن فقط معضل



گرفته شده با صورت کاربردی می‌بایند یا این که تغییر خاصی را در رفتار فردی و جمعی و خصایص روحی به وجود می‌آورند که در نهایت به انطباق فرد با موقعیت زندگی اجتماعی جامعه خود منجر می‌گردد؛ بر این اساس، هدفهای اساسی انتقال اطلاعات تاریخی به افراد یک جامعه ایجاد نوعی احساس و رفتار خاص است که موجب بیوند و هماهنگی و وحدت میان افراد آن می‌گردد؛ مثلاً با درک این مفهوم که وقایع و رخ داده‌های گذشته متعلق به احاد افراد یک جامعه است، نه افراد یا گروهی خاص، خود به خود میان آنان استنباط وحدت در سرگذشت اجمالی و وحدت در سرنوشت پدید می‌آید. این از نیل بدین مقصود نیز اشخاص و وقایع تاریخی است.

زیرا کنایت به عنوان وسیله‌ای مطمئن و آسان چنین وظیفه‌ای را انجام می‌دهد؛ کما این که امروزه وسایلی همچون ضبط صوت یا فیلم نیز در خدمت تست وقایع هستند، بر این اساس حفظ کردن تاریخ در روزگار ما وظیفه‌ای ملی و قومی نیست و ضرورتی هم ندارد. با این همه اطلاع و وقایع تاریخی به عنوان معارف ملی می‌تواند مفید و مورد نیاز باشد زیرا زندگی در هر جامعه‌ای داشتن مقدار خاصی از اطلاعات را در هر زمینه‌ای ضروری می‌سازد؛ مثلاً در جامعه‌ای که معیشت آن بر اساس کشاورزی است، افراد به طور رسمی یا غیررسمی در مورد فنون کشت، فصول آن، چگونگی حفظ منابع و غیره مطالبی را فرا می‌گیرند یا از تاریخ و جغرافیای کشور خود اطلاعاتی کسب می‌کنند. سپس مطالب فرا

مخصوص درس تاریخ نیست؛ اصولاً همه علماء و دروس با مقداری مطالب حفظ کردنی کار خود را آغاز می‌کنند؛ مثلاً دانش‌آموز در ریاضیات، شمارش اعداد و در زبان‌آموزی، حروف الفبا و غیره را با حفظ آن آغاز می‌کند، اما در بسیاری از دروس پس از مراحل اولیه حفظ کردن و به خاطر سپردن مرحله جدیدی که عبارت از استنتاج و ترکیب و استنباط باشد شروع می‌شود؛ یعنی مقدمات اولیه در پرتو مراحل بعدی کم‌رنگ و کم‌اهمیت می‌شود، اما در درس تاریخ مقدمات اولیه یعنی وقایع و اخبار اصل هستند و آن اندازه اهمیت دارند که استنباط‌ها و تجزیه و تحلیل‌هایی که بر اساس آنها صورت می‌گیرند، درجه دوم به شمار می‌آیند؛ یعنی برای تاریخ صورت اصلی و اولیه اخبار مهمتر از تفسیر و تشریح آنهاست. و این به دلیل جزئی و شخصی بودن وقایع تاریخی است؛ در حالی که در بسیاری از علوم، اطلاعات اولیه صورت کلی و نوعی دارند. از سوی دیگر بسیاری از علوم به دلیل داشتن خاصیت طبقه‌بندی موضوعی باسانی صورت تحلیلی و عقلی به خود می‌گیرند؛ یعنی مقدمات اولیه به آسانی در پرتو قواعد و اصول آن علم قابل عرضه به اشکال و صور گوناگون می‌شوند؛ اما تاریخ چنین وضعی ندارد؛ مگر آنکه برای تاریخ آن اندازه قواعد عقلی و فلسفی قائل باشیم که اخبار و رویدادها که صرفاً شخصی و جزئی هستند در ظل و ذیل قواعد و اصول کلی و عقلی قرار گیرند. در چنین حالتی امکان این که درس دارای روش و هدف گردد بسیار زیاد خواهد بود و دانش‌آموز نیز پس از مدتی توانایی درک مستقلی از درس تاریخ خواهد یافت.

راه حل دیگری که برای تعدیل مشکل حفظ کردن وجود دارد صرفنظر کردن از ارانه

– صحیح آن است که در ارزشیابی درس تاریخ حتی الامکان معلومات اولیه برای پاسخ به هر سؤال را در اختیار دانش‌آموز گذاشت و آنچه که از او باید انتظار داشت تفسیر، تطبیق، تحلیل و ترکیب اطلاعات داده شده است.

– معلم باید بر اساس هدف هر درس، همیشه آن مقدار از اطلاعات را که برای القای یک معنا و مفهوم ضروری و لازم است مورد تأکید قرار دهد و از آنها ارزشیابی کند.

– ما تصور می‌کنیم که وظیفه فراگیری به عهده دانش‌آموز است، در حالی‌که یاد دادن وظیفه اصلی معلم است.

گردد، بلکه معلم باید بر اساس هدف هر درس، همیشه آن مقدار از اطلاعات را که برای القای یک معنا و مفهوم ضروری و لازم است مورد تأکید قرار دهد و از آنها ارزشیابی کند. در این مورد نکته‌ای که معلم باید کاملاً بدان توجه کند این است که اصولاً برای دانش‌آموزان حفظ کردن کار دشواری است و نتیجه این زحمت و مرارت آن است که از درسی مانند تاریخ بیزار می‌شوند. این اشکال از این جا به وجود آمده که ما تصور می‌کنیم که وظیفه فراگیری به عهده دانش‌آموز است؛ در حالی که یاد دادن وظیفه اصلی معلم است. به همین جهت اگر برای دانش‌آموز فراگیری اطلاعات لازم را وظیف را وظیفه معلم بدانیم در این صورت دانش‌آموز احساس زجر و زحمت نخواهد کرد. در این جا معلم با تکرار فراوان مطالب مورد نظر خود که برای دانش‌آموز تکرار غیر آگاهانه است، به فراگیری و حفظ آنها از سوی دانش‌آموز کمک خواهد کرد.

چنانکه پیش از این آمد مسأله حفظ کردن

درس تاریخ نیست، زیرا فراموشی آموخته‌ها مشکلی است که برای همه دروس وجود دارد؛ حتی بسیاری از افراد – صرفنظر از علمی که فرا می‌گیرند – دارای حافظه قوی و پایداری نیستند و فراموشکاری پدیده‌ای است که پس از هر آموزشی وقت و سرمایه‌های صرف شده را تلف می‌نماید.

اصولاً همگان مطالب بسیاری را قرا می‌گیرند، ولی اندکی از آن را برای همیشه در حافظه خود حفظ می‌کنند. برای درس تاریخ در مورد چنین حالتی توصیه می‌شود مواد و مطالب خواندنی به نحو قابل توجهی افزایش یابد؛ مثلاً بهتر است حجم کتاب درسی یا حجم مواد خواندنی غیررسمی یا کمک‌درسی بیشتر باشد. در این صورت با فراگیری مقدار زیادی اطلاعات تاریخی، گاهنتی که با فراموشی پس از آن عارض می‌گردد قابل توجه نخواهد بود. اما در این جا لازم است به یک نکته مهم توجه کرد که ارانه مطالب بسیار، به هیچ وجه نباید به معنای الزام و اجبار به فراگیری همه آنها تلقی



کمک نمونه‌های منهور فراگیر؛ برای مثال برای فراگیری موفقیت زمانی وقایع ضرورتی ندارد که سال یک واقعه را فرا گرفت، بلکه نسبت آن واقعه را با وقایع دیگر که عبارت از تقدم تأخر یا تقارن است باید مورد توجه قرار داد؛ همچنین با مینا قرار دادن زمان حال و سپس مقایسه فاصله زمانی آن با واقعه مورد نظر تصور صحیحی از موقعیت زمانی واقعه تاریخی را برای دانش آموز ممکن ساخت؛ همچنین می‌توان وقایع کوچک و غیرمنهور را با وقایع منهور همزمان با آن قرینه‌سازی کرد تا فراگیری آن آسان شود.

— امروزه در بسیاری از کشورهای جهان با تأکید بر ابعاد اجتماعی و تمدنی تاریخ و نیز ارتباط دادن درس تاریخ با زندگی فردی و اجتماعی دانش آموز، عرصه اجتماع و دوره زندگی دانش آموز را به صورت میدان و آزمایشگاهی برای کشف و درک مستقیم و مستقل علم تاریخ در آورده‌اند. آنان بدین ترتیب حافظ و ناقل صرف وقایع تاریخی نیستند، بلکه با کمک و هدایت معلمین، خود کاشف و مخترع مطالب تاریخی هستند.

اخبار بسیار جزیی و خاص است، زیر هر اندازه که واقعه‌ای جزیی و شخصی تر باشد امکان فراموشی آن بیشتر است و هر کتاب درسی که بر این اساس نوشته شده باشد ناگزیر به ارائه مطالب بسیار زیادی خواهد بود. بدین جهت اگر به جای وقایع جزئی که متضمن ذکر سنوات، اسامی اشخاص، مکانها و غیره است به صورت کلی و نوعی وقایع ادوار تاریخی بسنده شود، به مقدار زیادی از فشار حفظ کردن خواهد کاست در چنین حالتی اولاً باید اخبار تاریخی را در یکدیگر ادغام نمود و از مجموع آنها استنباطهای به دست آمده را ذکر کرد و ثانیاً با قرینه‌سازیهای فراوان به دانش آموز امکان داد که موارد مهجور را به

را صحه نمی‌گذارد. امروزه در بسیاری از کشورهای جهان با تأکید بر ابعاد اجتماعی و تمدنی تاریخ و نیز ارتباط دادن درس تاریخ با زندگی فردی و اجتماعی دانش آموز عرصه اجتماع و دوره زندگی دانش آموز را به صورت میدان و آزمایشگاهی برای کشف و درک مستقیم و مستقل علم تاریخ در آورده‌اند. آنان بدین ترتیب حافظ و ناقل صرف وقایع تاریخی نیستند، بلکه با کمک و هدایت معلمین خود کاشف و مخترع مطالب تاریخی هستند. در حقیقت با تجریمی کردن آموزش تاریخ و افزایش سهه مشاهده و معاينه از انکای صرف به کتاب و حافظه خودداری می‌کنند. در چنین حالتی دانش آموز خود از نزدیک و بی واسطه با رخدادها و آثار تاریخی در تماس و تفاهم قرار می‌گیرد و خود را به جای قهرمانان تاریخی می‌گذارد و سعی می‌کند به جای آنها اندیشه و قضاوت کنند. به کارگیری ابزارهای جدید مانند، سینما، تلوویزیون، تئاتر، گردش علمی، مباحثه، داستان‌نویسی و استفاده فراوان از تصاویر و نمودارها همگی جزئی از روشهای جدید هستند که انکای مطلق به کتاب و وابستگی کامل به حفظ کردن را در بر تو روشها و فنون جدید آموزش تاریخ منحول ساخته‌اند. آموزش نوین تاریخ به جای تحمیل وقایع تاریخی بر ذهن دانش آموز سعی در ایجاد همدلی میان آنان دارد و به جای القای فاصله میان دانش آموز و تاریخ سعی در ایجاد فضای مشترک ذهنی و روحی آنان دارد؛ یعنی به جای آوردن وقایع از گذشته به زمان حال سعی دارد دانش آموز را به فضای گذشته‌ها ببرد و با رویدادها همنشین و با قهرمانان وقایع هم‌زبان و هم سخن سازد.

آخرین نکته‌ای که در زمینه کاستن از صعوبت حفظ کردن می‌توان به آن اشاره کرد فعال ساختن دانش آموز در درس تاریخ است. معمولاً چنین تصور می‌شود که اطلاعات و اخبار تاریخی و قضاوت‌هایی که در کتابها عرضه شده است صورت بی‌چون و چرایی دارند و معنی باید آنها را به دانش آموز انتقال دهد و دانش آموز نیز باید آنها را فراگیرد؛ یعنی هیچ نقشی برای دانش آموز در درک و کشف تاریخی و ارائه معانی و مفاهیم جدید قائل نیستند و صرفنظر از این که امروزه همگان فعال‌سازی دانش آموز را یک روش پیشرفته تعلیم و تربیت می‌دانند، باید متذکر شد که هیچ‌گاه علم تاریخ و سیره مورخین نیز چنین امری

سوالات امتحانات نهایی

سوالات امتحانات نهایی درس تاریخ دانش‌آموزان و داوطلبان آزاد کلاس سوم راهنمایی شهر تهران در خرداد ماه ۱۳۷۱

وقت امتحان: ۱ ساعت

تاریخ امتحان ۱۳۷۱/۳/۱۹

- ۱ - تحریم استعمال توتون و تنباکو به وسیله فتوای کدامیک از افراد زیر صورت گرفت؟
الف - شیخ فضل‌اله نوری - میرزا حسن آشتیانی - میرزای شیرازی - آیت‌اله طباطبائی
۰/۲۵
 - ۲ - به چه دلیل جنگ چالدران اتفاق افتاد و چرا ایرانیان با تمام فداکاری شکست خوردند؟
۰/۵
 - ۳ - با اینکه معاهده تیل سیت بین روس و فراتسه منعقد گردید چه ضرری برای ایران در برداشت؟
۰/۵
 - ۴ - امیر کبیر و قائم مقام فراهانی به دستور چه کسانی به نهادت رسیدند؟
۰/۵
 - ۵ - فجیع‌ترین جنایت رژیم خونخوار پهلوی در روز ۱۵ خرداد ۴۲ ش چه بود؟
۰/۵
 - ۶ - جمله معروف (این انقلاب بی‌نام خمینی در هیچ کجای جهان شناخته شده نیست) از کیست؟
۰/۵
 - ۷ - مهم‌ترین و سخت‌ترین توطئه دشمنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کدامست؟
۰/۵
 - ۸ - اشرف افغان در چه مناطقی به صورت بی‌در پی از نادرشاه افشار شکست خورد؟
۰/۷۵
 - ۹ - دلایل کاهش روابط خارجی ایران در زمان کریم خان زند را بنویسید.
۰/۷۵
 - ۱۰ - قاجاریه از چه طوایفی بودند و در چه زمانی وارد ایران شدند و در کجای ایران سکنی گزیدند؟
۰/۷۵
 - ۱۱ - سیدجمال‌الدین اسدآبادی در مبارزات ضد استعماری خود چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟
۰/۷۵
 - ۱۲ - قرارداد ۱۹۱۹ میلادی و تونق‌الدوله چه اختیارات کاملی را به دولت انگلستان می‌داد؟
۰/۷۵
 - ۱۳ - همکاری کدام نیروها منجر به شکل‌گیری نهضت ملی ایران گردید و چه عامل مهمی باعث نزدیکی همکاری این دو نیرو گردید؟
۰/۷۵
 - ۱۴ - کودتای تنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش به دستور مستقیم کدام کشور خارجی و به دست چه کسانی به پیروزی رسید؟
۰/۷۵
 - ۱۵ - علل همکاری انگلیسی‌ها با ایران در رابطه با اخراج پرتغالیها در زمان شاه عباس را بنویسید.
۱
 - ۱۶ - مهم‌ترین جنگی که در دوره دوم جنگهای ایران و روس اتفاق افتاد چه نام داشت؟ و علل شکست ایران در این جنگ چه بود؟
۱
 - ۱۷ - دلایل مخالفت روسیه را با انقلاب مشروطیت ایران بنویسید.
۱
 - ۱۸ - شیخ فضل‌اله نوری چه ماده‌ای را بر مضمون قانون اساسی دوره مشروطیت افزود.
۱
 - ۱۹ - خلیج فارس همواره از دو نظر مورد اهمیت بوده است آن دو نظر کدامند؟
۱
 - ۲۰ - از دستاوردهای نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ش ۴ مورد را نام ببرید.
۱
 - ۲۱ - چه کسانی بودند؟ نایب السلطنه شاه عباس سوم - صدراعظم خیانتکار زندیه - ولیعهد آغا محمدخان قاجار آبرون ساید انگلیسی.
۱
 - ۲۲ - پیمان سعدآباد بین کدام دولتها منعقد شد و هدف انگلستان از انعقاد این پیمان چه بود؟
۱/۵
 - ۲۳ - حضرت امام خمینی قدس سره شریف در چه مواردی اسداله علم را مورد استیضاح قرار دادند؟
۱/۵
 - ۲۴ - هفده شهریور (جمعه سیاه) را به طور مختصر شرح دهید.
۱/۵
- موفق باشید



در مقاله زیر در مورد وضعیت زمین در فضا، سحابی‌ها یا کهکشانها، کهکشان راه شیری و گردش آن، سال نوری و... توضیح داده شده است. با خواندن این مقاله هر چه بیشتر به عظمت خداوند سبحان و کوچکی خود در مقابل قدرت لایزال خداوند سبحان پی می‌بریم. از آقای منصور ملک عباسی کارشناس محترم دفتر برای تهیه این مقاله سپاسگزاریم.

منصور ملک عباسی

کارشناس دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

زمین در فضا

از مباحث مهم و عمده‌ای که در بخش دوم کتاب جغرافیای مؤه راهنمایی عنوان شده، مبحث زمین در فضا است که دور نمایی از «کجایی زمین» در عالم کیهان به دست می‌دهد. نجوم و شناخت آسمان و اجزایی که در آن است همواره مورد توجه انسان بوده و هست. آدمی با همه کوچکی ابعادش دارای قوه تخیل و تفکر است؛ می‌بیند، خیالپردازی می‌کند، فکر



و اندیشه نموده، و در ذهن خود مجهولی را معلوم می‌کند و این خصوصیت مهم ذهن آدمی است.

بشر نخستین نیز در شب هنگام، مدت‌ها به آسمان و ستارگانش چشم می‌دوخته و پیرامون ستارگان، حرکات، دوری و نزدیکی، رنگ و نور آنها دقت می‌کرده است.

بعدها ابزاری همچون تلسکوپ ساخته شد و چشمان پرولع انسان را نسبت به محیط بالای سرش بازتر نمود. اجرام بزرگتر و دورتری را توانست ببیند که چیزی شبیه پاره‌های ابر بر صفحه سیاه آسمان به نظر می‌آمدند، به همین جهت آنها را سحاب یا سحابی^۱ (ابر) نامید.

سحابی‌ها همان گونه که امروزه مشخص شده‌اند، توده‌های پراکنده ابرمانندی است که

— بسیاری از توده‌های گازی شکل ابرمانند که تا دیروز سحابی نامیده می‌شدند. خود مجموعه‌ای متراکم از میلیون‌ها ستاره یا خورشید هستند که یک پیکره روشن و نورانی را در دید تلسکوپ‌ها ظاهر می‌سازند.

— پان اورت منجم نامدار هلندی که در آبانماه امسال بدرود حیات گفت پس از تحقیقات رادیویی فراوان دریافته بود که یک دوره گردش کهکشان راه نیری حدود ۲۰۰ میلیون سال به طول می‌انجامد.

همچون هیدروژن H و هلیوم (He) هستند که می‌توانند از ابتدای خلقت وجود داشته باشند یا بقایای برجای مانده از یک ستاره منفجر شده باشند. در حال این گازهای پراکنده، با اتمهای گازهای گوناگون خود می‌توانند منشأ تشکیل و تولد ستارگان جدید نیز باشند. سحابیها به دلیل این که می‌توانند خاستگاه ستارگان باشند در علم اخترشناسی امروز مورد توجه هستند. با گسترش و پیشرفت تکنیک تلسکوپ‌سازی و بازتر شدن چشمان آدمی امروزه مشخص شده است بسیاری از توده‌های گازی شکل ابرمانند که تا دیروز سحابی نامیده می‌شدند، خود مجموعه‌ای متراکم از میلیون‌ها ستاره یا خورشید هستند که یک پیکره روشن و نورانی را در دید تلسکوپ‌ها ظاهر می‌سازند.

از این رو این هیأت‌های جدید شناخته شده در کنار سحابی‌ها، اسم دیگری به نام کهکشان^۲ به خود گرفتند کهکشانها دنیای عظیم و بی‌جده‌ای هستند که میلیاردها ستاره را در خود جای داده‌اند، این مجموعه‌های بزرگ دارای

از گازها و غبارات زیادی تشکیل شده‌اند. ساختمان عمده آنها گازهای سبک و اولیه



«ناجیزترین موجود هوشمند این جهان در کجای آن جای گرفته است»

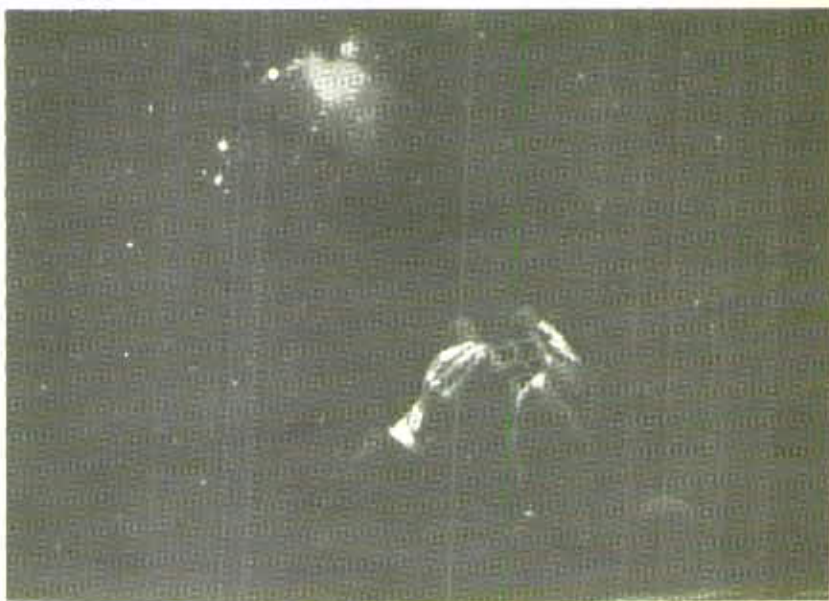
شاید مادر جهان تنها سوال‌کنندگان این پرسش باشیم، نمی‌دانم ممکن است باهوشتران دیگری هم باشند که در جایی دیگر همین سوال را از خود پرسیده باشند. به هر حال ما کجاییم. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، جهان ما مشتمل بر میلیونها کهکشان پرستاره است و گویی در این اقیانوس، حزیره‌های ستاره‌ای در گونه و کنار پراکنده‌اند.

یکی از کهکشانهای بزرگ و پرستاره‌ای این جهان، کهکشان راه شیری^۱ با حدود ۲۰۰ میلیارد خورشید با ستاره است که حقیرانه در کنجی از این آسمان قرار گرفته است.

در تمام ششای بدون مهتاب و با آسمان صاف، توری از نور ضعیف به رنگ شیری، در امتداد آسمان قابل رویت است. محل آن در آسمان به زمان مشاهده در شب و فصل سال بستگی دارد.

این نور نورانی بیش از یک دهه آسمان شب را می‌پوشاند. کهکشان راه شیری، ستارگانی را به نمایش می‌گذارد که خورشید ما و همراهانش (سیارات منظومه شمسی) به آن تعلق دارند. در سال ۱۶۱۰ گالیله اولین کسی بود که به کمک تلسکوپ کوچک خود به راه شیری توجه نمود و ستارگان ریز و سردبک به هم آن را ملاحظه کرد.

«جان اورت»^۲ منجم نامدار هلندی که در آبان‌ماه امسال درگذشت پس از تحقیقات رادویی فراوان دریافته بود که یک دوره گردش کهکشان راه شیری حدود ۲۰۰ میلیون سال به طول می‌انجامد (سال کهکشانی)^۳ و همچنین جرم کهکشان راه شیری را ۱۰۰ میلیارد برابر جرم خورشید برآوردست آورد.



این سوال مطرح است که ما کجای این جهانیم؟ سیاره زمین در چه موقعیتی از این بی‌تنا اقیانوس خرامیده است؟ گرچه ما در مسافتی این همه عظمت تحسین‌انگیز که گویه‌ای از قدرت لایزال خداوندی است، بسیار ناجیز و ناگفتنی هستیم، اما این سوال بزرگ در ذهن کوچک آدمی همواره مطرح بوده است که

اشکال مختلف و حرکات مشخصی هستند. امروزه به کمک تلسکوپهای نیرومند میلیونها کهکشان دور از هم در آسمان رویت شده که این تعداد می‌تواند با تجهیز دوربینها نیز افزایش یابد.

ما در دنیای بی‌کرانه‌ای از میلیونها مجموعه کهکشانی قرار گرفته‌ایم که تصور مرزهای این فضا برای ذهن ما بسیار دشوار است اکنون

— با در نظر گرفتن فاصله ۲۰ هزار سال نوری خورشید و منظومه شمسی از لبه کهکشان راه شیری معلوم می‌گردد که منظومه ما با قطر حدود ۱۳ میلیارد کیلومتری جای اندکی را در کنار این کهکشان به خود اختصاص داده است. کهکشان راه شیری خود یکی از میلیونها کهکشان غوطه‌ور در عمق فضا است.

اورت مرکز کهکشان راه شیری را در حول و حوش صورت فلکی قوس^۱ تعیین نمود و محاسبه کرد که خورشید ما در فاصله ۳۰ هزار سال نوری از مرکز کهکشان در بازوی راه شیری واقع است.

قطر کهکشان راه شیری ۱۰۰ هزار سال نوری برآورد شده است. با در نظر گرفتن فاصله ۲۰ هزار سال نوری خورشید (منظومه شمسی) از لبه کهکشان راه شیری معلوم می‌گردد که منظومه ما، با قطر حدود ۱۳ میلیارد کیلومتری خود، جای اندکی را در کناره این کهکشان به خود اختصاص داده است. کهکشان راه شیری - همان گونه که اشاره شد - خود یکی از میلیون کهکشان غوطه‌ور در فضا است که شکلی مارپیچی دارد و بسیار شبیه کهکشان «آندرومدا»^۲ است که عبدالرحمن صوفی دانشمند مسلمان ایرانی وجود این کهکشان را اثبات نموده بود این کهکشان در فاصله ۲/۵ میلیون سال نوری از ما قرار گرفته است و یکی از نزدیکترین کهکشانیها به راه شیری است.

منظومه شمسی با مساحت تقریبی ۵۳×۱۰^{۱۱} کیلومتر مربع بخش کوچکی از بازوی کهکشان مارپیچی راه شیری را اشغال نموده است. در مرکز این منظومه، خورشید با قطر تقریبی $۱۰^7 \times ۱۳۹$ کیلومتر (۱۰۹ برابر قطر زمین) واقع است. و زمین ما سومین سیاره‌ای است که در فاصله متوسط ۱۵۰ میلیون کیلومتری آن قرار گرفته است. زمین در حالی که به دور خود می‌گردد (۲۴ ساعت یکبار) هر ۳۶۵ روز، یک بار هم به گرد خورشید می‌چرخد و از بهترین نتیجه آن ایجاد چهار فصل در سطح زمین است.

خورشید به همراه سیارات ۹ گانه‌اش علاوه بر حرکت وضعی به دور خود در درون کهکشان



ستارگانش مشخص می‌شدند.

طبق نظریه نسبیت انشتین فضایی که ما در آن زندگی می‌کنیم دارای انحنای خاصی است که کهکشانیها سحابیها در درون و گوشه و کنار آن پراکنده‌اند و با سرعتهای گوناگون به‌طور سرسام‌آور در حال دور شدن از یکدیگر نیز می‌باشند و ما سیاره‌نشینان درون یک منظومه، سوار بر کهکشان راه شیری در فضا غوطه‌وریم و یک قدرت لایزال را نظاره می‌کنیم.

زیرنویسها:

- ۱ - nebula
- ۲ - galaxy
- ۳ - Milky way
- ۴ - yan ort
- ۵ - galaxy year
- ۶ - sagittarius
- ۷ - Andromeda
- ۸ - ا. Lyrae

راه شیری نیز با سرعت ۲۰ کیلومتر در ثانیه بسمت ستاره Vega^۸ (الواقع) در حرکت است؛ در حالی که زمین و منظومه شمسی در چرخش ۲۰۰ میلیون ساله کهکشان راه شیری نیز شرکت دارد.

از مجموعه این حرکات، حرکت خطی با سرعت ۳۰ کیلومتر در ثانیه و چرخشی حدود ۱۵ درجه در ساعت بطور مستمر برای زمین اتفاق می‌افتد.

در غیبت خورشید از سطح زمین، شب هنگام ستارگان قابل رویت می‌شوند. به دلیل اینکه چشم بآسانی نمی‌تواند فواصل متفاوت ستارگان را از زمین بسدقت تشخیص دهد؛ بنابراین همه ستارگان به یک فاصله از زمین بر سطح داخلی گنبد آسمان به نظر می‌رسد؛ از این رو از قدیم آسمان را به شکل نیمکره (کره آسمان) در نظر گرفته و حرکت ستارگان و سیارات را بر روی آن توجیه می‌نمودند. اگر خورشید در نزدیکی ما وجود نداشت در یک دور چرخش زمین، تمام کره آسمان با



تحقیقی در مورد نقشه‌های گنگ

خلاصه تحقیق انجام شده

المقا: تعداد شرکت کنندگان در آمارگیری جمعاً ۱۲۲ نفر بوده که به ترتیب:

منطقه	تعداد	درصد
۳	۱۶	۱۳
۱۰	۴۹	۴۰
۱۳	۳۴	۲۷
۱۹	۲۳	۲۰

در این آمارگیری شرکت نموده‌اند.

ب) وضعیت دبیران شرکت کننده در

آمارگیری بدین شرح است

۱- از نظر مدرک تحصیلی ۵۵/۵ درصد دارای مدرک فوق دیپلم بوده ۳۰ درصد دارای مدرک لیسانس و ۳ درصد دارای مدرک فوق لیسانس هستند.

حدود ۱۱/۵ درصد از دبیران جغرافیا دارای مدرک دیپلم می‌باشند

۲- از نظر رشته تحصیلی فقط ۵ درصد در رشته جغرافیا و ۶ درصد در رشته تاریخ و تقریباً اکثریت ۵۵ درصد در رشته علوم اجتماعی تخصص دارند و حدود ۳۴ درصد در

شرفی، حسینعلی فراز، اسفند هادیان و خانها منیره عباس نژاد و عفت الملوک قنری انجام شده است.

جمع‌آوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه‌ای که دارای ۱۰ سؤال بسته و باز پاسخ بوده انجام شده است.

در این تحقیق نمونه آماری از مناطق ۳، ۱۰، ۱۳ و ۱۹ تهران انتخاب شده که ۱۲۲ نفر را شامل می‌شده است، اما در مورد چگونگی نمونه‌گیری توضیحی داده نشده است. در زیر خلاصه‌ای از این کار تحقیقی و نتایج به دست آمده از آن جهت آگاهی و استفاده دبیران محترم جغرافی و گروه‌های آموزشی این رشته در سراسر کشور ارائه می‌شود. رشد آموزشی راهنمایی از گروه محترم دست اندرکار این تحقیق که خلاصه تحقیق را در اختیار مجله قرار داده‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌کند.

گروه جغرافی گروه‌های آموزشی دوره راهنمایی تحصیلی اداره کل آموزش و پرورش تهران در سال تحصیلی ۷۱-۷۰ به منظور بهبود فعالیتهای آموزشی درس جغرافی و بهره‌گیری از نظریات دبیران این رشته اقدام به تحقیقی در زمینه نقشه‌های گنگ نمود. کار تحقیقی انجام شده بر اساس دو فرضیه زیر شکل گرفت:

۱- استفاده از نقشه گنگ در آموزش جغرافی مفید و موثر است.

۲- وسایل کمک آموزشی نظیر نقشه، کره، افلاک‌نما، عکس، اسلاید، فیلمهای ویدئویی در همه مدارس وجود ندارد و یا موقعیت مناسب برای استفاده از این امکانات موجود نیست.

این پژوهش توسط آقایان حمیدرضا

سایر رشته‌ها دارای تجربه هستند.
۳- از نظر سابقه تدریس ۴ درصد بدون سابقه تدریس بوده، حدود ۳۲ درصد با سابقه کمتر از ۵ سال ۱۸ درصد بین ۵ تا ده سال و ۲۴ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال و بالاخره ۲۲ درصد بالای ۱۵ سال سابقه تدریس دارند.

ج) آموزش ضمن خدمت دبیران جغرافیا به نسبت تعداد کل دبیران بسیار کم است و فقط حدود ۱۵ درصد دبیران این رشته از آموزش ضمن خدمت استفاده کرده‌اند از بین مناطق آمارگیری شده، منطقه ۱۹ با قریب به ۳۰ درصد و سپس منطقه ۳ با حدود ۲۵ درصد در رده بهتری قرار دارند و سپس منطقه ۱۰ با حدود ۱۰ درصد و منطقه ۱۳ با بیش از پنج درصد از کل دبیران در رده پایین‌تری قرار گرفته‌اند.

د) مدارس آمارگیری شده تماماً دولتی بوده است.

ه) حدود ۹۱ درصد از دبیران نقشه‌های گنگ را دریافت می‌نمایند و حدود ۷۹ درصد از آنان به تکثیر مجدد نقشه‌ها مبادرت می‌نمایند.

۹۷ درصد از دبیران خود به تهیه نقشه‌های گنگ می‌پردازد و ۹۸ درصد از آنان معتقدند نقشه‌های گنگ در یادگیری جغرافیا بسین محصلین اثر مثبت و موثر دارد.

حدود ۸۲ درصد از دبیران نقشه‌های تهیه شده را در سطح خوب (۵۳ درصد)، عالی (۲۹ درصد) تشخیص داده‌اند و ۶ درصد آن را متوسط شناخته و فقط ۱۲ درصد نقشه‌های ارسالی را بد توصیف نموده‌اند. ۶۷ درصد از دبیران معتقدند این نقشه‌ها در منطقه ایشان نیز تهیه می‌گردد. از نظر تخصیص نمره به نقشه‌های گنگ اکثریت دبیران، یعنی حدود ۵۳/۵ درصد (۳ نمره) و حدود ۱۸ درصد (۲

نمره) از نمرات امتحانی را به این نقشه‌ها تخصیص می‌دهند، حدود ۱۶/۵ درصد (۵ نمره) و بالاخره ۸ درصد (۴ نمره) و حدود ۴ درصد (۶ نمره) از نمرات امتحانی را باین نقشه‌ها اختصاص می‌دهند. از نظر وسایل کمک آموزشی به نظر می‌رسد وضعیت مناطق آمارگیری شده به ترتیب (۳، ۱۰، ۱۳، ۱۹) نسبت به یکدیگر در اولویت قرار دارد، اما در مجموع می‌توان گفت: تقریباً ۸۶ درصد مدارس از نقشه و حدود ۸۱ درصد از کوره برای وسایل کمک آموزشی استفاده می‌کنند. استفاده از تجهیزات دیگر بسیار در حد پایین بوده، و به ترتیب از افلاک نما ۹ درصد، عکس ۵ درصد، اسلاید ۴ درصد و فیلم و صدیویی حدود ۴ درصد استفاده می‌کنند.

حدود ۶۷ درصد از دبیران شرایط استفاده از وسایل کمک آموزشی را مناسب کرده‌اند. نظریه کلی در خصوص مشکلات موجود بدین شرح است:

— حدود ۲۶ درصد اظهار نظر نکرده (یا نظر خاصی نداشته‌اند)

— ۳۲ درصد کمبود وسایل را مشکل اساسی شناخته‌اند.

— ۱۸ درصد از آنان کمبود ساعات تدریس جغرافیا را ذکر کردند.

— ۷ درصد کمبود کتاب و کمبود سطح معلومات دانش‌آموزان را متذکر شدند.

— ۶ درصد مبهم بودن کتب درسی و سرانجام درصد نامناسب بودن ساعات درسی را مشکل اساسی اعلام نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتیجه‌نهایی آمارگیری انجام شده ملاحظه می‌شود:

الف) تهیه نقشه‌های گنگ از نظر آموزش

جغرافیا به صورت پایه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که درصد بالایی از دبیران به تکثیر مجدد آن می‌پردازند. با توجه به این واقعیت که تقریباً به اتفاق آراء و نظر دبیران بر اثر مثبت این نقشه‌ها در یادگیری جغرافیا بین دانش‌آموزان دارد، توجه به تولید و تکثیر سازمان یافته این نقشه‌ها بصورتی که اهداف آموزشی این رشته را دنبال نماید اهمیت اساسی می‌یابد.

ب) نقشه‌های ارائه و تهیه شده ارسالی در سال جاری بالنسبه در سطح خوبی بوده است، با استمرار و تمرکز این فعالیت و در صورت استفاده از امکانات تکثیر و تولید بهتر امکان ارائه بیشتر و بهتر این نوع نقشه‌ها هم از نظر کیفیت هم از نظر کمیت موجود است.

ج) از نقطه نظر دبیران جغرافیا کمبود دبیران که در این رشته فارغ‌التحصیل شده‌اند وجود دارد که در حال حاضر با سابقه تدریس (تجربه دبیران) جبران می‌گردد لزوم استخدام دبیران فارغ‌التحصیل در این رشته برای آینده ضروری است؛ همچنین ارائه دوره‌هایی به صورت آموزش ضمن خدمت در حال حاضر به صورت کوتاه مدت می‌تواند در افزایش کار کارایی موثر واقع شود.

د) کمبود وسایل کمک آموزشی امروزی از قبیل استفاده از عکس، فیلم و صدو و غیره بشدت احساس می‌شود و تجهیزات کمک آموزشی از قبیل نقشه، کوره جغرافیا هنوز در کلبه مناطق محسوس است در این خصوص به یک بررسی همه جانبه به منظور مدرن کردن تجهیزات و توسعه تجهیزات نیاز است

ه) کمبود ساعات تدریس جغرافیا نیز یکی از مشکلات تقریباً بزرگ در امر تدریس جغرافیا در وضع موجود می‌باشد

فرم نظر خواهی از دبیران جغرافی دوره راهنمایی پیرامون نقشه‌های گنگ

نام و نام خانوادگی:	مدرک تحصیلی:	رشته تحصیلی:
سابقه تدریس در جغرافی:	آموزش ضمن خدمتی که در رابطه با جغرافی دیده‌اید:	
منطقه:	مدرسه:	

همکار گرامی و عزیز با توجه به اینکه گروه‌های آموزشی به نقش سازنده و مفید معلمان در برنامه ریزی درسی معتقد است، بمنظور ارتقاء کیفیت آموزش درس جغرافی و بهره‌گیری از نظرات آن همکاران ارجمند اقدام به تهیه این پرسشنامه نموده‌ایم. انتظار می‌رود با پاسخ‌های دقیق خود ما را در جمع‌آوری تجارب مفید و ارزنده همکاران و اصلاح روشها و انتخاب شیوه‌های بهتر یاری فرمائید.

گروه‌های آموزشی

اداره کل آموزش و پرورش تهران

- ۱- آیا نقشه‌های گنگ ارسالی اداره کل در سال تحصیل ۷۰-۶۹ بدست شما رسیده است؟ بله خیر
- ۲- آیا امکان تکثیر نقشه‌های گنگ برابتن وجود داشته و این نقشه‌ها در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفته است؟
- ۳- آیا تا بحال اقدام به تهیه نقشه گنگ و استفاده از آن در تدریس نموده‌اید؟ بله خیر چگونه؟
- ۴- آیا استفاده از نقشه گنگ در آموزش جغرافی مفید و موثر است؟
- ۵- نظر خود را پیرامون نقشه‌های گنگ ارسالی اداره کل بیان فرمائید.
- ۶- آیا غیر از نقشه‌های ارسالی اداره کل گروه آموزشی جغرافی راهنمایی منطقه شما اقدام به تهیه نقشه‌های گنگ و ارسال آن به مدرسه شما نموده است؟ بله خیر
- ۷- اختصاص چند نمره را برای نقشه گنگ در دوره راهنمایی مناسب می‌دانید؟
- ۲ نمره ۳ نمره ۴ نمره ۵ نمره ۶ نمره
- ۸- کدامیک از وسایل کمک آموزشی نظیر نقشه، کره، افلاک‌نما، عکس، اسلاید، فیلمهای ویدئویی و غیره در مدرسه شما وجود دارد؟ آیا شرایط مناسب برای استفاده از این امکانات وجود دارد؟
- ۹- در مورد استفاده از نقشه، اشکال و مسائل دریا در سال سوم راهنمایی چه نظری دارید؟
- ۱۰- هر نوع نظر خاصی دارید بیان فرمائید.

سوالات امتحانات نهایی

سوالات امتحانات نهایی درس جغرافیا دانش آموزان و داوطلبان آزاد کلاس سوم راهنمایی شهر تهران در خرداد ماه ۱۳۷۱

وقت امتحان: یکساعت

تاریخ امتحان ۱۳۷۱/۳/۲۸

- ۱- یک فصل خشک و یک فصل بارانی از ویژگیهای چه نوع آب و هوایی است
الف: گرم استوایی ب: معتدل مدیترانه‌ای ج: گرم مداری د: معتدل بری (قاره‌ای) ۰/۱۵
- ۲- به حالت متوسط جو در طول یک یا چند سال... گوئیم و به حالت گذرنده و محلی جو در یک جای معین... گوئیم ۰/۱۵
- ۳- هر یک از سنگهای زیر در زمرة کدام دسته از سنگهاست؟
گنیس سنگ جوش ۰/۱۵
- ۴- برای هر یک از موارد زیر زمان رسمی مورد استعمال دارد یا زمان ظاهری؟
الف: محاسبات نجومی زندگی روزانه ۰/۱۵
- ۵- وقتیکه در نیمکره شمالی فصل زمستان است در نیمکره جنوبی چه فصلی است؟ ۰/۱۵
- ۶- نام دو سرزمینی که در آنها ایسفلد (میدان یخ) وجود دارد را بنویسید؟ ۰/۱۵
- ۷- دو مورد از عواملی که در مسکون شدن قاره‌ها نقش بنیادی داشته‌اند را نام ببرید؟ ۰/۱۵
- ۸- دو مورد از خصوصیات زمستان قطبی را بیان کنید؟ ۰/۱۵
- ۹- قسمتهای مختلف یک سیلاب را نام ببرید؟ ۰/۱۵
- ۱۰- چه عواملی در انتخاب روستا مؤثرند؟ (سه مورد) ۰/۱۷۵
- ۱۱- مقیاس نقشه را تعریف کنید؟ ۰/۱۷۰
- ۱۲- جزر و مد را تعریف کرده و علت آنرا با توجه به نظریه نیوتن بیان کنید؟ ۰/۱۷۵
- ۱۳- چرا با اینکه کره جغرافیا بهترین وسیله مطالعه زمین است چندان قابل استفاده نیست؟ ۰/۱۷۵
- ۱۴- مشخص کنید در هر یک از مناطق و سرزمینهای زیر، جمعیت روستایی به طور پراکنده یا متمرکز زندگی می‌کنند؟
امریکای جنوبی استرالیا اروپای مرکزی و جنوبی ۰/۱۷۵
- ۱۵- سال ۳۶۵ روزی را سال... می‌نامند و سال ۳۶۶ روزی را سال... می‌نامند.
۱
- ۱۶- پیشرفتهایی که در افزایش جمعیت مؤثرند را نام ببرید؟ ۱
- ۱۷- از تعادل محور زمین بر صفحه حرکت مداری آن چه نتایج پدید می‌آید (دو مورد) ۱
- ۱۸- نسیم گوه و دره را توضیح دهید؟ ۱
- ۱۹- کمرندهای آتشفشانی که در جاهای چین خورده و شکست خورده زمین وجود دارند را نام ببرید (۲ مورد) ۱
- ۲۰- فرابارها و فروبارهای یادهای موسمی تابستانی در کجاها تشکیل می‌شوند؟ ۱
- ۲۱- با توجه به سوالات زیر هر یک از کانونهای فرابار و فروبار را در جای مناسب قرار دهید
الف: علت ریزش باران بسیار در نواحی استوایی وجود کانونهای... است
ب: علت اصلی کمی ریزش باران در نواحی قطبی وجود کانونهای... است ۱
- ۲۲- هر یک از موارد زیر مربوط به مشخصات چه نوع سرزمینی است؟
غالباً آب و هوای سرد و خشن دارند... مراکز مهم کشاورزی جهانند ۱
- ۲۳- طول و عرض جغرافیایی را تعریف کنید؟ ۱/۵
- ۲۴- اصطلاحات جغرافیایی زیر را تعریف کنید؟
حوضه رود (۰/۵) بده رود (۰/۵) نمره (۱) نمره (۱) نمره (۱) موفق باشید



دو چشم بینا، دو گوش شنوا

سیمنا وزیریا

کارشناس گروه ادبیات فارسی

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف

لبته این درس بسیار مفید است. اما از حد یک تجویز ساده فراتر نمی‌رود. دانش آموز چگونه می‌تواند به دو چشم بینا و دو گوش شنوا — دقیقاً در معنایی که ما نیاز داریم — مسلح شود؟ در این که بسیاری از معلمان ما با قسوة ابتکار و علاقه‌ای که خود به امر نگارش دارند کلاس را برای دانش‌آموز فعال و قابل استفاده می‌سازند تردیدی نیست. اما وجه غالب کلاسهای ما «بی‌برنامگی» و کسالت است. متأسفانه در باور ما جین راسخ شده است که در کلاس اشابه مصداق: «بردانست کلک و کاغذ و قرفر قرو نوشت» دانش‌آموز باید به محض این که موضوعی را برایش تعیین کنند پس از مدت کوتاهی یک مقاله چندصفحه‌ای تحویل دهد. بیشتر اوقات تناسب موضوع با ویژگیهای شناختی و ذهنیت دانش‌آموز محلی از اعراب ندارد و معنی برای اثبات تواناییهای خود، از طرح موضوعهای عرفانی برگرفته از شعرهای کتاب و تحلیلهای سیاسی مربوط به رویدادهای روز نیز برهیز نمی‌کند.

شاید سخت از مشکل درس نگارش و به دست دادن روشهایی که بتواند در پیشرفت دانش‌آموزان مؤثر باشد، ظاهراً بحثی تکراری به نظر بیاید، اما حقیقت این است که «مشکل نوشتن» بیش از آن جدی است که با یک مقاله یا چند تجویز برای معلمان یا معرفی چند کتاب آیین نگارش به دانش‌آموزان، بتوان بر آن فایز آمد. در کتاب فارسی چهارم ابتدایی درسی هست با عنوان «دو چشم بینا، دو گوش شنوا» در این درس غیرمستقیم به دانش‌آموز توصیه می‌شود برای آن که بتواند خوب بنویسد، در صداهای پیرامون خود دقتی شود، خوب به اطراف خود بنگرد و در رویدادها تأمل کند:

کسب مهارت در نوشتن مراتبی دارد که هر مرتبه دقیقاً مترتب بر مرتبه پیشین است. همان طور که در درس ریاضی دانش آموز تا چهار عمل اصلی را نیاموزد، قادر به حل مسائل پیچیده نخواهد بود، در درس انشائیز تا از جمله نویسی و نوشتن موضوعات ملموس شروع نکند توانایی بسط مفاهیم ذهنی و ارائه باورهای خود را در قالب مقاله ای مبسوط کسب نخواهد کرد.

بازگردیم بر سر «گوشنهای سنوا و چشمهای بینا» چگونه می توانیم سنوایی و بینایی غالباً منفعل و غیرفعال دانش آموز را به سنوایی و بینایی حساس، فعال دقیق و آگاهانه تبدیل کنیم؟ یعنی آنها را به حوزه مشاهده در معنای دقیق آن ببریم؟ قبل از پرداختن به این موضوع خوب است ابتدا به چند اصل توجه کنیم:

۱- نوشتن چیزی جز بیان اندیشه ها بر روی کاغذ نیست.

۲- بیان اندیشه ها بر روی کاغذ، بعدی از به کارگیری زبان است که مربوط به تفهیم می شود.

۳- تفهیم مقدم بر تفهیم است.

۴- تفهیم از طریق گوش کردن و خواندن حاصل می شود.

۵- حاصل اندیشه ها را از طریق گفتار نیز می توان بیان کرد.

۶- مهارتهای گفتاری بدون مهارتهای شنیداری حاصل نمی شود، یعنی هیچ کس مادام که تجربه شنیداری نداشته باشد تجربه گفتاری کسب نخواهد کرد.

۷- سیر طبیعی آموزش زبان چنین است: شنیدن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن.

حاصل موارد فوق را چنین جمع بندی می کنیم: ارتباط کلامی مبتنی بر تفهیم و تفهیم

«مشکل نوشتن» بیش از آن حدی است که با یک مقاله یا چند تجویز برای معلمان، یا معرفی چند کتاب آئین نگارش بتوان بر آن فایز آمد.

متأسفانه در باور ما چنین راسخ شده است که در کلاس انشا به مصداق: «برداشت کلک و کاغذ و فرفر فرو نوشت»، دانش آموز باید به محض اینکه موضوعی را برایش تعیین می کنند، پس از مدت کوتاهی یک مقاله چندصفحه ای تحویل دهد.

است. برای تفهیم گوش می کنیم و می خوانیم برای تفهیم سخن می گوئیم و می نویسیم. نوشتن مرحله پیچیده تر و نهایی آموزش زبان است؛ بنابراین برای بسط و گسترش مهارتهای مربوط به آن نساچاریم از شنیدن شروع کنیم.

گفتیم که نوشتن را باید از جمله نویسی آغاز کنیم، اما آیا جمله نویسی خود آغاز راه نگارش است؟ دانش آموز برای آن که بتواند بنویسد باید مهارتهای شنیداری خوانداری و گفتاری اش تقویت شده باشند و این هر سه مادام که از طریق تمرینهای مداوم و مستمر و دقیق، ترتیب نشوند برای رسیدن به مرحله نهایی مهارت در زبان کمک چندانی به دانش آموز نخواهند کرد.

وظیفه کلاس نگارش کمک به دانش آموز است تا که با تمام وجود به یک حس قوی تبدیل بشود؛ بنابراین جای شگفتی نیست اگر بگوییم برای ایجاد این حس قوی تنها نباید به شنیدن و دیدن اکتفا کرد حتی حس پسودن و بویایی دانش آموز نیز نیاز به تقویت دارد. مگر نه آن است که اندیشه های ما مستقیماً از ادراک ما سرچشمه می گیرند و ادراک در تجزیه به

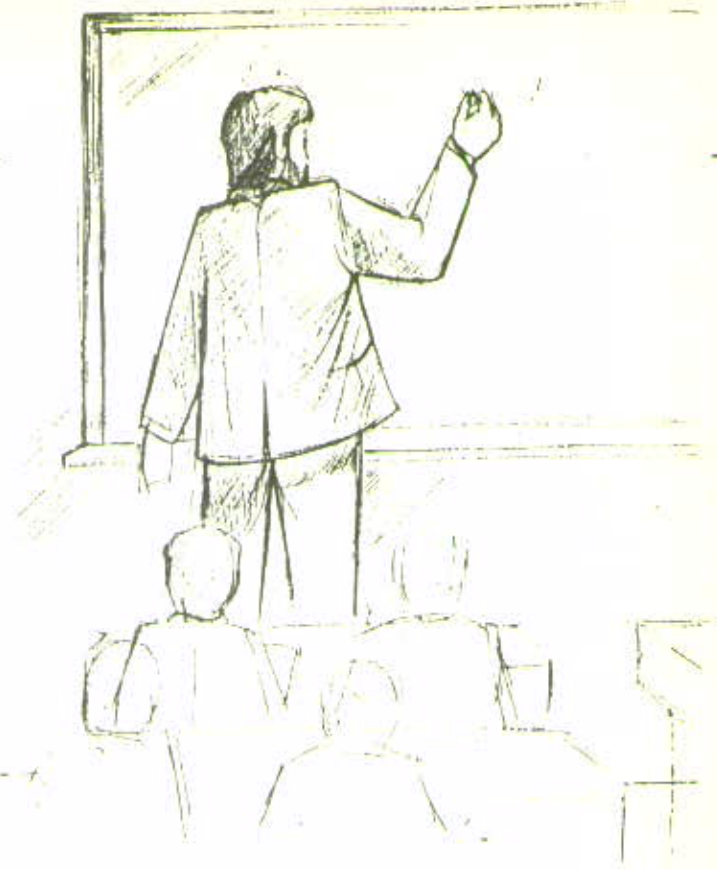
عناصر سازنده خود در نهایت چیزی جز مجموعه آنچه در مقوله حواس پنجگانه می گنجد نیست؟

با توجه به نکاتی که ذکر شد بخشی از کلاس نگارش باید به پرورش قوه درک دانش آموز از طریق گوش دادن بگذرد. برای این کار می توان از خواندن کتاب - منظور درس قرائت نیست - و یا صحبت کردن، شعر خواندن، بیان ضرب المثلهای، جیستانه ها و غیره استفاده کرد.

کلاس نگارش باید به دانش آموز امکان بیان کردن و سخن گفتن بدهد. فایده مهمی که بر این کار مترتب است تقویت اعتماد به نفس و زایل کردن ترس از بیان عقیده در جمع است.

اما خواندن، طبیعتاً در فعالیتهای مربوط به گوش دادن هدف از خواندن نیز حاصل می شود، چه معلم از دانش آموزان می خواهد که بخشهایی از مطلبی را به نوبت بخوانند تا قوه درک دیگران از طریق گوش دادن دقیق تربیت شود.

چیزی که در تفهیم یعنی سخن گفتن و نوشتن بیش از پیش باید مورد توجه قرار



کند.

۲ - انتخاب موضوعهای بسیار ساده، روزمره و ملموس برای آنکه دانش‌آموز راجع به آنها صحبت کند. «مثال: دیروز پس از رفتن به خانه چه کردید؟»

«اگر قرار باشد با صمیمی‌ترین دوست خود مشترکاً کاری انجام دهید چه نوع فعالیتی را ترجیح می‌دهید؟»

۳ - ارائه مفهومی از «خود»
«مثال: نظر شما در مورد خودتان چیست؟ تصور می‌کنید دیگران شما را چگونه آدمی می‌پندارند؟»

بزرگترین ترس شما از چیست؟
۴ - انعام جمله‌های ناتمام به صورت شفاهی
«معلم تعدادی جمله ناتمام را روی سرگهای کاغذ می‌نویسد و آنها را در جعبه‌ای مثل جعبه کفش قرار می‌دهد. دانش‌آموزان به نرسید می‌آیند یکی را برمی‌دارند و کامل می‌کنند.
مثال: خیلی خوشحال خواهم شد اگر...
دوست ندارم...»

برنامه تلویزیونی مورد علاقه من... است.
زیرا...»

۵ - بحث درباره موضوعهای مورد علاقه: در این بحثها برای ایجاد جو صمیمیت در کلاس می‌توان از دانش‌آموزان خواست صدلیهای خود را دور کلاس بچینند.
مثال: مسأله‌ای که مرا نگران کرده است.
خنده‌دارترین چیزی که تاکنون دیده‌ام.
اگر هزار تومان داشته باشم یا آن چه می‌کنم.

۶ - تعریف دانش‌آموزان از روی تصاویر:
می‌توان تصاویر متعددی را به کلاس برد و آنها را روی تابلو نصب کرده، از دانش‌آموزان خواست تا در مورد آن داستانی کوتاه بگویند.
۷ - بحث راجع به سرگرمیهای مورد علاقه دانش‌آموز.

شعرهای کتاب را که حالت مناظره دارند دوباره در کلاس بیان کنند یا داستانهای کوتاه مناسب را به صورت نمایش اجرا کنند. بعضی روشهای دیگر از این قرارند: موضوعها باید آنقدر روزمره و ساده باشند که دانش‌آموز از ناتوانی در بازگو کردن آنها هراس نداشته باشد.

۱ - استفاده از ضرب‌المثلها، مسأله ضرب‌العینی را روی تابلو می‌نویسد و اگر دانش‌آموز در طول هفته گذشته در موقعیتی قرار داشته که احساس می‌کند مصداق آن ضرب‌المثل بوده است راجع به آنان صحبت

بگیرد. همان اعتماد به نفس دانش‌آموز است که متأسفانه در اکثر دانش‌آموزان ایرانی بسیار ضعیف است. کلاس نگارش باید امکان عرض اندام و بیان عقیده را به دانش‌آموزان بدهد؛ به آنان تحمل عقاید مخالف را بیاموزد و امکان بحث و تبادل نظر را فراهم کند.

دانش‌آموز هنگام سخن گفتن خود را در معرض قضاوت دیگران می‌بیند و اگر تصور کند در این کار مهارت کافی ندارد از شرکت در بحث خودداری می‌کند برای حل این مشکل از شیوه‌های گوناگونی می‌توان استفاده کرد. می‌توان به دانش‌آموزان فرصت داد که

وظیفه کلاس نگارش کمک به دانش‌آموز است برای اینکه با تمام وجود به یک حس قوی تبدیل بشود. برای اینکار نه تنها دیدن و شنیدن بلکه باید حس بویایی و بسودن دانش‌آموز نیز تقویت شود.

۸ - اتمام داستانهای ناتمام: داستان کوتاهی را تا نیمه برای دانش‌آموزان می‌خوانیم؛ سپس از آنها می‌خواهیم آن را هر طور که مایلند تمام کنند.

۹ - بحث از زندگی مخترعان، پس از قرائت داستان کوتاهی از زندگی یک مخترع از دانش‌آموزان می‌خواهیم در صورتی که دوست دارند مخترع باشند، راجع به اختراعی که در فکر آن هستند صحبت کنند.

۱۰ - اجرای مصاحبه در کلاس، دانش‌آموزان می‌توانند دو به دو با هم نقش مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده داشته باشند. مصاحبه‌شونده می‌تواند در نقش معلم، ناظم، مدیر، معلم ورزش یا یک شخصیت معروف باشد.

۱۱ - انگیزش تصور: تصاویری از بعضی اشیاء مثل مداد، یک لنگ کفش یا یک کتاب روی تابلو نصب می‌کنیم. هر دانش‌آموز یکی را انتخاب می‌کند، خود را به جای آن می‌گذارد و از مهمترین حادثه زندگیش صحبت می‌کند.

۱۲ - تهیه گنجینه لغت برای کلاس: برای این منظور از یک جعبه کفش می‌توان استفاده کرد. هر دانش‌آموز لغت جدیدی را که در طول هفته با آن برخورد کرده است در جعبه قرار می‌دهد. در پایان هفته دو نفر مأمور استخراج و ردیف کردن لغتها می‌شوند و دانش‌آموزان به لخواه خود بعضی را انتخاب کرده با آنها جمله می‌سازند.

۱۳ - بیان احساسی که به نظر می‌رسد در تصویر خاصی وجود دارد: معلم چند تصویر روی تابلو نصب می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد احساس افراد را حدس بزنند:

«مثال: کسی در حال گاز زدن یک سیب است آن سیب چه طعمی دارد؟ در یک تصویر بجهای غمگین است. برای او چه اتفاقی افتاده

است؟»

۱۴ - گزارش: معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که گزارش یک بازدید یا شرکت در مسابقه ورزشی را در کلاس بیان کنند.

۱۵ - تعیین عنوان برای عکس، معلم عکسی را روی تابلو نصب می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد برای آن عنوانی بیابند.

۱۶ - سایر شیوه‌هایی که حس و درک دانش‌آموز را قوی می‌کند، به بیان دانش‌آموز قدرت می‌بخشد. نرس، و خجالت او را برطرف می‌کند و در تقویت اعتماد به نفس او بسیار مؤثر است. آموزش از طریق حرکت است به صورت پانتومیم یا نمایش پانتومیم: مثالها:

الف) دانش‌آموز در حال پختن سوپ است. آن را می‌چشد. سی‌مزه است قدری نمک و فلفل اضافه می‌کند

(در تمام این مراحل حرکات بدن یا جهره دانش‌آموز باید به نحو بسیار روشنی احساس او را نشان دهد)

ب) دانش‌آموزان دو به دو روبروی هم قرار می‌گیرند و انمود می‌کنند که یک شاخه گل سرخ با یک شیشه فلفل یا... به همدیگر می‌دهند. احساس دانش‌آموز باید هنگام بو کردن کاملاً بیان‌کننده نوع شی باشد که در دست دارد.

ج) دانش‌آموز وانمود می‌کند که یک دسته گل می‌چیند و خاری به دست او فرو می‌رود.

نوع دیگر استفاده از روش پانتومیم آن است که دانش‌آموزی برای اجرای حرکتی خاص، انتخاب می‌شود و دیگران آن را حدس می‌زنند؛ مثال: راه گشودن از میان یک جنگل انبوه، دوختن یک نکه پارچه و فرو رفتن یک سوزن در انگشت، بغل کردن بسجه برای خواباندن و غیره.

بدیهی است معلم در هریک از موارد مذکور می‌تواند مثالهای متنوع و تازه‌ای با توجه به توانایی دانش‌آموز و وقت کلاس و با توجه به ویژگیهای فرهنگ ما بیابد و شیوه‌های جدیدی نیز بر این شیوه‌ها بیفزاید. آنچه ذکر شد در حیطه سخن گفتن بود یا در مفهومی کلی‌تر، بیان بدون نوشتن، با اندک تغییری می‌توان غالب آنها را برای مهارتهای نوشتن نیز به کار برد. آنچه مهم است این است که معلم نگارش پیوسته باید یک اصل را در نظر بگیرد: دانش‌آموز باید بسیار بشنود، بسیار بخواند و بسیار صحبت کند تا بتواند کمی بنویسد. و بعد هم باید بسیار بنویسد تا بتواند بهتر بنویسد. اگر ابتدا به ساکن از دانش‌آموزان بخواهیم راجع به «بوسنی و هرزگوین» و بحران خلیج فارس یا این مصراع از حافظ: حجاب جهره جان می‌شود غبار تم و... بنویسند و سپس آنها را ناتوان ببینیم حیرت‌ناکیم. اول قلم را برداریم و خود را بیازماییم و بعد در روش خود تجدیدنظر کنیم. پس از مدتی و در سن مناسبی قطعاً دانش‌آموزان قادر به نوشتن راجع به آن موضوعهایی نیز که مورد علاقه ما و مسائل مطرح در جامعه ما هستند مهارت کسب خواهند کرد.

منابع:

۱ - The language arts idea book

۲ - language arts

نکات مهمی که در تدریس مکالمه باید رعایت گردد

گروه زبانهای خارجی دفتر برنامه‌ریزی و
تألیف کتب درسی

موقعیت

توصیف صحنه و زمینه آن بسیار موقعیت مکالمه است. ضمناً باید توضیح داد که چه کاری صورت خواهد گرفت. موضوع مکالمه ممکن است امری بسیار ساده و عادی، مانند «سلام و احوالپرسی»، و یا بسیار مشکل، مانند «حل و فصل یک معالنه» باشند. در مورد توصیف موقعیت مکالمه باید نکات فرهنگی مورد بحث در مکالمه را یادآوری کرد.

ایفای نقش

نقشی که هر دانش‌آموز بر عهده می‌گیرد باید ساده و روشن بوده دارای پیچیدگی نباشد. زیرا ایفای نقشهای پیچیده اثرات منفی به بار خواهد آورد.

یادآوری این نکته ضروری است که در آموزش مکالمه نباید تمام نکات دستوری مطرح شده آن را به دانش‌آموزان تدریس کرد.

تدریس مکالمه باید به گونه‌ای باشد که تمام دانش‌آموزان با اجرای نقش و تکرار زیاد بتوانند آن را براحتی و بدون مراجعه به کتاب یا نوشته تکرار و اجرا کنند. اجرای موفقیت‌آمیز مکالمه باعث تسویق دانش‌آموزان و در نتیجه آموزش زبان بگونه‌ای واقعی خواهد بود. دبیران باید بکوشند که دانش‌آموزان با روشی مؤدبانه و دوستانه اشتباهات یکدیگر را تصحیح کنند.

در کمک به دانش‌آموزان برای ایفای نقش سه نکته را باید مدنظر داشت:

- ۱ - موقعیت مکالمه.
- ۲ - نقشهای مکالمه.
- ۳ - واژه‌ها و اصطلاحات مفیدی که در آن معرفی شده است.

«آموزش خواندن»

در میان مهارت‌های چهارگانه زبان یعنی: گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن Listening, Speaking, Reading and Writing خواندن reading بترتیب اولویت در مرتبه سوم قرار می‌گیرد. خواندن را باختصار می‌توان به «مهارت کسب معنا و آگاهی از مطالب نوشته شده یا چاپ شده» تعریف نمود که در واقع از شناختن حروف و شناختن خط آغاز می‌گردد و به مرحله خواندن و استفاده از مطالب گسترده‌تری می‌انجامد. فزون بر این، افزایش مهارت و سرعت در خواندن موجب می‌گردد که دانش‌آموز از مطالب متنوع علمی و ادبی بهره‌بردار و بدون خستگی و همراه با شور و اشتیاق به مطالعه آثار مشهور ادبیات جهان بپردازد.

اصول اساسی در آموزش خواندن

پیش از پرداختن به بررسی مهارت خواندن و شیوه‌های متفاوت آن ضروری بنظر می‌رسد که به چند اصل اساسی در ارتباط با آموزش این جنبه از زبان خارجی توجه کنیم:

اصل اول: خواندن یکی از مهارت‌های پیچیده زبان‌آموزی به شمار می‌آید و فراگیرندگان زبان خارجی باید بتوانند در برابر نشانه‌های دیداری (Visual Symbols) که در خواندن جای نشانه‌های شنیداری (Auditory Symbols) را می‌گیرند واکنش لازم را از خود نشان دهند. مثلاً آنها تاکنون چند بار واژه book را شنیده‌اند و تکرار کرده‌اند. در این مرحله باید همان واژه را با چشم خود ببینند و واکنش

برای توضیح دربارهٔ موقعیت مکالمه بتوان از Chart و یا تصاویر استفاده کرد. قبل از تدریس مکالمه، باید با استفاده از تصاویر و حرکات و اشیاء محیط معانی واژه‌ها را به دانش‌آموزان آموخت. ضمناً باید معنی مکالمه را به طور اجمال به دانش‌آموزان توضیح داد. اگر تعداد دانش‌آموزان کلاس زیاد است مکالمه را در چند نقطه کلاس تکرار کنید تا همهٔ دانش‌آموزان آن را بشنوند. هر جمله را باید سه یا چهار بار تکرار کرد و سپس از دانش‌آموزان خواست که آن را تکرار کنند. پس از تکرار گروهی کلاس را به دو گروه تقسیم کنید. و هر گروه نقش یک نفر را به عهده بگیرد. بعد از تمرین کافی نقش گروه‌ها را عوض کنید. این عمل را چند بار تکرار کنید تا هر گروه به اندازه کافی فرصت تمرین مکالمه را داشته باشد.

پس از این مرحله، با یکی از دانش‌آموزان قوی مکالمه را اجرا کنید. سپس با تعداد دیگری از دانش‌آموزان این کار را تکرار کنید. در مرحلهٔ بعد، نقش خود را به دانش‌آموزان واگذار کنید.

اگر دانش‌آموزان خواندن را فرا گرفته باشند، مکالمه را روی تخته بنویسید و در طول تمرین بتدریج قسمتهایی از مکالمه را پاک کنید و از دانش‌آموزان بخواهید که آن را تکمیل کنند.

حفظ کردن مکالمه تنها از طریق تکرار و تمرین آن توصیه می‌شود. حفظ کردن حرف مکالمه بدون تمرین گروهی و یا ایفای نقش سودی ندارد و نباید آن را به دانش‌آموزان توصیه کرد.

اصل سوم: از آنجایی که آموزش خواندن از تولید آوای متفاوت آغاز می‌گردد، بنابراین چنانکه بخواهیم فراگیرندگان زبان خارجی را با سرعت بیشتری بخوانند لازم است از قواعد ترکیب آواها، اصول واجهای زبیرزنجیری (Suprasegmental Phonemes) یعنی تکیه (Stress)، آهنگ (Intonation)، مکث (Pause) و کشش (Lenght) آگاهی کامل پیدا کنند.

اصل چهارم: علاوه بر دانستن آواها و شیوه گروه‌بندی آنها، آگاهی از واژه‌ها و نوع تلفیق آنها، ساخت جمله‌های متفاوت و دیگر ترکیبات زبانی نیز در خواندن کمک بزرگی به نشان دهند و یا به عبارت دیگر آن را با صدای بلند و یا به طریق آهسته بخوانند.

اصل دوم: مهارت‌های گوش دادن و صحبت کردن باید مقدم بر مهارت خواندن آموزش داده شوند.

زبان خارجی

فراگیرندگان می‌کند.

اصل پنجم: چنانکه بخواهیم معانی دقیق و ظریف مطالب را در هنگام خواندن درک نماییم ضروری است به این اصل توجه نماییم که گوهر معنا به آسانی به چنگ خواننده نمی‌افتد، بلکه در عین حال باید عناصر دیگری را چون تلفظ، دستور، واژگان و فرهنگ زبان از نظر دور نداشت که همه به درک معنا کمک می‌کنند و از ذات و طبیعت آن تفکیک ناپذیرند. این اصول را می‌توان در نموداری به شرح زیر ترسیم نمود.

هدف‌های آموزش خواندن

- در آموزش خواندن می‌توان هدف‌های زیر را در نظر گرفت:
- ۱- آشنا ساختن فراگیرندگان با موقعیتهای فرهنگی و اجتماعی که در متون مطرح می‌شوند.
 - ۲- آموزش آواها، ترکیبات آنها و معانی واژه‌ها و اصطلاحات جدید.
 - ۳- آموزش قواعد مربوط به ارتباط حاکم میان آواهای زبان و نشانه‌های خطی آنها.
 - ۴- آموزش ساختهای جدید دستوری که

در درس مطرح شده است.

- ۵- آموزش درک مطلب و اصول آن.
 - ۶- آموزش مربوط به سرعت در خواندن و افزایش متناسب آن با مطالب متفاوت.
- آموزش هر کدام از هدف‌های بالا شیوه‌ها و فعالیتهای ویژه‌ای لازم دارد که مادر هر درس از این کتاب آنها را به تفصیل برایتان شرح می‌دهیم.

مراحل آموزش خواندن

برای آموزش خواندن می‌توان مراحل متفاوتی را در خواندن مقدماتی تا خواندن پیشرفته در نظر گرفت. مادر این کتاب نخستین مرحله آن را که مرحله انتقال (Transfer Stage) نام دارد و در کتاب دوم معرفی می‌گردد آغاز می‌کند.

در نخستین مرحله خواندن فراگیرندگان آنها مطالبی را می‌خوانند که ساختهای متفاوت آنرا مانند آواها، واژه‌ها، جمله‌ها قبلاً شنیده‌اند و چندین بار هم تکرار کرده‌اند. این مرحله از آبرو مرحله انتقال نام گرفته است که خواننده زبان خارجی می‌آموزد چگونه نشانه‌های ۴۴ - ۴۶ البته این مرحله هنگامی کامل می‌شود و به پایان می‌رسد که خواننده قادر باشد در عرصه محدود تجارب زبانی خود در برابر نگوهای دیداری، لگوهای هجایی و ترکیبات محدود دیگر زبان واکنشهای سریع و دقیقی نشان دهد.

فعالیتهای مطلوبی که در این مرحله از خواندن می‌توان مدنظر قرار داد عبارتند از:

- ۱- پیش از خواندن متن درس، لازم است واژه‌ها و ساختهای جدید بطور شفاهی تکرار



A B C

1. What time do you wake up every morning? (at five)
2. Can you play ping - pong? (Yes,)
3. Can your brother play ping - pong, too? (football)
4. How much money did your father need yesterday? (a lot of)
5. ? Yes, I was talking to my uncle when you phoned.
6. ? No, he lives in Tehran.

و - درک مطلب - متن زیر را با دقت بخوانید و به سؤالات آن پاسخهای کامل بدهید.

Mr Rahimi has a newspaper in his hands. He is reading it. He is a teacher. He teaches German in a guidance school. His son, Reza, studies there, too. Reza can speak English very well, but his father can't.

Every morning Mr Rahimi and his family get up early. They pray and then eat breakfast. At a quarter to seven Mr Rahimi goes to school with Reza. They go there by bus.



1. Who is reading a newspaper?
2. Does Reza study in a high school?
3. Can his father speak English well?
4. Do Reza and his father go to school at six forty five?
5. How does Reza go to school?

موفق باشید

و تمرین شوند.

۲ - بعد از مرحله تکرار باید مطالب برای فراگیرندگان به شیوه صحیح و طبیعی خواند شود و آنها بدون نگاه کردن به کتاب با دقت کامل به تلفظ واژه‌ها، تکیه آنها، آهنگ جمله‌ها و ارتباط میان عناصر زبانی متن گوش فرا دهند.

۳ - بعد از آنکه فراگیرندگان مطالب را به دقت شنیدند حالا می‌توانند کتابهای خود را باز کنند و یکبار دیگر متن کتاب برای آنها با صدای بلند و به شیوه صحیح و طبیعی خوانده شود.

۴ - هنگامی که اطمینان حاصل نمودیم فراگیرندگان می‌توانند در برابر نشانه‌های دیداری واکنش لازم را نشان دهند حالا می‌توان از آنها خواست که خود آنها به طریق گروهی با انفرادی بخوانند و دبیر به تصحیح آنها بپردازد.

۵ - در پایان باید از فراگیرندگان خواسته شود تا به پرسشهای آن متن پاسخ دهند و میزان درک مطلب آنها سنجیده شود. علاوه بر پرسشهای درک مطلب امکان دارد تمرینهای دیگری هم از نوع واژگانی، دستوری و معنایی مطرح نمود.

زبان خارجی

12. They want much today. (apple - rice - onions - red pens)

13. What in the morning?

(do you often do - you often do - do you often - you do often)

14. Did you see the? Yes, I saw them in the library.

(women - man - child - student)

15. Please excuse friends. (me - we - us - our)

16. They'll be in our city

(now - three weeks ago - soon - last month)



17. your parents at the party yesterday?

(Were - Was - Did - Do)

18. you watching the children's program? Yes, I am.

(Are - Do - Were - Can)

ج - جمله نویسی - با هر گروه از کلمات زیر یک جمله صحیح بنویسید.



1. usually/she/carefully/does/her homework/.

2. next Tuesday/our uncles/some vegetables/will buy/.

3. small/were/of / his bicycle/ ?/the wheels.

د - کاربرد لغت - هر جمله را با مناسبترین کلمه کامل نموده. فقط پاسخها را یادکر شماره در ورقه خود بنویسید. (یک لغت اضافی است.)

way - cloud - letter - gave - forget - animals - husband



1. My teacher me an English dictionary last Sunday.

2. My grandfather is writing a to his friend.

3. On the home they buy some meat from the butcher's.

4. Did you to bring my story book?

5. Her works in an office.

6. There were many wild in the zoo.

* پاسخ صحیح را انتخاب نموده با ذکر شماره در ورقه خود بنویسید.

7. He was his coat when I saw him.

(put on - taking off - turning on - crossing)

8. They ate some this morning. (water - bread - milk - tea)

9. This woman is my aunt. She is my father's

(mother - sister - wife - daughter)

10. I my prayers at 6. (read - talked - did - said)

11. Don't drive fast. Please drive

(slowly - quickly - rapidly - fast)

12. I had lunch at 11 because I was (tired - hungry - kind - ready)

ه - پاسخ و بررسیش - به ۴ سوال پاسخ داده. برای شماره های ۵ و ۶ سوال بسازید.



سوالات امتحانات نهایی

سوالات امتحانات نهایی درس انگلیسی دانش آموزان و داوطلبان آزاد کلاس سوم راهنمایی شهر تهران در خرداد ۱۳۷۱

وقت امتحان: ۱۰۰ دقیقه

تاریخ امتحان: ۱۳۷۱/۳/۲۳

الف - دیکته - پس از خواندن دبیر کلمات ناقص را کامل نموده و فقط همان ۱۶ کلمه را در ورقه خود بنویسید. (اگر فقط حروف حذف شده را بنویسید، نمره نخواهد گرفت.)

My rel-tive-s were cooking di-ner in the ki-chen. She studied ph-si-s for ha-f an -our. His wife goes shopping on Th-r-days. Do you-now the name of this flo-er? Last s--mer we went to the st-di-m several times. You should wash these d-rty dishes toni--t. They were in di-f-rent c-untr-es last year.

ب - نکات دستوری (۱۲) - فقط پاسخها را با ذکر شماره در ورقه خود بنویسید.

A - منفی کنید.



1. Their father will answer the questions.
2. He bought the car last month.
B - با کلمات داخل پرانتزها سؤالی کنید.
3. They stayed in Tehran for ten days. (How many)
4. These players play tennis rapidly. (How)
C - با کلمات داخل پرانتزها تغییر دهید.

5. They don't always eat lunch in the restaurant. (when I saw them)

6. My friend went to school at eight. (tomorrow)
D - پاسخ صحیح را انتخاب نموده با ذکر شماره در ورقه خود بنویسید.

7. Was his guest swimming in the river when he there?
(get - got - gets - getting)

8. here tomorrow morning. (Come - Comes - Will Come - Came)

9. He may the class now. (leaves - leaving - left - leave)

10. They work on
(six o'clock - evening - every afternoon - leaving - left - leave)

10. They work on
(six o'clock - evening - every afternoon - Wednesdays)

11. Her husband is doing his job
(good - careful - slowly - bad)

نکاتی در مورد درس ریاضی

مطلب زیر توسط خانم هما گودرزی دبیر ریاضی منطقه ۲ تهران نوشته شده ایشان ضمن معرفی سیر فعالیت شغلی خود به برخی علل افت در دوره راهنمایی اشاره کرده‌اند. از ایشان برای تنظیم و ارسال مطلب زیر متشکریم.

هما گودرزی
دبیر ریاضی منطقه ۲ تهران

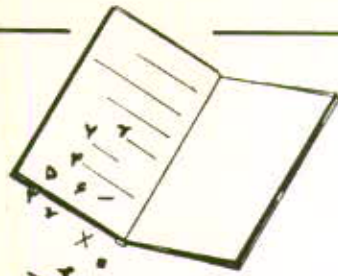
برورش مشغول به کار شدم و در هر حال حاضر با ۲۴ سال خدمت در منطقه دو آموزش و پرورش در مدرسه راهنمایی ولایت فقیه به کار اشتغال دارم و همیشه در طول خدمت با دانش آموزان چه از نظر درسی و چه از نظر تربیتی نزدیک بوده.

عوامل فتن تحصیلی در درس ریاضی زیاد بوده از جمله عدم مدیریت صحیح در مدارس و بی تجربه بودن مدیران مدارس است. جامعه‌ی موفق است که از مدیران دلسوز و باتجربه و با سابقه استفاده نماید. در مرحله اول در مدارس دخترانه هر مدیر باید همچون مادری برای

می‌توان آنها را از بین برد و نتیجه مطلوبی به دست آورد.

ایشان هما گودرزی، در آبان ماه سال ۱۳۴۷ فعالیت خود را از روستاهای کرج در آموزش و پرورش آغاز نموده و در سال ۱۳۵۰ در شهر ری کار تدریس خود را ادامه داده، پس از گرفتن فوق دیپلم با سمت دبیری در مناطق جنوب شهر (نازی آباد و باقچی آباد) با عشق و علاقه نسبت به آموزش فرزندان جامعه‌ام کوشیدم از اینکه در جنوب شهر و در میان قشر محروم جامعه خدمت می‌کردم لذت می‌بردم. در سال ۱۳۵۹ در منطقه ۵ آموزش و

با سلام خدمت خوانندگان عزیز برای رمز موفقیت نوجوانان عزیز و پرورش استعداد های نهفته آنان در درس ریاضی هر یک از ما باید نقش مؤثری داشته‌نا بتوانیم استعدادهای نهفته‌شان را شکوفا ساخته و توانایی علمی آنها را بیشتر نموده و آنان را در هدایت به انتخاب راه درست ترغب تعابیم. دانش آموزان عزیز باید بدانند ما نیز جز موفقیت آنها از خداوند متعال آرزوی دیگری نداشته. گاهی اوقات ممکن است در این راه مشکلات و نقطه ضعفهایی نیز وجود داشته باشد که با یاری دست اندرکاران و نوجوانان



دانش آموزان باشند و در حرفه خود صاحب اطلاع بوده و با مشکلات فرزندان از نزدیک روبرو باشد.

یکی دیگر از مشکلات اصلی افت تحصیلی همکاری نکردن اولیاء دانش آموزان با اولیای مدرسه می باشد. اکثر دانش آموزان گرفتاریهای خانوادگی زیادی دارند و به عنوان مختلف افکار آنها پیرشان است و نمی توانند فکر و ذکر خود را معطوف به یادگیری کنند بخصوص در درسهای فهمیدنی اکثراً ضعیف عمل می کنند و حضور ذهن آنها کم می باشد.

یکی دیگر از مشکلات نداشتن یک روان شناس در مدارس است که از نزدیک بتواند مشکلات روحی دانش آموزان را درک و آنان را به تحصیل تشویق نماید. کمبود ساعت درسی، با کوتاه بودن ساعت درسی در مدارس و چند نوبته بودن نیز می تواند از عوامل مؤثر افت تحصیلی باشد. همچنین قسمتهایی از کتاب که برای دانش آموزان نامفهوم باشد و در سالهای بعد آن مبحث درسی ادامه بیاید خود در افت تحصیلی دخیل است؛ از جمله در کلاس اول راهنمایی نمودار مقسوم علیه های یک عدد و یا جذر در کلاس دوم راهنمایی به نظر من هیچ ارتباطی به جذر کلاس سوم راهنمایی ندارد؛ پیچیده بودن بعضی از مبحثهای کتاب و مرتب نبودن مطالب که برای دانش آموزان قابل فهم نیست، حذف شدن قسمتهای مهم کتاب، به علت اجرای طرح جبرانی، افت تحصیلی را بیشتر می کند؛ از جمله در کتاب سوم راهنمایی ضلع مقابل به زاویه ۳۰ درجه در مثلث قائم الزاویه نصف وتر است و اثبات تشابه ها که مبحث خوبی در

است در این خصوص تجدید نظر صورت گیرد؛ هم چنین باید کتابهای راهنمایی در ارتباط با کتابهای دبستانی تهیه و تنظیم شود. برای مثال دانش آموز از دبستان با کوچکترین مخرج مشترک عمل نماید تا آخر دبیرستان، و در برنامه ریزی کلاسها سعی شود کلاسهای بالاتر در هر رشته درسی در سؤال و تصحیح اوراق کلاسهای پایین تر نظارت داشته باشند و بهتر است برای تدوین کتاب از دبیران ریاضی با سابقه از مناطق مختلف که با درصد هوشی دانش آموزان آشنایی دارند دعوت به عمل آورده تا این دبیران که سالیان سال مستقیماً با همه نوع دانش آموز سروکار داشته و مشکلات درسی آنان را بهتر از کسانی می دانند که فقط در کارهای اداری نقش دارند به تهیه سؤال اقدام کنند. غیر از مشکلاتی که برای دانش آموز و مدرسه وجود دارد، افزون بر آن مشکل از بین رفتن ارزش واقعی تحصیل در جامعه است دانش آموزان، خوب می دانند که افراد با مشاغل آزاد و بدون تحصیلات چندین برابر افراد تحصیل کرده درآمد مالی دارند. به همین دلیل گرایش نوجوانان به تحصیل کم شده باید سعی شود شغل های کاذب از بین رفته، ارزش تحصیل معلوم شود.

همچنین فشارهای اقتصادی برای دبیران باعث شده دلگرمی آنها به کلاس و مدرسه کم شده و آموزش و پرورش را به عنوان شغل دوه پذیرا باشند.

دست اندرکاران برای پیشبرد یک جامعه سالم و موفق باید به آموزش و پرورش آن جامعه بها دهند تا بتوانند فرهنگ جامعه را اصلاح نمایند.

کتابهای قبل بوده و فعلاً حذف شده است، گفتنی است کتاب ریاضی باید قابل فهم باشد و به گونه ای تهیه شود که دانش آموز بدون دسترسی به معلم بتواند مطلب را از کتاب استفاده کند. همه ساله حجم کتابها کم می شود و توضیحات ناقص و تمرینها بسیار ساده و تمرینهای ابتکاری کتاب کم می باشد. خوشبختانه در چند ساله اخیر انکالات کتاب نسبت به سالهای قبل کمتر شده، ولی لازم



سوالات امتحانات نهایی

سوالات امتحانات نهایی درس ریاضیات و رسم دانش‌آموزان و داوطلبان آزاد کلاس سوم راهنمایی شهر تهران در خرداد ماه ۱۳۷۱

وقت امتحان: دو ساعت یا رسم

تاریخ امتحان: ۱۳۷۱.۳.۱۶

۵- حاصل عبارات زیر را به ساده‌ترین صورت بدست آورید. ۱/۷۵

$$\frac{-۱۲ - (-۳۹) - (-۴۸)}{-۲۳ - (-۱۶)} = \frac{۲۱}{۲۵} - \left[-۱\frac{۳}{۵} - \left(-\frac{۲}{۳} \right) \right] =$$

۶- الف) بردارهای $\vec{a} = ۳\vec{i} + ۲\vec{j}$ و $\vec{b} = -۳\vec{i} + ۲\vec{j}$ را در یک دستگاه

محورهای مختصات رسم کرده و بردار حاصل جمع آنها را در شکل

نشان دهید. ب) در معادله $[\vec{a}]^2 - ۳x = [\vec{b}]^2$ مختصات بردار x را بدست

آورید. ۱/۵

۷- الف) عبارت جبری مقابل را ساده کنید. ۱/۲۵

$$۵xy + ۳x(x-2y) - ۳(x^2 + xy) =$$

ب) این عبارت را بصورت ضرب دو عبارت جبری بنویسید.

$$9a^2b^2 - 6a^2b^3 =$$

۱- در مجموعه $A = \{۱, ۳۱, ۵۱, ۶۱, ۷۱, ۹۱\}$ اعداد مرکب

را در یک مجموعه بنویسید. ۰/۷۵

ب) در مجموعه A چند عدد اول وجود دارد.

۲- حاصل را بصورت عدد تواندار بنویسید. ۰/۷۵

$$(۰/۵۱)^4 + (۱/۷)^4 =$$

$$(۱/۵)^4 \times (۱/۲)^4 =$$

۳- جذر عدد ۴۰۷ را تا یک رقم اعشار بدست آورید. ۱

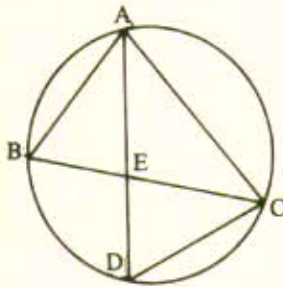
۴- الف) مجموعه $A = \{۴, ۳, ۲, \dots\}$ را بصورتی دیگر (زبان ریاضی)

بنویسید. ب) مجموعه $B = \{x | ۴ > x > -۱\}$ را روی محور اعداد نشان

دهید. ۰/۷۵

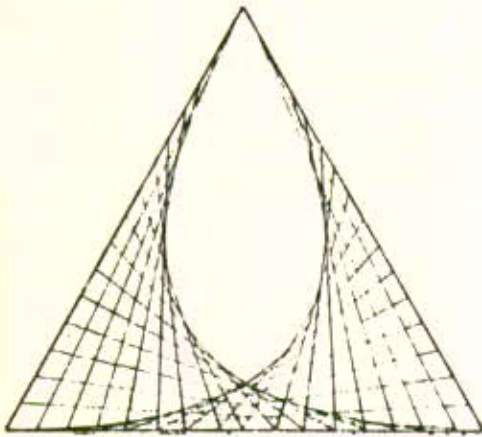
ج) عدد $(۲ + \sqrt{۲})$ بین کدام دو عدد صحیح قرار دارد.

- ۱۵ - در شکل AD نیمساز زاویه A است الف) چرا دو مثلث ABE و ACD متشابهند ب) تناسب بین اضلاع متناظر آنها را بنویسید. $1/25$
- ۱۶ - قاعده هرمی مربعی است بضلع $4/5$ سانتیمتر و ارتفاع هرم ۶ سانتیمتر است حجم این هرم چقدر است؟
ب) دستور بدست آوردن سطح و حجم کره را بنویسید.



رسم

- مثلث متساوی الاضلاعی به ضلع ۱۶ سانتیمتر رسم کنید و هر ضلع آن را به ۱۶ قسمت متساوی تقسیم نمائید. سپس، مانند نمونه مقابل نقاط تقسیم را به هم وصل کنید.



- ۸ - الف) عدد b را طوری بدست آورید که خط $3x - 4y = b$ از نقطه $A = [-4, 1]$ بگذرد.
ب) خط d به معادله $y = \frac{3}{4}x + 1$ را رسم کنید (معادله خطی را بنویسید که با خط d موازی بوده و از نقطه $s = [-3, 1]$ بگذرد. $1/75$
۹ - معادلات زیر را حل کنید.

$$\text{الف) } \begin{cases} 2y - x = 8 \\ \frac{1}{3}x + y = 0 \end{cases}$$

$$\text{ب) } \begin{cases} \frac{2}{3}x + 4 - 2x = 0 \\ 1/75 \end{cases}$$

- ۱۰ - الف) میانگین نمرات دانش آموزی در ۱۲ درس $17/5$ شده است مجموعه نمرات این دانش آموز چقدر بوده. $0/75$
ب) مجموعه دوران را برای شکل مقابل بنویسید.



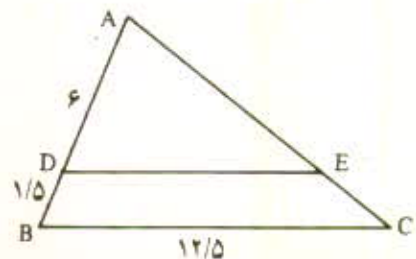
- ۱۱ - وترهای AB و CD در یک دایره با هم مساویند. ثابت کنید کمانهای نظیر این دو وتر نیز با هم مساویند. (شکل را بکشید و توضیح دهید)

۱۲ - الف) چند ضلعی منتظم را تعریف کنید.

- ب) وتر مثلث قائم الزاویه ای ۱۳ و یکی از ضلعهای زاویه قائمه آن $7/8$ است ضلع دیگر را بدست آورید. $1/25$

- ۱۳ - پاره خطی رسم کرده و آن را به نسبت ۳ به ۴ تقسیم کنید. توضیح دهید. 1

- ۱۴ - در شکل مقابل مقدار DE را پیدا کنید (DE BC). $0/75$



طرح نمونه بررسی کارگاهی بخش گرما علوم سال اول راهنمایی

این مقاله خلاصه‌ای از تحقیق نسبتاً مفصلی است که در جلسات متوالی شورای آموزش علوم (سال ۱۳۶۰) مورد بحث و تبادل نظر گروهی از کارشناسان علوم دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی قرار گرفت. در آن جلسات مقداری از سخنهای کتابهای علوم دوره راهنمایی به صورت کارگاهی مورد بحث واقع شد. از این سخنها بحث گرما از علوم سال اول راهنمایی توسط خواهرزها بورسعيد و برادر اسفندیار معتمدی تهیه و تنظیم شد.

اسفندیار معتمدی

اصطلاحات علمی در بخش:

۱ جامد	۱۱ انجماد
۲ مایع	۱۲ نقطه ذوب
۳ گاز	۱۳ نقطه انجماد
۴ انبساط	۱۴ ضد یخ
۵ انقباض	۱۵ تبخیر
۶ اصل علمی	۱۶ معیان
۷ انبساط غیرعادی	۱۷ نقطه جوش
۸ درجه فارنهایت	۱۸ تقطیر
۹ درجه سنسیوس	۱۹ بلور
۱۰ غروب	۲۰ نسیم

مفاهیم کلی این بخش:

- ۱ - اصل انبساط و انقباض می‌گویند تقریباً همه مواد وقتی که گرم می‌شوند جای بیشتری و وقتی سرد می‌شوند جای کمتری می‌گیرند. اصل انبساط و انقباض یک اصل علمی است. اصل علمی بیان می‌کند که چه عواملی موجب چه رویدادی می‌شوند.
- ۲ - بسیاری از جامدها چون به اندازه کافی گرم شوند مایع می‌شوند.
- ۳ - هر مایع وقتی به اندازه کافی سرد شود جامد می‌شود.
- ۴ - وقتی یک ماده از مایع به گاز یا بخار تبدیل شود می‌گوییم عمل تبخیر صورت گرفته است، بخار گازی است که از گرم شدن موادی که در دمای معمولی به صورت مایع هستند و تغییر حالت می‌دهند به دست می‌آید.
- ۵ - «معیان» یعنی تغییر حالت گاز یا بخار به مایع و هنگامی روی می‌دهد که گاز یا

می‌توان بررسی کرد که مشاهده آنها مستقیماً با حواس امکانپذیر نیست.

۴ - دانشمندان توضیحی را که ممکن است درست باشد، ولی درستی آن به‌طور مطلق اطمینان بخش نیست «ثوری» می‌نامند.

۵ - بر اساس «ثوری» مولکولی هر ماده از ذره‌های کوچکی به نام مولکول ساخته شده است. بین مولکولها فضا وجود دارد. مولکولها پیوسته در حال حرکتند و بالاخره مولکولها یکدیگر را می‌ریزند.

هدف کلی از آموزش بخش: دانش‌آموز پس از آموزش این بخش تغییرات فیزیکی ماده را بشناسد و با توجه به ثوری مولکولی این تغییرات را توجیه کند.

با استفاده از وسایل ساده می‌تواند مهارت گرم

هدف طرح: تجزیه و تحلیل مفاهیم، فعالیت‌های یادگیری، نظارات و نتایج.

موضوع بخش: اثر تغییر دما در تغییر حجم و تغییر حالت ماده و تفسیر آن بر اساس ثوری مولکولی ماده.

آموخته‌های قبلی: دانش‌آموزان پیش از این با ماده و خواص عمومی آن آشنا شده‌اند. نیز ثوری مولکولی ماده را می‌شناسند و می‌دانند که:

۱ - دانشمندان هر چیزی را که فضا را اشغال کند ماده می‌نامند.

۲ - مواد به سه حالت جامد، مایع و گاز موجودند و هر یک از این حالت‌های ماده ویژگی‌هایی دارند.

۳ - با بعضی از وسایل علمی نمودهایی را

ج) در حیطه روان حرکتی. وسایل هر آزمایش را درست و سریع به کار برد و آنها را با استفاده از تصویر هر آزمایش آماده کند و در کاربرد درست وسایل و ابزارهای ارائه شده در این بخش مهارت پیدا کند.

فعالیت‌های یادگیری

مجموع کارها و عملیاتی که توسط دانش آموز و معلم برای یادگیری و آموزش این گفتار صورت می‌گیرد به دو دسته: فعالیت‌های یادگیری در کتاب درسی و فعالیت‌های پیشنهادی تقسیم می‌گردد.

فعالیت‌های یادگیری در کتاب درسی

پیش از آن‌که گفتار یک آغاز شود پیشگفتاری آمده است. در این پیشگفتار زمینه ذهنی برای یادگیرنده فراهم شده است؛ یعنی با توجه به مشاهدات مسأله مورد بحث که گرما و سرما چه تغییری در مواد می‌دهند، عنوان شده است. برای ساده کردن و تجزیه، موضوع کلی بخش را به سه گفتار تقسیم کرده است. هر گفتار شامل دو بند است و هر بند بسا یک پرسش عنوان شده است. آیساروش دیگری



این اصل بعضی از واقعیتها را توضیح دهد. ب) در حیطه عاطفی: دانش آموز با شرکت در فعالیت‌های یادگیری تمایل خود را به این درس نشان دهد. با پاسخ گفتن به پرسشها در کار کلاس شرکت فعال خود را نشان دهد. با فعالیت‌های خود نشان دهد که برای این درس ارزش قائل است و به لزوم استفاده از شواهد و آزمایشهای متعدد برای نتیجه گیری و قضاوت درباره یک موضوع توجه کند.

بخار به اندازه کافی سرد شود. ۶- تغییراتی که بر اثر گرم یا سرد شدن در مواد روی می‌دهد به وسیله تئوری مولکولی توضیح داده می‌شوند. براساس این تئوری وقتی که ماده گرم می‌شود، سرعت مولکولها زیاد می‌شود و هنگامی که ماده سرد می‌شود، سرعت مولکولها کم می‌شود.

تقسیم بندی بخش

این بخش شامل سه گفتار است:

- ۱- گرم کردن و سرد کردن مواد چه تغییری در حجم آنها می‌دهد؟
- ۲- گرم کردن و سرد کردن چه تغییری در حالت آنها می‌دهد؟
- ۳- گرم کردن و سرد کردن چه تغییری در وضع مولکولها می‌دهد؟

گفتار اول

این گفتار شامل دو قسمت است:

- الف) آیا حجم همه مواد بر اثر گرما و سرما تغییر می‌کند؟
- ب) چه واقعیهایی را می‌توان با اصل انبساط و انقباض توضیح داد؟

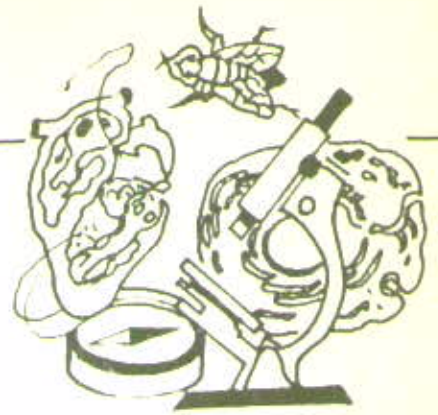
انتظارات از یادگیرنده

از دانش آموز انتظار داریم پس از آموزش این بخش:

الف) در حیطه شناختی: مفاهیم گرما، دما، انبساط و انقباض را تعریف کند. حالت‌های مختلف ماده که عبارت از جامد، مایع و گاز است از یکدیگر تشخیص دهد و رابطه بین تغییرات حجم و تغییرات دما را بازگو کند؛ همچنین اصل انبساط و انقباض را شرح دهد. انبساط و انقباض بعضی از اشیاء را با اصل انبساط و انقباض ارتباط دهد و با استفاده از

- اصل انبساط و انقباض می‌گوید تقریباً همه مواد وقتی که گرم می‌شوند جای بیشتر و وقتی سرد می‌شوند جای کمتری می‌گیرند. اصل انبساط و انقباض یک اصل علمی است. اصل علمی بیان می‌کند که چه عواملی موجب چه رویدادی می‌شوند.

- تغییراتی که بر اثر گرم یا سرد شدن در مواد روی می‌دهد به وسیله تئوری مولکولی توضیح داده می‌شوند براساس این تئوری وقتی که ماده گرم می‌شود سرعت مولکولها زیاد می‌شود و هنگامی که ماده سرد می‌شود، سرعت مولکولها کم می‌شود.



توضیح داد. این پرسشها را بر اساس طبقه‌بندی بلوم تنظیم کنید علاوه بر فعالیتهای فوق در این گفتارده تصویر آمده که دانش‌آموزان را با طرح سؤالیهای مربوط به آنها به موضوع علاقه‌مند و به یادگیری تشویق کرده است. فعالیتهای پیشنهادی در رابطه با گفتار یک

پرسش متوجه مفاهیم زیر است:

عمل انبساط و انقباض، اصل انبساط و انقباض، اصل علمی، استثنای اصل علمی. این پرسشها متوجه کدام حیطه از حیطه‌های یادگیری است؟ کدام مفهوم بالا را هریک مورد بحث قرار می‌دهد؟

بند ب) پرسش‌های این بند چنین است: چه واقعیتهایی را می‌توان با اصل انبساط و انقباض توضیح داد؟

در متن درس به چند مورد که دانش‌آموزان در زندگی روزانه با آنها برخورد می‌کنند اشاره شده و علت را با استفاده از اصل انبساط و انقباض توضیح داده است. نمونه این موارد عبارت است از:

جد کردن نیوهای که در هم قرار دارند، سر رفتن آب کتری، ساز کردن در پوش فلزی بعضی از شیشه‌ها، آزاد بودن یک سر پلهای فلزی.

آیا موارد دیگری می‌شناسید؟ نام ببرید. در آخر این بند دماسنج حیوانی به عنوان کاربرد عملی اصل انبساط و انقباض تشریح شده است. به نظر شما پس از یاد گرفتن مطالب این گفتار اگر کودک بتواند اصول کار و ساختمان دماسنج را شرح دهد به کدامیک از مراحل یادگیری در طبقه‌بندی «بلوم» رسیده است؟

تحت عنوان «خودآزمایی» سه پرسش مطرح شده است و این پرسشها متوجه موارد اصلی انبساط و انقباض است که در این بند به آنها اشاره شده است. پاسخ این پرسشها را با توجه به راهنمای معلم مورد بحث قرار دهید.

در خاتمه گفتار یک، تحت عنوان «این مسائل را حل کنید» ۹ پرسش مطرح شده است. بیشتر این پرسشها سؤالاتی مربوط به زندگی روزانه است که با استفاده از اصل علمی انبساط و انقباض می‌توان آنها را

برای این تقسیم‌بندی می‌توان پیشنهاد کرد؟ بند الف) اولین پرسش این گفتار چنین است: آیا حجم همه مواد بر اثر گرما و سرما تغییر می‌کند؟ برای رسیدن به پاسخ مناسب، فعالیتهای زیر در کتاب آمده است:

با چند جمله خبری آموخته‌های قبلی دانش‌آموزان را یادآور شده است (این جمله‌ها کدامند؟) و آنها را متوجه این موضوع کرده است که:

«دانشمندان هنگامی موضوعی را می‌پذیرند که آزمایشهای فراوانی با بسیاری از مواد انجام دهند» سپس سه آزمایش زیر را برای توجه دادن دانش‌آموزان به امر مشاهده دقیق ارائه کرده است.

آزمایش ۱ - طول سبزه بر اثر گرما و سرما چه تغییری می‌کند؟

آزمایش ۲ - حجم آب بر اثر گرما و سرما چه تغییری می‌کند؟

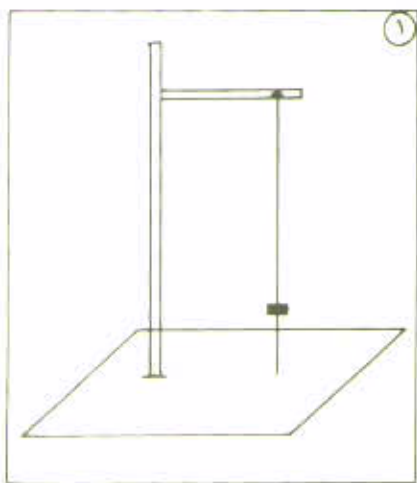
آزمایش ۳ - حجم هوا بر اثر گرما و سرما، چه تغییری می‌کند؟

آیا این آزمایشها بر اساس اطلاعات و آموخته‌های قبلی دانش‌آموزان پایه‌گذاری شده است؟ این آزمایشها به ترتیب بر روی یک جسم جامد، یک جسم مایع و یک گاز انجام شده است. پس از انجام این آزمایشها نتیجه‌گیری کلی شده و اصل انبساط و انقباض بیان شده است.

در آخر بند «الف» تحت عنوان خودآزمایی چهار پرسش مطرح شده است. این چهار

آزمایش ۱

موضوع آزمایش: انبساط طولی اجسام. وسایل آزمایش: پایه، گیره، یک رشته سیم، یک میخ نسبتاً سنگین و جراحی الکتی یا گازی و یا شمع. شرح آزمایش: یک سر سیم فلزی را به یک میخ و سر دیگر آن را به گیره متصل به پایه طوری ببندید که انتهای میخ در امتد دقایق بر سطح پایه معاند باشد. اکنون سیم فلزی را حرارت دهید.



نتیجه آزمایش: نتیجه‌گیری آزمایش به عهده دانش‌آموزان است.

آزمایش ۲

موضوع آزمایش: انبساط طولی اجسام. وسایل آزمایش: دو عدد پایه، دو عدد گیره،

یک رشته سیم یک وزنه و یک چراغ الکلی و شمع

شرح آزمایش: رشته سیم را به طور افقی بین دو پایه به کمک دو گیره ببندید. وزنه را به کمک یک تکه سیم به وسط سیم افقی بیاویزید؛ به طوری که سطح میز چند سانتیمتر فاصله داشته باشد. اکنون سیم فلزی را در همه طول آن حرارت دهید و فاصله وزنه را تا سطح میز اندازه بگیرید و آن را با اندازه قبلی مقایسه کنید.

نتیجه: از دانش آموزان بخواهید نتیجه را روی کاغذ بنویسند و آن گاه از آنها بخواهید که نوشته خود را بخوانند.

آزمایش ۴

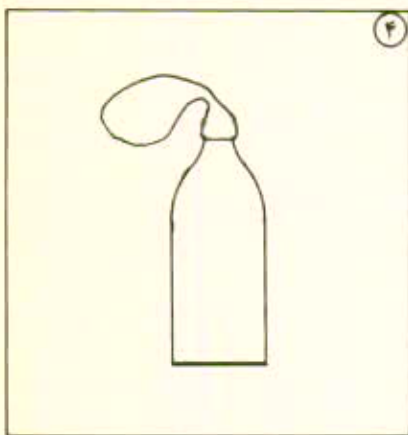
موضوع آزمایش: انبساط و انقباض گازها
وسایل آزمایش: یک بادکنک و یک بطری معمولی

شرح آزمایش: بادکنک را به دهانه بطری متصل کنید و اطراف آن را ببندید سپس بطری را بین دو دست خود محکم بگیرید و بیای آن که آن را داخل آب گرم فرو ببرید.

نتیجه: دانش آموزان نتیجه را بیان کنند و معلمان راهنمایی و تصحیح فرمایند.

آزمایش ۵

موضوع آزمایش: انبساط و انقباض



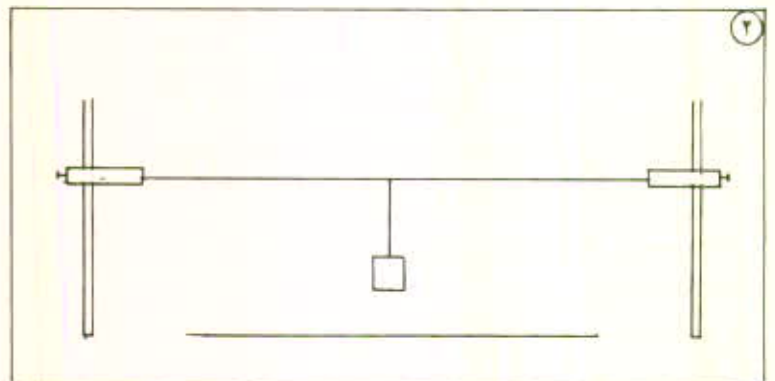
گازها.

وسایل آزمایش: بادکنک و یک سطل

فلزی

شرح آزمایش: در یک بادکنک بدعمید و آن اندازه هوا در آن وارد کنید که بتوانید آن را به سهولت در یک سطل جای دهید. بادکنک را با دستهای خود گرم کنید. آیا باز هم در سطح جای می‌گیرد؟

اگر در حالت اول سطل را حرارت دهید چه می‌شود؟ دانش آموزان نتیجه را بیان کنند و معلمان تصحیح و راهنمایی فرمایند.



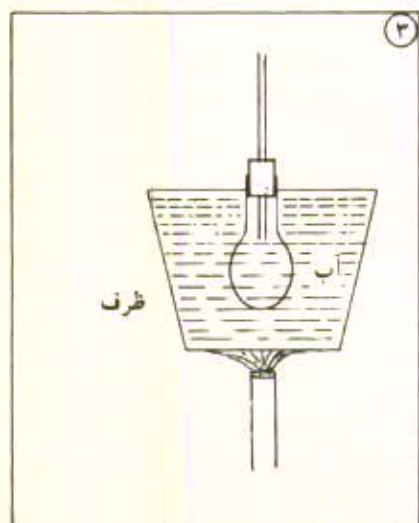
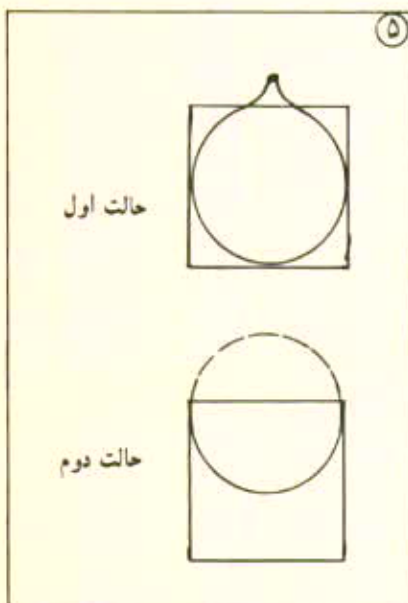
آزمایش ۳

موضوع آزمایش: انبساط و انقباض مایع در اثر گرما

وسایل آزمایش: بالن، لوله شیشه‌ای، جوب بنبه سوراخدار آب یا هر مایع دیگر، سه پایه منبع گرما و ظرف فلزی

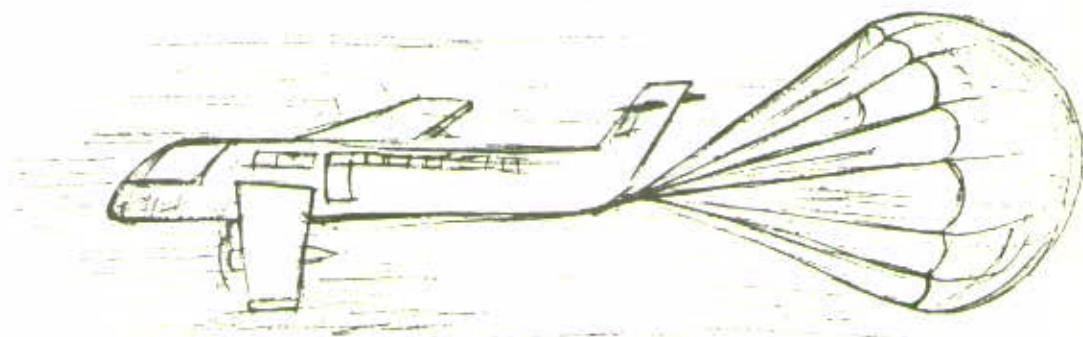
شرح آزمایش: ظرف آب را حرارت دهید و مشاهدات خود را نسبت به سطح آب درون لوله باریک بنویسید. برای آن که آب در لوله دیده شود آن را با یک قطعه جوهر رنگی کنید.

نتیجه: دانش آموزان نتیجه را بیان کنند و معلمان راهنمایی فرمایند.





نیرو



زهرآ بوسعید، مدرس مدرسه راهنمایی فرزندگان

مقاله زیر در مورد مفاهیم نیرو، اصطکاک، نیروهای الاستیک، فشار گاز، حرکت مولکولی، آرایش اتمها مولکولهای نیروی جاذبه، نیروی اصطکاک بحث می‌کند. این مقاله توسط خانه زهرآ بوسعید به رشته تحریر آمده است. رشد آموزش راهنمایی از ایشان صمیمانه تشکر می‌کند.

– نیروها را بر حسب قابلیت آنها برای به حرکت درآوردن و یا تغییر دادن جهت حرکت می‌توانیم بشناسیم.

بر سرعت جت بر هواپیما نیرو وارد می‌کند و از سرعت آن می‌کاهد. ما می‌توانیم نیرو را عاملی برای تغییر سرعت بدانیم. اگر یک توپ فوتبال به دیوار برخورد کند برمی‌گردد. اگر توپ در امتداد زاویه خاصی به دیوار برخورد کند، در امتداد زاویه خاصی نیز برمی‌گردد. در این مورد نیروی وارد آمده از طرف دیوار باعث انحراف جهت حرکت آن می‌شود. در این گونه موارد جهت وارد آمدن نیرو نقش مهمی دارد. وقتی شما به یک توپ در حال سکون نیرو وارد می‌کنید این توپ در

ما چگونه نیروها را می‌شناسیم؟ اگر یک توپ فوتبال را روی زمین بگذاریم، بدون حرکت در آن جا خواهد ماند و تا نیرویی بر آن تأثیر بگذارد جا به جا نخواهد شد. این نیرو ممکن است وزش باد، ضربه زدن یا برداشتن باشد نیرو در هر یک از این موارد موجب حرکت می‌شود. نیرو ممکن است حرکت را آهسته‌تر کند و یا متوقف سازد یک توپ هنگام برخورد با پای فوتبالیست ممکن است تغییر جهت دهد و یا متوقف شود. چتر بسته شده به یک هواپیمای

جهت نیرو حرکت می‌کند یا وقتی توپ برداشته می‌شود، در جهتی که نیرو اثر کرده بالا می‌رود.

نیروهای در حال تعادل:

نیروها را برحسب قابلیت آنها برای به حرکت درآوردن و یا تغییر دادن جهت حرکت می‌توانیم بشناسیم. تنشستن شما روی یک صندلی نیز شامل نوعی نیروهای در حال عمل است. اما در مجموع حرکتی در شما دیده نمی‌شود. در این مورد که نیروها سبب هیچ نوع حرکتی نمی‌شوند، گفته می‌شود که نیروها در حال تعادلند. در موقع تنشستن روی صندلی نیرویی به طرف پایین اثر می‌کند که حاصل نیروی جاذبه بر بدن شماست. این نیرو به وسیله نیرویی که از طرف صندلی بر شما وارد می‌آید خنثی می‌شود در این شکلها دو نفر را که در حال کشیدن یک طناب هستند می‌بینید. در شکل (الف) عملی با نیروی معادل دوبرابر نیروی حسن، طناب را می‌کشد؛ در نتیجه او حسن را به سمت راست می‌کشد.

در شکل (ب)، حسن نیروی بزرگتر را وارد می‌کند و در نتیجه حرکت به سمت چپ است، اما در شکل (ج) نیروها با هم برابرند، در نتیجه علی و حسن در حال تعادلند و حرکتی وجود ندارد.

یک توپ در حال حرکت روی زمین، سرانجام به علت اصطکاک، از حرکت باز می‌ایستد. در صورتی که فرض کنیم هیچ

— جسم در حال حرکت به وسیله نیروهای وارد بر آن تغییر مسیر می‌دهد، اما اگر نیروهای وارد بر آن در حال تعادل باشند، با سرعت ثابت و در همان مسیر قبلی به حرکت خود ادامه می‌دهد، گویی که هیچ نیرویی بر آن اثر نکرده است.

نیرویی هنگام حرکت توپ، بر آن اثر نمی‌کند، این توپ برای همیشه به حرکت خود ادامه می‌دهد؛ بنابراین نیروی اصطکاک وارد بر یک جسم در حال حرکت می‌تواند آن را به حال سکون درآورد. یک تکه چوب در حال حرکت روی زمین به تدریج و بر اثر نیروی اصطکاک به زودی به حال سکون درمی‌آید، ولی اگر این چوب روی یخ صاف در حرکت باشد، می‌بینیم که برای مدت بیشتری به حرکت درمی‌آید و به علت کم بودن نیروی اصطکاک مسافت بیشتری طی می‌کند.

حال اگر تصور کنید که نیروی اصطکاک کمتر و کمتر شود. مسلماً تکه چوب مسافت بیشتر و بیشتر را طی خواهد کرد. اگر به تصور خود ادامه دهید و فرض کنید که هیچ نیروی اصطکاک وجود نداشته باشد چه اتفاقی می‌افتد؟ حتماً چنین خواهید پنداشت که تکه چوب برای همیشه به حرکت خود ادامه می‌دهد.

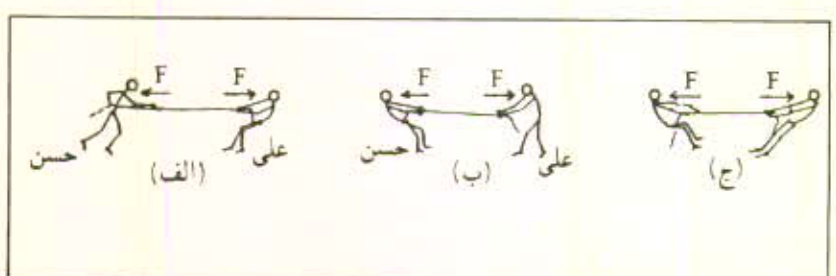
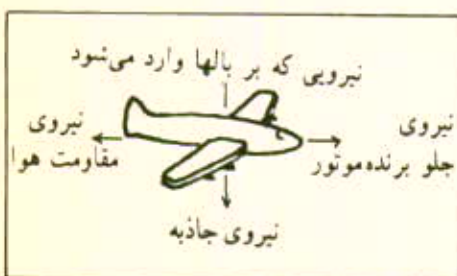
جسم در حال حرکت به وسیله نیروهای وارد بر آن تغییر مسیر می‌دهد، اما اگر نیروهای وارد بر آن در حال تعادل باشند، با

سرعت ثابت و در همان مسیر قبلی به حرکت خود ادامه می‌دهد. گویی که هیچ نیرویی بر آن اثر نکرده است.

برای مثال اگر نیروی جلو برنده موتور یک هواپیما برابر مقاومت هوا باشد، نیروها در حال تعادل خواهند بود و هواپیما با سرعت ثابت حرکت می‌کند، و اگر در حال تعادل نماند هواپیما برحسب آن که کدامیک از نیروها بزرگتر باشد، سریعتر یا آهسته‌تر حرکت خواهد کرد.

نیروها همیشه موجب حرکت نمی‌شوند؛ برای مثال ممکن است بسختی روی یک میز با کاناپه فشار دهید، ولی جا به جا نشود.

اجسام در اثر نیروی وارد چه حرکت بکنند یا حرکت نکنند، تغییر شکل می‌دهند. اگر شما بادکنکی را فشار دهید یا برتشک نیرو وارد کنید، با تغییر شکل قابل ملاحظه‌ای رو به رو خواهید شد. وقتی بر بدنه یخچال با بدنه اتومبیل نیرو وارد می‌کنید، ممکن است یا اندک تغییر شکلی در آنها مواجه شوید. وارد آوردن نیرو بر اجسام، همواره با مقداری تغییر شکل همراه است. اگر چه برای تشخیص این





— هنگامی که بر جسمی نیرو وارد می‌کنیم فاصله بین ذرات تشکیل دهنده آن تغییر می‌کند و همین امر موجب بروز نیروی برگرداننده‌ای می‌شود که در صدد است جسم را به حالت اولیه خود برگرداند. این نیروی برگرداننده را نیروی «الاستیک» یا کشسان می‌نامند.

— مولکولهای گاز آزادانه در حرکتند و به علت فاصله زیاد بین آنها، نیروی جاذبه بین مولکولی تأثیر چندانی در نزدیک نگاه داشتن آنها ندارد و به همین دلیل است که گاز برخلاف جامد شکل و حجم معینی ندارد.

تغییر شکل، در مورد اجسام سخت، مانند ورقه‌های فلزی ضخیم به وسایل بسیار دقیق نیازمندیم.

هنگامی که بر جسمی نیرو وارد می‌کنیم فاصله بین ذرات تشکیل دهنده آن تغییر می‌کند و همین امر موجب بروز نیروی برگرداننده‌ای می‌شود که در صدد است جسم را به حالت اولیه خود برگرداند. این نیروی برگرداننده را نیروی «الاستیک» یا کشسان می‌نامند.

نیروی الاستیک

هنگامی که کتابی را روی میز قرار می‌دهیم، گرچه نیروی جاذبه بر آن اثر می‌کند. با این حال در جای خود باقی می‌ماند، در این مورد گفته می‌شود که میز امکان تغییر مکان و سقوط را به کتاب نمی‌دهد.

واقعیت آن است که نیرویی نیز از طرف میز بر کتاب وارد می‌شود که مقدار آن برابر وزن کتاب است. این نیروی مانع را نیروی برگرداننده یا الاستیک می‌گویند.

هنگامی که جسمی را تحت فشار قرار می‌دهیم و یا آن را می‌کشیم، ابعاد آن تغییر می‌کند. به گفته دیگر، فاصله بین ذرات سازنده آن تغییر می‌کند و همین امر موجب بروز نیروی الاستیک یا برگرداننده می‌شود، زیرا نیروهای جاذبه میان این ذرات در حالت طبیعی در مقابل تغییر فاصله و دگرگونی در شکل مقاومت می‌کنند.

درک این مطلب که نیروهایی بین اتمها و مولکولهای جسم وجود دارد امر ساده‌ای

همه قرار دارند که به ازای انسداد نزدیکی اضافی، نیروی دافعه زیادی به وجود می‌آید؛ از این رو مایعات در برابر فشار و تراکم مقاومت می‌کنند. مولکولهای گاز آزادانه در حرکتند و به علت فاصله زیاد بین آنها، نیروی جاذبه بین مولکولی تأثیر چندانی در نزدیک نگاه داشتن آنها ندارد؛ به همین دلیل است که گاز برخلاف جامد، شکل و حجم معینی ندارد. چنانچه مثلاً مقداری گاز موجود در یک ظرف کوچک را در ظرفی با حجم بیشتر وارد کنیم، ذرات گاز به علت جنب و جوش دائمی خود، تمامی ظرف را پر می‌کند. ضربه‌های متوالی و بی‌شماری که مولکولهای گاز بر جدار ظرف وارد می‌کنند، ایجاد فشار می‌نماید. اثر فشار گاز موجود در یک بادکنک را بر دیسواره آن کاملاً حس می‌کنیم. در حقیقت ما ضربه‌های متوالی گاز را بر دیواره بادکنک نمی‌بینیم، ولی کشیده شدن لاستیک بادکنک و عدم برگشت آن به شکل اولیه و کوچک خود را نشانه‌ای از فشار گاز می‌دانیم.

مولکولهای گاز در فضایی که قرار دارند، بی‌وقفه در حال جنبشند و در چنین حالتی همواره با یکدیگر برخورد می‌کنند. جهت حرکت آنها نظم خاصی نداشته، جنبه تصادفی

است. چه اگر در صدد بانجیب که یک تکه چوب را به دو قسمت تقسیم کنیم، با مقاومت روبرو می‌شویم و این نیرو را احساس می‌کنیم.

معمولاً بین اتمهای یک جسم مانند چوب با آهن دو نوع نیرو اعمال می‌شود. چنانچه بخواهیم فاصله اتمها را زیاد کنیم، نیروی جاذبه بین اتمها مانع این کار شده و برای ما آشکار می‌گردند؛ همچنین هرگاه سعی کنیم که بر اثر فشار فاصله میان اتمهای جسم را کاهش دهیم، باز هم با مقاومتی روبرو می‌شویم. زیرا در این حالت نیروی دافعه میان اتمها برای ما مطرح می‌شوند که به صورت مقاومت در مقابل فشار خود را نشان می‌دهند.

بدین ترتیب بی‌می‌توانیم که در جامدات هم نیروی جاذبه و هم نیروی دافعه وجود دارد و در حالت طبیعی که شکل چوب یا یک قطعه آهن تغییر نمی‌کند، نوعی تعادل و برابری بین نیروهای جاذبه و دافعه برقرار است. در مورد مایعات نیز می‌بینیم که نیروهای جاذبه، مولکولهای مایع را در فاصله‌های کم به یکدیگر نزدیک نگاه می‌دارد. اما اگر مایع تحت فشار قرار داده شود، مولکولها اندکی به هم نزدیک شده نیروی دافعه میان آنها آشکار می‌گردد. مولکولهای مایع، در حال طبیعی آن قدر نزدیک

دارد؛ به گونه‌ای که هر یک از مولکولها مرتباً از این سو به آن سو در رفت و آمد است. بر خورد میان مولکولها نیز مرتباً جهت حرکت آنها را تغییر می‌دهد. فاصله بین مولکولهای گاز بمراتب بیش از ابعاد مولکولی آنهاست. بجاست که مولکولهای مایع، جامد و گاز را از دیدگاه دیگری که مربوط به جگونگی حرکت آنهاست بررسی و مقایسه کنیم.

مولکولهای مایع را می‌توان به طرز دیگری بررسی کرد. در واقع هر مولکول مایع در فضایی که میان مولکولهای دیگر به وجود آمده در بند است. این مولکولها معمولاً در جای خود و پیرامون نقطه تعادل در حال ارتعاش بوده و بر اثر ضربه‌های متبادل با مولکولهای دیگر می‌جهند و جابه‌جا می‌شوند؛ از این رو به نظر می‌رسد که لایه‌هایی از مایع بر هم می‌لغزند و به نظر روان می‌آیند.

اتم جسم جامد قادر نیست پیوند بین خود و سایر اتمها را بگسلد؛ بنابراین مکانی جز حرکت ارتعاشی در جای خود ندارد.

بین جامدات و مایعات تفاوت مهم دیگری نیز وجود دارد. مولکولهای مایع اغلب آرایش نامنظم و به هم فشرده دارند و به طور تصادفی و ناموزون در حرکتند. در حالی که مولکولهای جسم جامد آرایش منظم و نظامی موزون دارند. اگر مراکز اتمها را با مولکولهای اکثر جامدات به هم وصل کنیم شبکه منظمی حاصل می‌شود که به آن «شبکه کریستالی» می‌گویند. بدین ترتیب شبکه کریستالی در حکم یک شکل فضایی برای مواد است. اکثر اجسام جامد دارای ساختمان کریستالی خاص خود هستند. تنها در ساختمان بعضی از اجسام از قبیل شیشه ترتیب و شبکه کریستالی مشخصی برقرار نیست؛ به همین جهت این گونه اجسام را غالباً در زمره اجسام جامد محسوب

— بین جامدات و مایعات تفاوت مهم دیگری نیز وجود دارد. مولکولهای مایع اغلب آرایش نامنظم و به هم فشرده دارند و به طور تصادفی و ناموزون در حرکتند. در حالی که مولکولهای جسم جامد آرایش منظم و نظامی موزون دارند. اگر مراکز اتمها را با مولکولهای اکثر جامدات به هم وصل کنیم شبکه منظمی حاصل می‌شود که به آن «شبکه کریستالی» می‌گویند.

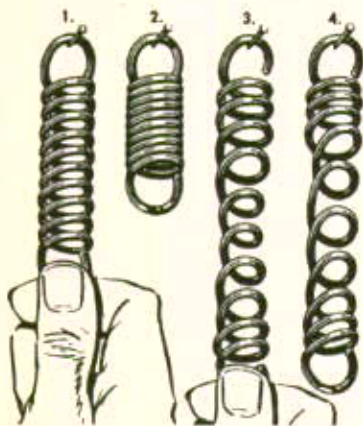
نیرو وارد می‌کنیم و می‌خواهیم آن را از حالت تعادل خارج کنیم، در این حالت از طرف فنر نیرویی در خلاف نیروی که به آن وارد می‌شود ظاهر شده و در صدد است که فنر را به وضع اولیه خود برگرداند. هرگاه فنر را با نیروی بیشتر بکشیم، نیروی مخالف نیز که از طرف فنر ظاهر می‌شود افزایش می‌یابد، اما این مخالفت حدی دارد که به آن نیروی حد الاستیک (حد کشسانی) گویند. اگر نیروی وارد بر فنر از حد کشسانی بیشتر شود، فنر شروع به تغییر شکل می‌نماید. و در این حالت است که می‌توان فنر را با صرف نیروی کمتری تغییر شکل داد. در این حالت فنر تغییر شکل

نمی‌کنند و آنها را به مانند مایعی که روانی خود را از دست داده است در نظر می‌گیرند.

حال پس از بررسی تفصیلی جگونگی آرایش اتمها و مولکولها، همچنین امکانات جنبش و حرکت آنها در حالتهاى مختلف جامد، مایع و گاز می‌توان به آسانی به این پرسش مهم پاسخ داد که «چرا به هنگام تغییر شکل لایه‌های فوقانی میز نیروی الاستیک ظاهر می‌شود؟»

یک میز چه از چوب ساخته شده باشد و چه از پلاستیک یا فلز به هنگام فشردن، لایه‌های فوقانی مولکولهای آن به یکدیگر نزدیک شده، نیروی دافعه ظاهر می‌شود که در این صورت می‌گوییم نیروی الاستیک آشکار می‌گردد. اگر روی میز کتابی قرار دهیم باعث فشرده شدن سطح زیرین خود شده و در صدد است تغییر شکلی در میز به وجود آورد. در این حالت نیروی دافعه بین اتمها (نیروی الاستیک یا برگرداننده سطح) به مقدار معادل وزن کتاب ظاهر می‌شود. چنانچه کتاب را برداریم، نیروی فشاردهنده خارجی برطرف شده در نتیجه مقاومت مولکولها در مقابل نیروهای نزدیک‌کننده از میان می‌رود و مولکولها نسبت به یکدیگر به فاصله قبلی قرار گرفته لایه‌های فوقانی نیز به شکل اول در می‌آید.

فتری را در نظر بگیرید که از دو سر به آن





می‌دهد و این تغییر شکل و کشیدگی در قشر باقی می‌ماند. به عبارتی دیگر قشر خاصیت اولیه خود را تا حدودی از دست می‌دهد.

نیروی جاذبه زمین

می‌دانیم که نیروی جاذبه زمین همه چیز را به سوی زمین می‌کشد. نیروی جاذبه است که باعث افتادن یک سیب رسیده از درخت به زمین یا غلتیدن سنگی از قله کوه به دره می‌شود. هرگاه آجری را که در دست خود نگاه داشته‌ایم ناگهان رها کنیم، به زمین می‌افتد. در این مورد نیروی جاذبه بین آجر و زمین را وزن آجر می‌نامیم؛ به همین ترتیب، برای سیب و سنگ و غیره نیز وزن قائل می‌شویم.

یک کودک عملاً بی‌می‌برد که برای نگهداشتن یک توپ در حال تعادل، باید نیرویی به طرف بالا بر توپ وارد کند تا نیروی وزن توپ را جبران نماید. بدیهی است که کودک این کار را به تجربه و به فرست درک می‌کند. گرچه دلیل و معنایی برای این عمل خود در نظر نمی‌گیرد.

نیون نخستین فردی بود که به وجود نیروی جاذبه میان دو جرم از قبیل سیب و زمین پی برد. بدیهی است که نیروی جاذبه برقرار شده بین دو جسم کوچک از قبیل دو قطعه سنگ بسیار ناچیز و نامحسوس است، اما اگر یکی از این دو، جرم زیادی چون زمین داشته باشد، آن وقت نیروی جاذبه قابل توجهی میان آن دو برقرار می‌شود، که بزرگی همگی ما آشکار می‌گردد (مثلاً به صورت وزن سیب یا سنگ).

بدیهی است هر چه جرم دو جسم مؤثر بر یکدیگر کمتر باشد، نیروی جاذبه میان آنها نیز کمتر خواهد بود. برای مثال وزن یک قطعه سرب روی ماه $\frac{1}{6}$ وزن آن بر روی زمین است.

هرگاه به سطح یک میز یا جلد یک کتاب و امثال آنها بنگریم، در نخستین نگاه ممکن است، آنها را صاف و هموار بیندازیم، ولی اگر آنها را به دقت مورد بررسی قرار دهیم، ناهمواریهایی مشاهده می‌کنیم. این امر تا حدی هنگام لمس کردن سطح آنها احساس می‌شود. به طور کلی اگر به کمک ذره‌بین، سوزنه میکروسکوپ بر سطوح اجسام جامد نگاه کنیم، شکل و منظره‌ای که پدیدآور کوهستانهاست، مشاهده می‌شود. در واقع سطوح اجسام جامد پوشیده از فرورفتگیها و برآمدگیهایی است که مانع حرکت آسان و لغزیدن آنها روی یکدیگر می‌شوند.

هرگاه جسمی روی جسم دیگر قرار گیرد، مقداری از این فرورفتگیها و برآمدگیها درهم می‌روند؛ برای مثال وقتی یک صفحه فلزی بسیار صیقلی روی صفحه فلزی مشابه قرار گیرد جوش خوردگیهای موقت بین نقاط مختلف دو صفحه ایجاد می‌شود. چون در هر حال، بعضی نقاط یک سطح کمی بالاتر از نقاط همان سطح قرار دارند و در همین موقعتها مولکولهای این سطح به مولکولهای سطح دیگر خیلی نزدیک می‌شوند. در نتیجه مولکولهای دو سطح در میدان جاذبه مولکولی یکدیگر قرار می‌گیرند و مانند این است که دو سطح را در این موقعتها به یکدیگر جوش می‌دهند.

گفته شد که سطح میز و جلد کتاب هر دو دارای تعداد زیادی از برآمدگیها و فرورفتگیهاست. هنگامی که کتاب را روی میز می‌کنیم، این پستی و بلندیها که درهم فرو

رفته‌اند به علت نیروی کشش دست ما کمی تغییر شکل می‌دهند. در این حال نیرویی در خلاف جهت حرکت ظاهر می‌شود که در مقابل حرکت کتاب مقاومت می‌کند، این نیرو «نیروی اصطکاک» نامیده می‌شود؛ بنابراین، نیروی اصطکاک در اثر تغییر شکل فرورفتگیها و برآمدگیها جسم جامد پدید می‌آید. علت بروز نیروی اصطکاک همانا تأثیرات متقابل بین آنها و مولکولها در دو سطح است.

اگر نیروی کشش را زیاد کنیم، تا کتاب شروع به لغزیدن کند، شکستن برآمدگیها شروع می‌شود و بیوند مولکولها از هم می‌گسلد. شکستن این پیوندها خود مستلزم مصرف انرژی است که توسط نیروی دست تأمین می‌شود؛ البته باید دانست که با خرد شدن برآمدگیها و شکستن برخی پیوندها، اصطکاک از بین نمی‌رود. گرچه خرد شدن برآمدگیها به کهنگی و ساییدگی قطعات منجر می‌گردد، ولی هر برآمدگی که می‌شکند به احتمال زیاد به پیدایش ناهمواری تازه‌ای می‌انجامد.

حال ممکن است این تصور پیش آید که هر چه سطح صیقلی‌تر شود، نیروی اصطکاک کمتر می‌گردد. این پندار تا حدی درست است، اما چنانچه صیقلی بودن دو سطح از حد معینی تجاوز کند، نیروی اصطکاک بین دو سطح ناگهان و برخلاف انتظار افزایش می‌یابد. زیرا بر اثر صیقلی شدن بیش از حد، دو سطح آن چنان به هم نزدیک می‌شوند که نیروهای جاذبه مولکولی بین دو سطح ظاهر می‌گردد و این مانع حرکت یک سطح روی سطح دیگر است. به همین دلیل نتیجه می‌گیریم که در حالتی افراطی، هر چه سطوح صیقلی‌تر شوند نیروی اصطکاک بین آنها افزایش می‌یابد.

در حالت معمولی که صیقلی شدن به

حداکثر نمی‌رسد. ارتفاع ناهمواریها در اغلب نقاط هریک از دو سطح خیلی بیش از شعاع مولکولی می‌باشند؛ بنابراین نیروهای بسین مولکولی به علت زیاد بودن نسبی فاصله میان مولکولها، در همه نقاط بخوبی آشکار نمی‌گردد و فقط در برخی نقاط پدید می‌آیند. بجاست که مجدداً مطالب را خلاصه کنیم و بگوییم که با صیقلی کردن دو سطح مانند دو تکه چوب، ابتدا از میزان برآمدگیها و فرورفتگیهای خیلی درشت می‌کاهیم و بر سهولت لغزیدن آنها بر یکدیگر می‌افزاییم. ولی هرگاه صیقلی کردن را تا میزان بسیار زیاد ادامه دهیم، از قطر برآمدگیها و فرورفتگیها کاسته می‌شود و در بسیاری نقاط اندازه آنها به شعاعهای مولکولی نزدیک می‌شود. در این

حالت، تعداد فراوانی از مولکولهای سطحی دو طرف به یکدیگر نزدیک شده، بر میزان نیروهای جاذبه میان مولکولی آنها افزوده می‌گردد. در این حالت جدید است که روند نیروی اصطکاک مسیر مخالف قبلی را پیدا می‌کند؛ به طوری که افزایش صیقلی شدن به افزایش نیروی اصطکاک می‌انجامد. با توجه به مطلب بالا می‌بینیم هر چه نیروی وارد بر سطح بیشتر باشد بر میزان درهم رفتن فرورفتگیها و برآمدگیها افزوده شده در نتیجه نیروی اصطکاک بیشتری می‌شود؛ همچنین حالت خاص ساختمانی اجسام مختلف روی کیفیت تماس و در نتیجه نیروی اصطکاک اثر می‌گذارد؛ در نتیجه باید انتظار داشت که اجسام گوناگون ضریب اصطکاک متفاوت و

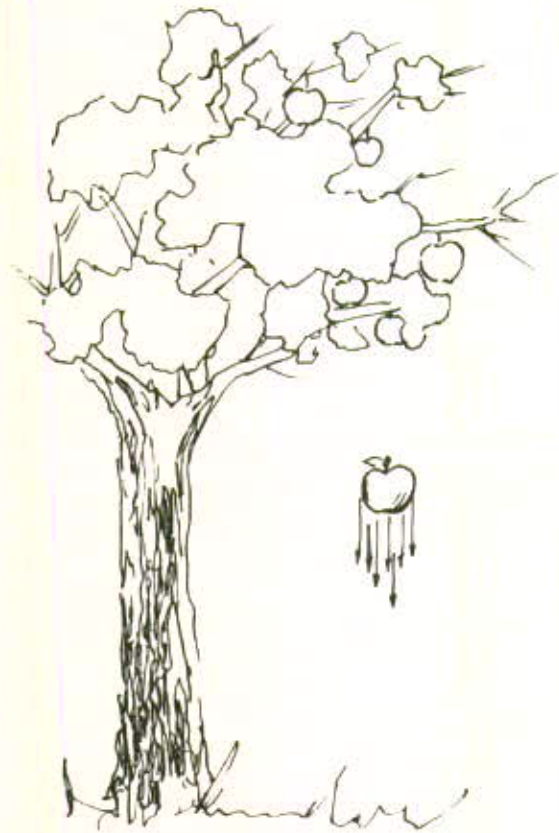
مخصوص به خود داشته باشند.

هنگامی که جسمی را روی سطح افقی با سرعت ثابت به حرکت در آوریم، نیروی دست ما با نیروی اصطکاک برابر می‌شود، زیرا نیروی وزن جسم که همان نیروی عمود بر سطح است با نیروی برگرداننده سطح خنثی می‌شود و نیروی کشش جسم درست به اندازه نیروی اصطکاک و در خلاف جهت آن است؛ در نتیجه برآیند نیروهای وارد بر جسم صفر و جسم در حال تعادل و در این حال با سرعت ثابت در حال حرکت می‌باشد.

اصطکاک نیروی لازم یا مزاحم

نیروی اصطکاک در برخی موارد مانند راه رفتن، توقف کردن یا حرکت چرخها به کمک تسمه و غیره لازم است و در بسیاری موارد، از قبیل اصطکاک که بین قطعات یک ماشین که بر روی یکدیگر می‌لغزند، عامل مزاحم به شمار می‌رود، زیرا مقداری از انرژی را به صورت گرما تلف می‌کند و قطعاتی را که روی هم می‌لغزند فرسوده و مستهلک می‌کند، به همین دلیل حتی الامکان سعی می‌شود که به طرق مختلف از نیروی اصطکاک کاسته شود. برای کاهش نیروی اصطکاک می‌توان از شیوه‌های مختلفی استفاده کرد، مانند:

- ۱ - روغنکاری بین قطعات
- ۲ - صیقلی کردن قطعات تا میزان مناسب
- ۳ - عبور دادن هوای فشرده بین قطعات
- ۴ - تبدیل حرکت لغزشی به غلثشی با استفاده از چرخ (در وسایط نقلیه چرخ‌دار) و بلبرینگ (به جای یاتاقان).



سوالات امتحانات نهایی

سوالات امتحانات نهایی درس علوم تجربی دانش‌آموزان و داوطلبان آزاد کلاس سوم راهنمایی شهر تهران در خرداد ماه ۱۳۷۱

وقت امتحان: ۹۰ دقیقه

تاریخ امتحان ۱۳۷۱/۳/۱۸

۱۱ - جرخهای آبی جدید عموماً به چه منظوری به کار می‌رود؟ و
منداولترین نوع جرخ آبی چگونه کار می‌کند؟
۰/۷۵

۱۲ - مادگی گل را رسم نمایید و قسمتهای مختلف آن را روی شکل
نشان دهید.
۰/۷۵

۱۳ - به کدام دلیل باید گفت که در روی هر کره موزوم بیش از یک زن
قرار دارد.
۰/۱۵

۱۴ - برای آنکه در انتقال انرژی الکتریکی، انرژی کمتری به هدر رود
از چه وسیله‌ای استفاده می‌شود و چرا؟
۰/۱۵

مسائل: نوشتن فرمول و واحد جواب ضروری است و نمره دارد.
۱۵ - موتور باری به وزن ۱۵۰۰ نیوتن را در مدت ۵ ثانیه تا ارتفاع
۱۰ متر بالا می‌برد توان موتور را بر حسب اسب بخار و کیلووات
محاسبه نمایید. «اسب بخار = ۷۵۰ وات»
۱/۱۵

۱۶ - جسمی به وزن ۷۵۰۰ نیوتن به وسیله یک ماشین مرکب ۴۰
سانتیمتر جا به جا می‌شود.

اولاً در صورتی که بازده ماشین ۷۵٪ باشد و نیروی محرکی برابر ۴۰۰
نیوتن لازم باشد نیروی محرک چه مقدار جا به جا می‌شود؟
ثانیاً مزیت مکانیکی ماشین را از یک راه به دلخواه محاسبه
نمایید.
۱/۱۵

۱۷ - یک موتور الکتریکی به توان ۸۰۰ وات به مدت ۴ ساعت روشن
می‌باشد انرژی الکتریکی مصرف شده چقدر می‌باشد؟
۰/۷۵

موفق باشید

۱ - ماده خالص چیست؟ چرا خواص مواد مختلف متفاوت
است؟
۱

۲ - سه شرطی که یک ماده باید داشته باشد تا بتواند در بخش گرما
مورد استفاده قرار گیرد چیست؟ ماده‌ای نام ببرید که این سه شرط جا
دارد.
۱

۳ - با استفاده از اصل انعکاس تفاوت بین انعکاس منظم و انعکاس
نامنظم را توضیح دهید.
۱

۴ - موفقیت بدن در مبارزه علیه میکروبها به چند عامل بستگی دارد.
دو عامل آنرا شرح دهید.
۱

۵ - جوانه انتهایی در کجا یافت می‌شود و درون جوانه انتهایی
چیست؟
۱

۶ - در جرخ دستی بار باید به جرخ نزدیکتر باشد یا دسته؟ و چرا؟
۰/۷۵

۷ - عدسی مقعر را تعریف کنید و توضیح دهید چرا برای تشکیل
تصویر بر روی پرده نمی‌توان از عدسی مقعر استفاده کرد؟
۰/۷۵

۸ - درها و پنجره‌ها و بله‌های فولادی را معمولاً رنگ می‌کنند چگونه
این کار به نگهداری ذخایر مواد خام کمک می‌کند
۰/۷۵

۹ - استفاده از آهن قراضه در تهیه فولاد چه فایده‌ای دارد؟ و چگونه
می‌توان فولاد مرغوب تهیه نمود؟
۰/۷۵

۱۰ - دو راه ناگیرایی فعال را بنویسید و توضیح دهید دوام کدام یک
بیشتر است.
۰/۷۵



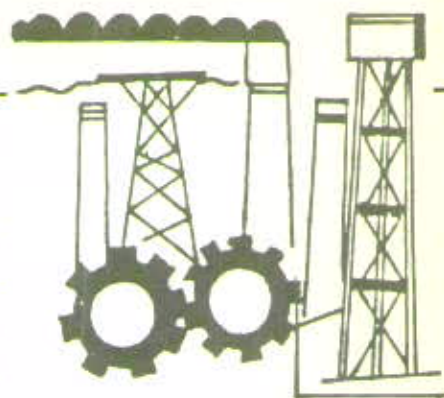
به مناسبت هفته معرفی مشاغل

از گروه کارشناسی حرفه و فن

شغل مورد علاقه خود را انتخاب کنند و به کار و فعالیت خود ادامه دهند و این وظیفه مهم راهنمایی تحصیلی و شغلی به عهده مجموعه اداره کنندگان این دوره تحصیلی، اعم از مسؤولین آموزش و پرورش در ادارات و یا در مقاطع تحصیلی، مدیران و معاونان و کادر آموزشی مدارس است در جهت تحقق این هدف فعالیتهای گوناگونی صورت می‌پذیرد که از آن جمله «هفته معرفی مشاغل» است. معرفی مشاغل بخشی از امر هدایت تحصیلی است که باید توسط مشاوران، مدیران مدارس، دبیران کلیه دروس، خصوصاً دبیران حرفه و فن و حتی اولیای دانش‌آموزان صورت گیرد. در اجرای برنامه‌های مربوط به راهنمایی دانش‌آموزان گاه مشکلاتی پدید می‌آید که بخش اعظم آن

هم چنان که از نام دوره راهنمایی تحصیلی برمی‌آید، این دوره عبارت است از هدایت و راهنمایی دانش‌آموزانی که در این دوره مشغول تحصیل هستند تا بدین طریق بتوانند رشته تحصیلی خود را در دوره متوسطه انتخاب نموده، با مشاغلی که در طی این دوره با آنها آشنا می‌شوند بتوانند با کمک آن اطلاعات

— معرفی مشاغل بخشی از امر هدایت تحصیلی است که باید توسط مشاوران، مدیران مدارس، دبیران کلیه دروس، خصوصاً دبیران حرفه و فن و حتی اولیای دانش‌آموزان صورت گیرد.



رشته تحصیلی دانش آموز به وی پیشنهاد و دانش آموز به سمت آن هدایت می‌شود. توفیق در جریان هدایت تحصیلی و شغلی مبتنی بر دو عامل داخلی و خارجی است. عامل داخلی که در مدرسه و توسط مدیر و مشاور و دبیران و اولیای دانش آموزان صورت می‌گیرد شامل فعالیت‌هایی است که بدان اشاره شد. اما عامل خارجی که در آینده و سرنوشت تحصیلی و شغلی دانش آموزان نقش مهم و اساسی دارد. موفقیت تحصیلی و شغلی جامعه است. که باید از چنان انسجام و نظام مستحکمی برخوردار باشد که هدایت کننده بتواند با قاطعیت مسیر آینده هر دانش آموز را برای او ترسیم نموده کلیه مراحل را که دانش آموز هدایت شده باید طی نماید و برگزیدن شغل را مطابق با واقعیات جامعه برای او بیان کنند. در غیر این صورت هر گاه در جامعه نظام شغلی مدون و یا نظام تحصیلی دقیق و ثابتی وجود نداشته باشد امر هدایت تحصیلی موفق نبوده فرد هدایت شده بناچار از مسیری که برای او تعیین شده خارج خواهد شد و دچار نابسامانی و سرگردانی می‌شود. در کشور ما با توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی موجود، نظام شغلی دقیق و مدون وجود ندارد؛ بدین معنی که بسیاری از

مربوط به عدم توجه کافی کسانی است که این امر به عهده آنان واگذار شده است؛ از این رو لازم است که قدری دقیق‌تر به بررسی این موضوع بپردازیم:

هدایت تحصیلی چیست؟

هدایت تحصیلی عبارت است از بخشی از آموزش‌هایی که از طریق فعالیت‌های گوناگون و انجام دادن خدماتی مانند، رساندن اطلاعات در زمینه مشاغل و رشته‌های تحصیلی بعد از دوره راهنمایی مشاوره، مشاهده، شناخت رغبت‌ها و علایق، شناخت محیط و وضعیت زندگی خانوادگی، تشخیص استعدادها و توانمندیها، تشکیل پرونده تحصیلی، انجام آزمون‌های مختلف برای دانش آموزان از طرف مدرسه.

– هدایت تحصیلی عبارت است از بخشی از آموزش‌هایی که از طریق فعالیت‌های گوناگون انجام دادن خدماتی مانند، رساندن اطلاعات در زمینه مشاغل و رشته‌های تحصیلی بعد از دوره راهنمایی، مشاوره، مشاهده شناخت رغبت‌ها و علایق، شناخت محیط و وضعیت زندگی خانوادگی، تشخیص استعدادها، توانمندیها، تشکیل پرونده تحصیلی و انجام آزمون‌های مختلف برای دانش آموزان از طرف مدرسه.

مشاغل آزاد هیچ گونه ضابطه دقیقی برای تصدی ندارند و هر فرد با هر نوع معلومات و خصوصیات فردی و اجتماعی می‌تواند آنها را احراز کند و میزان درآمد، امکانات پیشرفت شغلی، تضمین آینده شغلی، بیمه، سواد و معلومات و غیره در آنها معیار مشخص و معینی ندارد و ضوابط موجود برای آنها نیز به گونه‌ای است که هر کس می‌تواند با هر خصوصیاتی آن را کسب کند؛ بنابراین، عامل دوم هدایت تحصیلی، یعنی عامل خارجی از یک سو و نبودن امکانات خدمات مشاوره و انجام تست‌های گوناگون و تشکیل پرونده تحصیلی و غیره از سوی دیگر، امر هدایت تحصیلی را تقریباً غیرممکن ساخته است؛ با این همه، چون نظام تحصیلی در کشور به هر حال منجر به شغل می‌شود، این گونه مشاغل که متکی به نظام تحصیلی و تخصص در سطوح مختلف است از اهمیت خاصی، خصوصاً در جهت رفع نیازهای اساسی کشور برخوردارند. امر هدایت تحصیلی نه تنها به طور دقیق، بلکه به صورت راهنمایی کلی در قالب اطلاعات رسانی در زمینه‌های تحصیلی و شغلی موجود در جامعه باید شکل گیرد.

این اطلاعات رسانی نیز باید کاملاً جدی و همه جانبه و با همکاری کلیه عوامل اجرایی اداره آموزش و پرورش و مدرسه و معلمان خصوصاً دبیران حرفه و فن و والدین به اجرا در آید و برای آنان نیز باید برنامه‌ریزی دقیق انجام شود. در این خصوص نقش معلمان حرفه و فن بسیار حساس و اساسی است؛ ضمناً باید توجه داشت که امر هدایت تحصیلی در دوره‌های بعد یعنی متوسطه در نظام جدید ادامه خواهد داشت و از ارکان نظام آموزشی متوسطه خواهد بود.

درس شناخت حرفه و فن به دلیل ارتباط



هدفهای آن با موضوع اطلاع رسانی به دانش آموزان خصوصاً در زمینه‌های شغلی و تحصیلی، اهمیت ویژه‌ای دارد و نحوه اجرای برنامه‌های آموزشی این درس توسطه معلمین باید با دقت و اهمیت خاصی تلقی شود. در این باره معلمان محترم باید از اولین جلسات ورود دانش آموزان به دوره راهنمایی آنان را با هدفهای دوره راهنمایی که همان مسأله انتخاب رشته تحصیلی دوره بعد است آشنا ساخته، درباره ضوابط انتخاب رشته به طور مختصر و متناسب با وضعیت ذهنی دانش آموزان برای آنان توضیح دهد و در این خصوص آنها را به فعالیت و ادار نمایند برخی از این فعالیتها می تواند جمع آوری اطلاعات درباره مشاغل گوناگون از طریق خانواده و اطرافیان خود، تهیه روزنامه دیواری درباره مشاغل گوناگون به صورت گروهی، بازدید از مراکز مختلف شغلی و تهیه گزارشهای فردی و یا گروهی باشد؛ همچنین فعالیتهای عملی در مشاغل مختلف می تواند به صورت گزارش نتیجه کار به کلاس درس، دعوت از صاحبان مشاغل و سخنرانی آنان در جمع دانش آموزان راجع به شغلشان و راه رسیدن به آن باشد.

شرکت فعال در برنامه‌های هفته معرفی مشاغل که در حقیقت تأکیدی است بر فعالیتهای مستمر مجموعه عوامل مدرسه

راهنمایی در زمینه اطلاع رسانی شغلی و تحصیلی، ارتباط نزدیک با سایر معلمان برای قوت بخشیدن به امر راهنمایی تحصیلی و سرانجام کسب اطلاعات جدید و مطابق روز برای تکمیل معلومات معلم و عرضه آن در

موقعیتهای مناسب به دانش آموزان می‌بایند. امید است کلیه معلمان حرفه و فن با توجه به اهمیت فوق العاده این امر، نهایت تلاش و دقت خود را درباره اجرای برنامه‌های مذکور به کار گیرند و امر هدایت تحصیلی را منحصر به چند صفحه مطالب مندرج در کتاب درسی ندانسته، فعالیتهای مربوط به اطلاعات رسانی را از اولین وهله ورود دانش آموزان تا پایان دوره و خروج دانش آموز بطور منظم و سازماندهی مستمر ادامه دهند و مطمئن باشند که حاصل تلاش آنان در آینده نسل جوان این مملکت تأثیر بسزایی خواهد داشت.

— معلمان محترم باید از اولین جلسات ورود دانش آموزان به دوره راهنمایی آنان را با هدفهای دوره راهنمایی که همان مسأله انتخاب رشته تحصیلی دوره بعد است آشنا ساخته و درباره ضوابط انتخاب رشته به طور مختصر و متناسب با وضعیت ذهنی دانش آموزان برای آنان توضیح دهد.

جزئیات آن، کمیته اجرایی نظام جدید آموزش متوسطه اداره کل تهران اقدام به تهیه این ویژه نامه نمود.

امید است این اقدام منشاء هدایت و راهنمایی مؤثر مخاطبین خود واقع گردد. بدیهی است دانش آموزان عزیز و اولیاء محترم می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به مناطق ۱۹ گانه آموزش و پرورش تهران مراجعه نمایند.

۱ - ساختار نظام جدید آموزش متوسطه:
نظام جدید آموزش متوسطه مشتمل بر سه شاخه تحصیلی سه ساله منتهی به مدرک دیپلم، یک دوره پیش دانشگاهی، یک دوره کاردانی پیوسته متصل به شاخه فنی و حرفه ای می باشد.

الف - شاخه متوسطه نظری
این شاخه شامل سه رشته ریاضی - فیزیک، علوم تجربی و ادبیات و علوم انسانی است. مجموع واحدهای درس دوره سه ساله شاخه نظری ۹۶ می باشد که حدود ۷۰ واحد آن بین سه رشته مشترک و ۲۶ واحد آن دروس اختصاصی و اختیاری هر رشته جدا تشکیل می دهد. دارندگان دیپلم متوسطه نظری در صورت دارا بودن ضوابط می توانند پس از شرکت در آزمون مربوطه در دوره پیش دانشگاهی ادامه تحصیل دهند و پس در کنکور سراسری دانشگاهها شرکت نمایند. بدیهی است در آزمون سراسری دوره پیش دانشگاهی صرفاً تا ۲ برابر ظرفیت دانشگاهها دانش آموز پذیرفته خواهد شد.

ب - شاخه متوسطه فنی و حرفه ای
این شاخه دارای سه زمینه صنعت،



بر اساس مصوبات هیأت اجرایی طرح متوسطه جدید

متوسطه را از مهرماه ۱۳۷۱ برای حدود ۱۰ درصد دانش آموزان پایه اول متوسطه کسب کرده است. به منظور آشنایی بیشتر دانش آموزان عزیز و اولیاء محترم ایشان با

مقدمه
اکنون که به فضل خداوند وزارت آموزش و پرورش توفیق اجرای نظام جدید آموزش

کشاورزی، خدمات است.

* زمینه صنعت نیز به چند گروه مانند مکانیک، مواد، عمران، برق، و... تقسیم میشود و هر گروه مشتمل بر گر چند رشته است.

* زمینه خدمات نیز به چند گروه مانند اداری و مالی، هنر، مدیریت، اقتصاد خانواده، بهداشت و... تقسیم می‌شود و هر گروه نیز دارای چند رشته است.

* زمینه کشاورزی دارای سه رشته امور دامی، امور زراعی و باغی و منابع طبیعی است.
* دروس مشترک این زمینه‌ها حدود ۶۰ واحد درسی می‌باشد. که عمدتاً در دو سال اول و دوم ارائه شده و تماماً با دروس مشترک شاخه نظری یکسان است.

دروس اختصاصی در هر زمینه ۳۶ واحد می‌باشد که بیشتر در سال سوم ارائه می‌گردد.

* یکی از مزایای شاخه فنی و حرفه‌ای وجود دوره کاردانی پیوسته است (فوق دیپلم) که برنامه‌های درسی آن بصورت کاردانی پیوسته پنج‌ساله تنظیم گردیده است. البته دانش‌آموزان در پایان دوره سه ساله تحصیلی با گذراندن ۹۶ واحد درسی می‌توانند دیپلم متوسطه فنی و حرفه‌ای را گرفته مانند دانش‌آموزان شاخه نظری داوطلب تحصیل در دوره پیش دانشگاهی شوند و با توجه به مهارت‌های که کسب کرده‌اند به کار اشتغال ورزند.

ج - شاخه متوسطه کار دانش:

لازمه کسب دیپلم کار دانش اخذ گواهینامه درجه یک مهارت در حرفه مورد نظر و گذراندن ۴۹ واحد دروس عمومی است. دروس مشترک این شاخه با دورس عمومی

شاخه‌های نظری و فنی و حرفه‌ای یکسان است. همچنین تقدم و تاخر یا هم‌زمانی اخذ گواهینامه مهارت و سایر دروس متناسب با امکانات آموزشی و موقعیت دانش‌آموزان از انعطاف لازم برخوردار می‌باشند. با توجه به محدودیتهای آموزش و پرورش در جهت ارائه آموزشهای مهارتی دانش‌آموزان این شاخه با هدایت اداره آموزش و پرورش محل به واحدهای صنعتی دولتی یا بخش خصوصی طرف قرارداد معرفی و پس از گذراندن آموزشهای لازم از آنان طبق استانداردهای موجود توسط وزارت کار و امور اجتماعی آزمون بعمل آمده و در صورت موفقیت گواهینامه درجه یک مهارت دریافت می‌دارند. تغییر زمینه یا شاخه تحصیلی از شاخه کار دانش به دیگر شاخه‌های متوسطه امکان‌پذیر می‌باشد.

و نیز دارندگان دیپلم کار دانش می‌توانند در دوره‌های کاردانی برای امور سرپرستی و مربیگری ادامه تحصیل دهند و با در صورت داشتن ضوابط لازم در دوره پیش دانشگاهی شرکت نمایند.

۲ - اهمیت شاخه کار دانش:

یکی از اهداف مهم نظام جدید آموزش متوسطه طراحی شاخه کار دانش است.

اهمیت این شاخه با توجه به نکات ذیل کاملاً مشهود است:

۱ - با توجه به ظرفیت بسیار محدود دانشگاهها همواره قشر عظیمی از دانش‌آموزان شاخه نظری موفق به ادامه تحصیل در دانشگاه نشده و از طرف دیگر به دلیل نداشتن مهارت کافی جذب کارهای کاذب شده و یا اصولاً تا مدت‌ها بیکار مانده و هزینه‌های مادی و معنوی سنگینی را متحمل

می‌شوند.

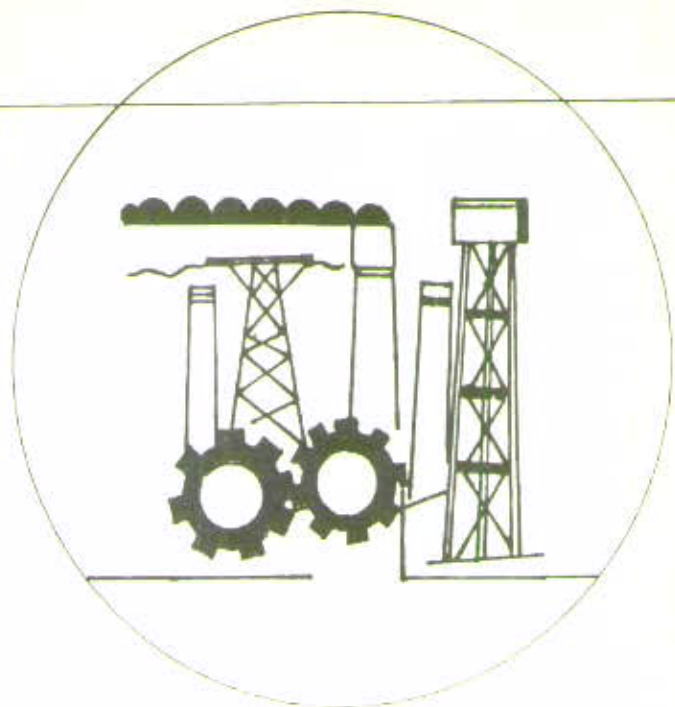
۲ - بررسی و مطالعه علل شکست تحصیلی دانش‌آموزان شاخه نظری (نظام کنونی) متوسطه نشان می‌دهد بسیاری از آنان به دلیل نداشتن استعداد و یا علاقه فراگیری دروس اختصاصی و حجم مطالب تئوری گروه ترک تحصیل کرده و یا با تکرار پایه مواجهند و از هر ۱۰۰ دانش‌آموز ورودی دوره متوسطه فقط ۴۰ نفر موفق به پایان دوره شده و از همین تعداد صرفاً ۴ نفر به دوره‌های آموزش عالی پذیرفته می‌شوند.

۳ - علیرغم سودمند بودن آموزشهای شاخه فنی و حرفه‌ای و به لحاظ بالا بودن هزینه این آموزشها و تأسیس هنرستانها از یک طرف و محدود بوده امکانات دولت در دایره نمودن اینگونه مؤسسات آموزشی از طرف دیگر موجب شده است تا پذیرش دانش‌آموزان در این شاخه با محدودیت مواجه باشد.

۴ - از آنجا که در آموزشهای مهارتی شاخه کار دانش تأکید بر واگذاری اجرای آموزشها به سایر دستگاههای اجرایی دولتی و بخش خصوصی و واحدهای غیرانتفاعی و آموزشگاههای آزاد است، میزان پذیرش دانش‌آموز در این شاخه محدودیت نخواهد داشت و از طرف دیگر فارغ التحصیلان این شاخه در صورت عدم موفقیت در راه ورود به دانشگاه می‌توانند با توجه به آموزشهای مهارتی که کسب کرده‌اند مشکل اشتغال بسیار کمتری در مقایسه فارغ التحصیلان سایر شاخه‌ها خواهند داشت.

۳ - مزایای شاخه کار دانش در مقایسه با شاخه نظری

باید اذعان نمود که نظام آموزشی کنونی هدایت تحصیلی در بیشتر مواقع ناقص بوده



کارگاه خودآزمایی، هندسه، زیست‌شناسی، تاریخ ایران.

توجه:

۱- درسهای برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی، کارگاه خودآزمایی، هندسه، زیست‌شناسی، تاریخ ایران و هنر برای کلیه دانش‌آموزان اختیاری می‌باشد و سایر دروس برای دانش‌آموزان کلیه شاخه‌ها مشترک و اجباری است. (۳۶) واحد از دروس فوق‌الذکر در سال اول متوسطه و در دو نیمسال ارائه می‌گردد.

- دانش‌آموزانی که در سالهای بعد مایلند یکی از رشته‌های شاخه‌های فنی و حرفه‌ای یا کار دانش را بطور قطعی انتخاب کنند می‌بایست دروس برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی و یکی از مهارت‌های متنوع کارگاه خودآزمایی را انتخاب نمایند.

- دانش‌آموزانی که در سالهای بعد مایلند یکی از رشته‌های شاخه نظری را بطور قطعی انتخاب کنند باید یکی از درسهای هندسه (۱)، زیست‌شناسی (ظ)، و یا تاریخ را به تناسب رشته مورد نظر انتخاب کنند.

*** امتحانات:

- برنامه‌ریزی آموزشی در هر سال تحصیلی بصورت دو نیمسال، هر یک به مدت ۱۸ هفته و یک دوره تابستانی به مدت ۱۰ هفته اجرا می‌شود.

- در هر نیمسال شانزده هفته کامل و در دوره تابستانی هشت هفته کامل به تشکیل کلاس درس اختصاص داشته و باقیمانده هر نیمسال و دوره تابستانی برای برگزاری امتحانات، اعلام نتایج و ثبت نام نیمسال بعدی منظور میشود.

نام می‌کنند. انتخاب قطعی شاخه بازمینه تحصیلی دانش‌آموزان پایان سال اول و انتخاب قطعی رشته یا گروه تحصیلی در پایان سال دوم بر اساس تمرکز دانش‌آموز در دروس اختصاصی و انتخابی و با توجه به توصیه‌نامه دوره راهنمایی تحصیلی و نظر مشاور مدرسه تعیین می‌گردد.

**** مصاد درسی در سه گروه به شرح زیر است:**

الف - دروس عمومی:

دروسی است که آموختن آنها برای ارتقاء پیش‌بین علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی هر فارغ‌التحصیل دوره متوسطه ضرورت دارد و در تمام شاخه‌های آموزشی متوسطه مشترک می‌باشد. این دروس عبارتند از: قرآن، تعلیمات دینی، ادبیات فارسی، زبان خارجی، عربی، دانش اجتماعی و اقتصاد، جغرافی، فیزیک، آزمایشگاه، شیمی و آزمایشگاه، ریاضی (۱)، تربیت بدنی، آمادگی دفاعی، هنر، برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی.

است بودن تعادل در توزیع دانش‌آموزان بین رشته‌های مختلف (هجوم دانش‌آموزان به سمت رشته‌های نظری) فراوانی مردودین. دانش‌آموزانی که ترک تحصیل کرده‌اند و نیز بیکاری و عدم اشتغال کامل دیپلمه‌های رشته‌های نظری همگی نشانه‌هایی هستند دال بر اینکه راهنمایی صحیح و بس عیبی انجام نگرفته است.

با اضافه شدن شاخه کار دانش به نظام دانش‌آموزی دانش‌آموزان با داشتن اطلاعات صحیح درباره مدارج شغلی و جنبه اندازه‌های بازار کار و تعاس نزدیک با دنیای صنعت، کشاورزی، خدمات و حتی تجارت و نیز انعطاف‌پذیری بسیار زیاد این شاخه تحصیلی، با علاقه و اشتیاق بیشتری تحصیل خواهند نمود.

۴ - هدایت تحصیلی و برنامه درسی فارغ‌التحصیلان دوره راهنمایی تحصیلی، بر اساس علاقه، استعداد و عملکرد آموزشی خود در سال اول متوسطه بطور موقت و غیرقطعی در یکی از شاخه‌های تحصیلی ثبت

– سهم نمرات میان ترم (پرسشهای تدریجی)

۲۵٪ کل نمره (۵ نمره از ۲۰ نمره)

– ارزشیابی در دوره متوسطه نظام جدید بر اساس نظام واحدی و نیمسال است. در این نظام ارزشیابی از دروس بصورت تک درس و مستقل بوده و شرایط قبولی در یک ماده درسی ارتباطی با سایر دروس ندارد.
– نمره انضباط در احتساب معدل هر نیمسال معادل یک واحد درسی منظور می‌گردد.

– چنانچه دانش‌آموزی در یک یا چند درس شرایط قبولی را احراز نکند ملزم است مجدداً درس یا دروس مذکور را در نیمسالهای بعد با رعایت شرایط انتخاب نماید.

– شرط قبولی در هر درس کسب نمره ۱۰ و در دروس علمی نمره ۱۲ است.

– در هر نیمسال چنانچه میانگین نمرات دروس انتخابی دانش‌آموزی کمتر از ۱۰ باشد مشروط شناخته می‌شود و در صورتی که بیش از سه نیمسال مشروط شود حق ادامه تحصیل در دبیرستانهای نوبت اول (روزانه) را ندارند.
– دانش‌آموز مشروط در نیمسال بعدی حق انتخاب بیش از ۱۴ واحد را ندارند.

۵- دوره پیش دانشگاهی

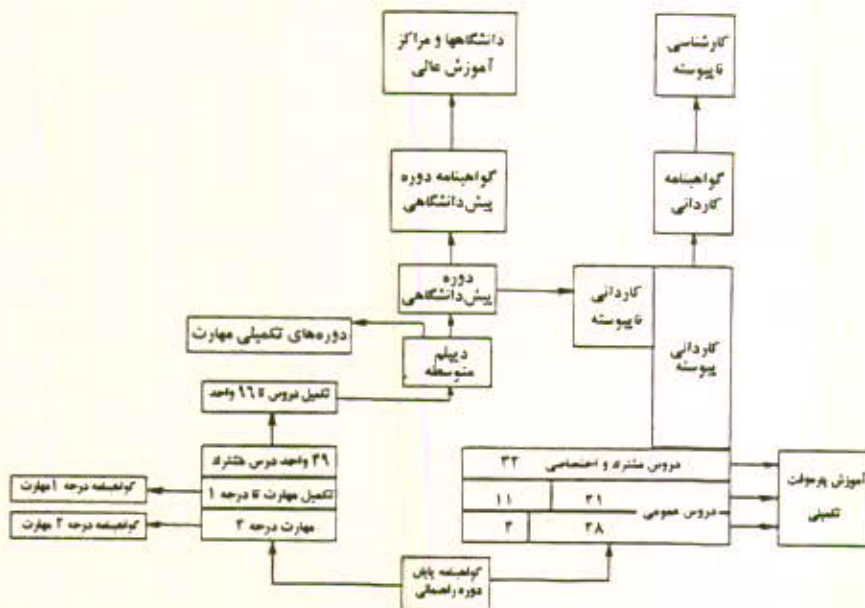
دانش‌آموزانی که دارای یکی از انواع دیپلمهای متوسطه باشند و ضوابط مقرر را دارا باشند در دوره پیش دانشگاهی پذیرفته می‌شوند.

کسانی که حدود ۳۲ واحد دروس پیش دانشگاهی را با موفقیت بگذرانند به اخذ گواهینامه نائل آمده و می‌توانند یکی از چند مسیر زیر را انتخاب کنند:

- ۱- شرکت در آزمون ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برای ادامه تحصیل
- ۲- ادامه تحصیل در دوره‌های کاردانی
- ۳- ادامه تحصیل در گروهی از مراکز آموزش عالی از جمله دانشگاههای غیرانتفاعی حوزه‌های علمیه، دانشگاههای وابسته به نیروهای نظامی و انتفاعی و دوره‌های آموزش عالی وابسته به سایر دستگاههای دولتی

کمیته اجرایی نظام جدید آموزش متوسطه تهران

نوع دار ساختار نظام جدید آموزش متوسطه



سوالات امتحانات نهایی

سوالات امتحانات نهایی درس حرفه و فن خواهران دانش آموزان و داوطلبان آزاد کلاس سوم راهنمایی شهر تهران در خرداد ماه ۱۳۷۱

وقت امتحان: ۶۰ دقیقه
تاریخ امتحان: ۱۳۷۱/۳/۲۷

- ۱۰ - چه پارچه‌هایی برای لباس کودک مناسب است؟
کودک چند درجه می‌بازد؟
۰/۵
- ۱۱ - چرا در رفتار با کودک باید دقت و حوله کافی بکار رود؟ و به چه علت کودک را نباید در برابر دیگران سرزنش کرد؟
۰/۵
- ۱۲ - در تهیه وسایل و تنظیم برنامه بازی کودک به چه نکاتی باید توجه شود؟ (ذکر ۲ مورد)
۰/۵
- ۱۳ - دو نمونه از محصولات شیمیایی که برای افزایش و تولید بیشتر مواد غذایی استفاده می‌شوند را نام ببرید؟
۰/۵
- ۱۴ - در کارخانه قندسازی برای بهتر و بیشتر حل شدن شیره شکرین چغندر در آب چه می‌کنند؟
۰/۵
- ۱۵ - صنایع پتروشیمی جزو کدام دسته از صنایع شیمیایی می‌باشند؟ یک ماده خام نیمه مصنوعی را نام ببرید؟
۰/۵
- ۱۶ - دستگاه تقطیر نفت را چه می‌نامند؟ به چه علت در این دستگاه همراه نفت خام بخار آب نیز وارد می‌کنند؟
۰/۵
- ۱۷ - از قیر در چه کارهایی استفاده می‌شود؟ (۲ مورد)
۰/۵
- ۱۸ - دو نمونه از مواد مهم و فعال دارویی را نام ببرید؟ معمولاً چه گردهایی را به صورت کیسول درمی‌آورند؟
۱

- ۱ - مشخص کنید در هر کدام از مولدهای نامبرده در زیر برق از تبدیل چه انرژی تولید می‌شود؟
۰/۷۵
- الف - باطری خورشیدی ب - بیل ج - ترموکوپل
۲ - جنس سیم از چیست؟ در سیم‌کشی سیم را متناسب با چه عاملی انتخاب می‌کنند؟
۰/۵
- ۳ - ولتاژ استاندارد مصرف صنعتی و نوع ترانسفورماتور مورد نیاز در مرحله توزیع برق را ذکر کنید؟
۰/۵
- ۴ - علت استفاده از لوله‌های نوکار را بنویسید و انواع لوله‌های نوکار را نام ببرید؟
۰/۷۵
- ۵ - بیماری مزمن را تعریف کنید؟
۰/۵
- ۶ - جملات زیر را کامل کنید:
۰/۷۵
- الف - واکنش زدن به کودکان از خدمات..... می‌باشد.
ب - تشخیص بیماریهای عفونی بر عهده..... می‌باشد.
ج - اولین نوبت واکنش سه‌گانه (دیفتیری، گزاز، سیاه‌سرفه) در سن..... انجام می‌شود.
- ۷ - کدامیک از اعمال جراحی باید فوراً انجام شود؟
۰/۲۵
- ۸ - تفاوت فیزیوتراپی و رادیولزی در چیست؟
۰/۵
- ۹ - کودک از چه هنگامی قدرت مکیدن شیر را دارد؟ و از چه سن غذا را تشخیص می‌دهد؟
۰/۵

«موفق باشید»

سوالات امتحانات نهایی

سوالات امتحانات نهایی درس حرفه و فن برادران دانش‌آموزان و داوطلبان آزاد کلاس سوم راهنمایی شهر تهران در خرداد ماه ۱۳۷۱

وقت امتحان: ۶۰ دقیقه

تاریخ امتحان ۱۳۷۱/۳/۲۷

- ۱- مرحله سوم را در موتورهای چهارزمانه نام برده و توضیح دهید. ۱
- ۲- در پوش سیلندر چه نام دارد. و چگونه به بدنه وصل می‌شود. ۰/۵
- ۳- کار پمپ روغن چیست؟ ۰/۵
- ۴- چهار مورد از کارهایی که بوسیله تیلر انجام می‌گیرد نام ببرید. ۱
- ۵- کم و زیاد بودن رطوبت در بسته‌بندی علفه چه تاثیری دارد. ۰/۵
- ۶- جملات زیر را کامل کنید. ۰/۵
- الف - دستگاهی که سایر انرژیها را به انرژی برق تبدیل می‌کند.... می‌نامند.
- ب - برای تولید برق A.C یا متناوب از دستگاهی بنام استفاده می‌شود.
- ۷- علت بالا بردن یا افزایش دادن ولتاژ را در عمل انتقال برق توضیح دهید. ۰/۵
- ۸- دم باریک و فنر سیم‌کشی هریک به چه منظور مورد استفاده قرار می‌گیرند. ۰/۵
- ۹- فاز یا نول بودن سیم را چگونه می‌توان تشخیص داد و چرا معمولاً سیم فاز را به کلید وصل می‌کنند. ۰/۵
- ۱۰- منظور از بیماری مزمن چه می‌باشد. ۰/۵
- ۱۱- دو برنامه اصلی انستیتو پاستور ایران را جهت تأمین بهداشت عمومی بیان کنید. ۰/۵
- ۱۲- دامپزشک از چه طریقی به حفظ بهداشت و سلامت انسانها کمک می‌کند. ۰/۵
- ۱۳- علت استفاده از عایقهای رطوبتی در ساختمانهای جدید را بنویسید. ۰/۵
- ۱۴- صنایع شیمیایی را تعریف کنید. ۰/۵
- ۱۵- مواد خام مصنوعی به چند گروه تقسیم می‌شوند نام ببرید. ۰/۵
- ۱۶- علت کم شدن تولید و مصرف نفت سفید نسبت به زمان قدیم را بنویسید. ۰/۲۵
- ۱۷- مواد اولیه پمادها را نام ببرید. ۰/۷۵
- ۱۸- هدف آزمایشگاههای تحقیقاتی در کارخانههای بزرگ شیمیایی چیست. ۰/۵
- موفق باشید.

سخنرانی آقای دکتر حداد عادل



اهمیت هنر در تعلیم و تربیت

متن زیر در مورد جایگاه و منزلت درس هنر در نظام آموزشی است که توسط آقای دکتر حداد عادل ریاست محترم سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در جمع دبیران هنر دوره راهنمایی ایراد شده است.

سخن بسیار نو است و پیراز سازگی و طراوت، دید عرفانی، فلسفی و هنری ایشان، طرحی نو در مورد هنر را ارائه کرده است. در جهان هستی همه چیز زیباست و با قاعده، با این نگاه سبزه نورسته لب جوی همانقدر زیباست که لاله وحشی.

مثل شندر چه کم از لاله قزو دارد.

زیبایی جزو ماهیت هر چیزی است و نه چیزی عاریتی و افزون بر آن. ساده و صورت دو چیزی نیستند که در عالم واقع بتوانید آنها را از یکدیگر جدا کنید. باید مقاله را با دقت خواند. فهمید و لذت برد. سخن گفتن در مورد آن بهبودگی است.

بسم الله الرحمن الرحيم - من از همکاران دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سپاسگزاری می‌کنم که فرصتی در اختیار من گذاشتند تا در این سلسله سخنرانیها - که برای معلمان هنر ایراد می‌شود - بنده صحبتی هم داشته باشم. همان طور که از عنوان این صحبت پیداست، بنده می‌خواهم مطالبی کلاً در باب آموزش هنر عرض کنم و قصد ورود در بحث آموزش هنر به معنای رشته‌های خاص آن را ندارم که کار من نبوده و از عهده من ساخته نیست؛ بلکه بیشتر در پی آن هستم که تا اندازه‌ای جایگاه و منزلت درس هنر در نظام آموزشی و در مجموعه درسه‌ها بیان بشود. به عنوان مقدمه، توضیحی عرض می‌کنم در باب جایگاه زیبایی که موضوع و مطلوب هنر در

زندگی است و این که وقتی زندگی از زیبایی بهره‌مند باشد با زندگی که خالی از زیبایی باشد چه قدر تفاوت دارد و ما از طریق درس هنر چگونه می‌توانیم زندگی را برای نسل آینده زیباتر و پرمعنی‌تر و لطیفتر جلوه بدهیم.

هر کدام از ما این احساس را تجربه کرده‌ایم که وقتی به یک گل زیبا نظر می‌کنیم، چه مقدار احساس آرامش و احساس لذت می‌کنیم و من تصدیق می‌کنم که کلمه آسایش و آرامش و لذت هیچ کدام برای بیان آن رضایت خاطر که از مواجهه با یک اثر هنری در ما حاصل می‌شود، کافی نیست. من هنوز دنبال یک لفظی می‌گردم که بیان‌کننده آن حالت مطلوبی باشد که هنگام برخورد با یک امر زیبا در ما ایجاد می‌شود، ولی اگر لفظ مناسب هم پیدا نشود، باز هم آن احساس نزد همه معروف است؛ یعنی همه می‌شناسند که ما وقتی با یک نقاشی زیبا مواجه می‌شویم، یک صوت زیبا را می‌شنویم، یک کار هنری، یک اثر هنری زیبا را می‌بینیم، آن حالت را جز به بهترین حالات زندگی خودمان می‌دانیم و شما فکر کنید که اگر کسی از این نعمت و این لذت بی‌بهره باشد، زندگی او چه صورتی خواهد داشت و چه چیزی می‌تواند جانشین این رضایت خاطر بشود، مثلاً فرض کنید کسی را که رفاه مادی و ثروت فوق‌العاده و امکانات زیاد داشته باشد، اما در این دنیا امور لطیف و زیبا را درک نکند و اگر از ما بپرسند که آیا شما حاضرید که ذوق زیبایی‌شناسی و لذت بردن از امور زیبا را از دست بدهید و در مقابل ثروت و دارایی بسیار، بپذیرید؟

آیا ما حاضریم اینها را با هم عوض بکنیم و این سرمایه را از دست داده آن سرمایه را بگیریم. این نکته در واقع از این جهت در آغاز این صحبت مطرح می‌شود که ما باید خودمان

توجه بکنیم و دانش‌آموزان را هم به اینکه همه خوشی زندگی، در قالب امور محسوس و ملموس و مادی و رفاه ظاهری نیست. در زندگی یک حالات خوشی معنوی درونی انسانی هست که در قالب اشیا و داشتن مال و ثروت و این جور چیزها خلاصه نمی‌شود و اگر آن حالتها برای انسان حاصل بشود و بتواند به رضایت خاطر که از این طریق حاصل می‌شود، دست پیدا بکند چه بسا که دیگر همه هم و غم خودش را در جهت تأمین مال و ثروت قرار ندهد. این در واقع یک امر متعالی است و از همینجاست که ما می‌توانیم دانش‌آموزان را متوجه یک ذخیره دیگری هم بکنیم که در این زندگی برایشان قابل حصول است؛ منتهی این کار، یک تربیتی می‌خواهد، یک ورزشی می‌خواهد، یک تمرینی می‌خواهد و اگر ما بتوانیم از طریق درس هنر به نسل آینده این توانایی و مهارت را بدهیم که در نگاه کردن به دنیا بتوانند زیباییها را ببینند و تشخیص دهند، مثل این است که ما یک عینکی به کسی اعطا کرده باشیم که وقتی آن عینک را به چشم خود می‌زند، یک چیزهایی را می‌بیند که بدون آن عینک نمی‌دید. شما، به طور مثال دنیای قبل از اختراع میکروسکوپ و دنیای بعد از اختراع میکروسکوپ را در نظر بگیرید. وقتی میکروسکوپ اختراع شد، هر کسی که این دستگاه را در اختیار داشت می‌توانست موجودات ریز ذره‌بینی، باکتری یا میکروب با هر چیز دیگری را ببیند، اما کسی که آن دستگاه را نداشت نمی‌توانست آنها را، ببیند، برای آدمی که می‌تواند چیزهای خاصی را ببیند و روابط آنها را کشف بکند و آنها را پیگیری بکند، دنیا یک دنیای دیگری می‌شود. اگر ما این چشم زیبایی‌شناس و زیبایی‌یاب را به نسل آینده اعطا بکنیم و این

مهارت را در آنها پرورش بدهیم که در همین دنیایی که همه به آن نگاه می‌کنند زیباییها را تشخیص بدهند، در واقع یک کلیدی به دست این نسل داده‌ایم که خیلی از درها را با آن باز می‌کند که اگر این کلید را نداشت، آن درها به رویش بسته می‌ماند. ما یک سرمایه و ذخیره عظیمی را در اختیار او می‌گذاریم که شاید در تمام طول عمر حاضر نباشد این نعمتی را که به دستش افتاده و این سرتی را که برایش مکشوف شده است، با چیز دیگری عوض بکند. در واقع در درس هنر غیر از این که بخواهیم یک موضوع خاص یا یک شیوه هنری مثل نقاشی یا خط را بیاموزیم، باید همت ما این باشد که به دانش‌آموز بگوییم تو در عمر آینده خودت عادت کن از کنار چیزهای زیبا، بی‌اعتنا نگذری. باید این حساسیت را نسبت به زشتی و زیبایی در او ایجاد کنیم؛ البته وقتی که نسبت به زشتی حساسیت پیدا کرد، به زیبایی نیز حساسیت پیدا کرده است و به عکس. یکی دو تا مثال بزنم، فرض بفرمایید دیوان حافظ را که در اختیار همه مردم هست، اما همه مردم آن ورزشی و حساسیت لازم را برای لذت بردن از این دیوان ندارند، اما اگر یک کسی در جوانی کلید درک زیباییهای شعر حافظ را به دست بیاورد، یک عمر منبعی را برای کسب رضایت خاطر، تأمین لذت و آرامش و اطمینان و بهجت روحی، پیدا کرده، بدون این که بخواهد این مقدار لذت را از طریق مثلاً تلاش شبانه‌روزی برای پول یا ثروت بیشتر تأمین بکند؛ یعنی شما برایگان از یک مخزن زیبایی دری را به روی او باز کرده‌اید که هیچ وقت کسی نمی‌تواند آن در را به روی او ببندد، وقتی که شما برده از روی ظاهر دیوان حافظ به کنار بزنید و او را وارد این عالم بکنید، به او این امکان را داده‌اید که

از این غزلیات لذت برد، همین‌طور مثلاً غزل سعدی یا غزلیات مولانا در دیوان شمس که خوب پس یک رشته هنر است در گلاب، ولی حتی اگر کسی ذوق و ذهن زیبایی‌شناسی داشته باشد، می‌تواند از خیلی چیزهایی که واقعا برای همه مرده دور ریختنی است، لذت هنری برد. مثال ساده‌ی می‌زنم، من دیده‌ام کسانی را که وقتی یک برنقالی را پوست می‌کنند، پس پوست برنقال برایشان منبع زیبایی است؛ یعنی همین حشمت‌هایی که در روی این پوست وجود دارد و هر کدام از آنها مقداری عطر و عصاره خاص را در خودش ذخیره کرده است و از ترکیب آنها یک بوئشی برای روی این میوه درست شد. و این که این بوئش به چه کیفیتی آن میوه را حفظ می‌کند تعائشای این پوست برنقالی که برای همه دور انداختنی است، برای یک چشم شریبت شده و برای یک ذهن زیبایی‌شناس می‌تواند تأمل برانگیز و در واقع موجب رضایت خاطر باشد. حتی یک عنقی که گذر جویبار سبز شده است نه مثلاً یکی شاخه گلی که صدها تومان قیمت آن باشد و یک برگ ساده می‌تواند یک اساسی را که این ذوق را پیدا کرده است ساعتها به خودش مشغول بکند. من دیده‌ام کسانی را که در همان باغچه منزلشان، در یک باغچه معمولی می‌توانند مدتها خودشان را با گلهای ساده، با یک برگ گل، با یک جوانه لطفی که دارد باز می‌شود مشغول کند و در آنها تأمل کنند. چیزی که جلوی چشم همه هست و همه بسادگی از کنارش عبور می‌کنند. مثلاً اگر کسی که با زیباییهای ستارگان آسمان آشنا باشد، اگر در یک بیابانی هم باشد که هیچ چیز در دسترس نداشته باشد، لااقل هر شب یک بار می‌تواند با این سقف نیلگون جواهر نشان که در سیرش گسترده می‌شود و با این ستاره‌ها راز و نیاز

هنری بکند و راسطه هنری بسرقرار سازد. خلاصه در این قسمت آن بحث غرض من این است که در دنیا زیبایی بسیار است. اما کاری که معلم هنر باید بکند، بسجده حساسیت در دانش آموز است و بجای این مهارت که چشم بین دانش آموزان با چشم دیگران تفاوت بکند و در هر چیزی دنبال جنبه زیبای آن باشد و بتواند آن را استخراج بکند. گویی یک نور برای صبه زیبایی در اختیار دارد که دیگران ندارند و نمی‌تواند از این دربه ماهبهای زیبایی را صید کند. ماهی در دریا هست، ولی آن نور در اختیار آنها نیست. این نور شکار زیبایی را، شعاعی کنید به دانش آموزان خودتان بدهید و این در واقع اگر شما دانش آموزان خودتان را این‌طور تربیت کنید یک ثروت بی حساب است. یک ارزش فوق العاده است، یک آرامش ماده العمر است.

مطلب دیگری که می‌خواهم عرض بکنم، این است که ما باید بدانیم و به دانش آموزان خودمان هم تفهیم کنیم که زیبایی که عرضه میدان هنر است، چیزی نیست که در عرض بقیه چیزها و در ردیف بقیه اشیاء و بیرون از اشیاء یک مقوله خاص خودش باشد؛ بلکه ما در زندگی در هر کاری که می‌کنیم، آن کار می‌تواند زیبا باشد یا می‌تواند زشت باشد؛ یعنی، زیبایی در واقع در حال همه اشیاء است و با همه اشیاء می‌تواند همراه باشد و اینطور نیست که یک وقت میزی داشته باشیم که این میز، فقط میز باشد، بعد اگر میز زیبایی داشته باشیم بگوئیم آن میز باشد به اضافه یک چیز دیگری که آن زیبایی است؛ مثل این که دو چیز را به یکدیگر ضمیمه کرده باشیم و بگوئیم این زیبایی و این هم میز. ماده و صورت دو چیزی نیستند که در عالم واقع شما بتوانید آنها را از یکدیگر جدا کنید، مثلاً بگوئید چون هر شنی و

زیبایی همراه با اشیاء است.
درست به همان نکلی که صورت
همراه با ماده است.



هر جسمی مرکب از ماده و صورت است. من می‌توانم ماده‌اش را جدا بکنم و بگویم این ماده‌اش و این صورتش: نه، شما هیچ وقت ماده بی‌صورت ندارید؛ یعنی یک تکه چوبی به صورت هیزم هم که باشد، بالاخره صورت هیزمی دارد. اگر این چوب هیزم را بردارید و به صورت یک میزی در بیاورید، باز ماده چوب است، اما این بار صورت هیزمی از آن گرفته شده و صورت میز به آن داده شده است. به هر حال هیچ وقت شما ماده‌ای ندارید که مطلقاً هیچ صورتی نداشته باشد و در عالم ماده؛ یعنی، در عالم طبیعت هیچ وقت صورتی ندارید که هیچ ماده‌ای همراه آن نباشد. شما هر وقت هر چه می‌بینید، ماده و صورت را با هم می‌بینید؛ منتهی آن که معقولش می‌کند، صورت آن است. مثلاً اگر بگویید این میز، میز است، میز بودن آن به اعتبار چوب بودنش نیست؛ بلکه به اعتبار صورت میز است؛ چون همین مقدار چوب قبلاً هم که به صورت یک کُنده درخت بود ماده‌اش همین بود، اما آن موقع به این نمی‌گفتید میز و حالا که می‌گویید «میز» به اعتبار این است که صورت میزی پیدا کرده است که می‌گویند: اگر یک چیزی برای خودش یک چیز خاصی است، به اعتبار آن صورتی است که دارد، نه به اعتبار ماده‌ای که دارد.

این بحث صورت و ماده را از آن جهت مطرح کردم که شما بدانید که یک چیزهایی هست که در ذهن ما از همدیگر جدا می‌شود، ولی در عالم خارج از ذهن و در عالم واقع، خود ذهن ما تصدیق می‌کند که اینها از همدیگر جدا نیست؛ مثل ماده و صورت.

عرض بنده این است که زیبایی همراه با اشیاء است، درست به همان شکلی که صورت همراه با ماده است؛ به طور مثال وقتی شما یک خط زیبا می‌نویسید تفاوتش با یک خط زشت

در این نیست که این خط یک مطلب اضافه‌ای در مطلب و ماده‌اش دارد که آن زیبایی را می‌رساند. هر دو خط می‌تواند یک مطلب را بگوید اما یک نحو آرایشی و یک نحو به تناسب ابعادی، در کنار همدیگر قرار گرفته است که این زیبایی را القاء می‌کند حالا منظور من این است که ما نباید این تشریفات را داشته‌باشیم که در هر کاری که می‌کنیم، فکر کنیم آن کار اگر بخواد هنری باشد، چه جور می‌شود؛ یعنی این هنر فقط برای این نیست که مادر یک ساعت معینی در هفته کار هنری بکنیم و فقط در آن ساعت حواسمان را جمع کنیم، برای این که مثلاً به زیبایی توجه بکنیم و بعد این کلاس هنر که تمام شد و خوب حالا که کلاس هنر نیست، پس دیگر هیچ رابطه‌ای با هنر نداریم. این مسأله مثل دینداری است، مثلاً اگر در هفته ما دو ساعت یا سه ساعت در مدرسه درس دینی داریم، آیا معنایش این است که فقط باید در همان دو، سه ساعت متدین بود و بعدش اگر کسی از خدا و دین صحبت کرد، بگوییم حالا که ساعت دینی نیست؛ آن یک ساعت معینی بود، که تمام شد.

این آموزش هنر هم برای این است که ما یک کاری بکنیم که در تمام زندگی در هر کاری که فرد می‌کند، حالت هنری پیدا بکند. بنده گاهی می‌بینم که در یک مؤسسه آموزشی یا اداره یک مطلبی را آگهی کرده‌اند؛ فرض بفرمایید اسامی ده نفر را اعلام کرده‌اند که برای یک کاری مراجعه بکنند. شما نگاه می‌کنید می‌بینید خط زیر این اسمها را کج کشیده‌اند. ما می‌خواهیم که یک آموزشی داده بشود تا یک ورزشی که پیدا بشود که وقتی یک کسی می‌خواهد حتی یک آگهی ساده منتشر کنند؛ کاری بکنند که لطیف باشد و یک نوع درک و شعور هنری در آن مشاهده شود. پس در واقع اعمال زیبایی در

همه شئون زندگی مصداق دارد. مثلاً وقتی یک نفر می‌خواهد برای جمعی صحبت کند، این فرد هم می‌تواند هنری صحبت بکند و هم می‌تواند غیرهنری یا ضد آن صحبت بکند. علت این که ما از صحبت کردن یکی خوشمان می‌آید و از صحبت کردن دیگری حوصله‌مان سر می‌رود، در چیست؟

این است که یکی متوجه هست که در این صحبت کردن رعایت زیبایی را بکند. یا یک کسی که می‌خواهد بنویسد، یک وقت ممکن است آن را زُمخت و خالی از لطف بنویسد، و یک وقت ممکن است همان نوشته ساده را با ذوق و زیبایی و لطافت همراه بکند. یا فرض بفرمایید کسی را که می‌خواهد خودش دو تا صندلی یک کمد و چیزهای ساده دیگر را بچیند، اگر که لطف و ذوق داشته باشد، اینها را به یک نحو ساده ولی زیبا کنار هم می‌گذارد. یک نقاشی ساده، یک سرگ خشک، یک چیزی از بیرون پیدا می‌کند و در اتاق می‌گذارد. من یک کسی را دیدم که از همین برگهای ساده چنار که هر پاییز هزاران هزار آن زیر دست و پا ریخته و همه آن را لگدمال می‌کنند و کسی اعتنا نمی‌کند، انتخاب کرده و در اتاق خودش با پنج تا سنجاق کنار همدیگر گذاشته بود و یک عکس گل سرخ را هم وسط این پنجه‌های خشک شده چنار قرار داده بود؛ به طوری که هر کسی نگاه می‌کرد می‌دید که بهار در حمله و هجوم و محاصره پاییز قرار گرفته است. تابلو گران قیمت نبود و همین چیزی بود که همه از کنار آن رد می‌شوند، ولی وقتی حساسیت باشد و زیبایی ارزش باشد، چه قدر زندگی تفاوت می‌کند. حتی لباس پوشیدن یا آرایش ظاهر هم می‌تواند به نحوی هنری و زیبا باشد البته با رعایت جهات دیگر - و می‌تواند هم نباشد. غرض من از نکته دوم این

است که ما باید بیاموزیم که هنر فقط برای یک کلاس خاصی نیست، بلکه باید انسان در تعام شئون زندگی و در هر کاری که می‌کند مراعات ذوق و لطف و زیبایی را بکند و حساسیت داشته باشد و به این ترتیب است که اگر یک نسلی این گونه تربیت بشود می‌تواند چهره یک جامعه را عوض کند.

مطلب دیگری که می‌خواهم عرض بکنم این است که انسان به طور کلی به هنر احتیاج دارد و این احساس ذوق و زیبایی شناسی در وجود بشر هست، حالا بنده نمی‌خواهم بحث را از مسائل آموزشی دور بکنم، ولی اجمالاً اشاره می‌کنم به این نکته که ما بر طبق اعتقادات اسلامی و عرفان اسلامی خودمان، معتقد هستیم که اصل هر هنسی از خداست و بازگشت آن نیز به خداست.

هر خوبی و هر خیر و هر وجودی که هست، از این چشمه می‌جوشد و هر چیزی که بازگشت آن به وجود باشد؛ یعنی، مربوط به وجود بشود، به خدا مربوط می‌شود ما زیبایی را هم یک امر وجودی و یک امر حقیقی می‌دانیم و معتقد هستیم که زیبایی هم مخلوق خداوند است، و ما معتقدیم انسان جانشین خداست در روزی زمین؛ یعنی، آن اسماء و صفاتی که خداوند دارد، در انسان هم آن اسماء و صفات «یک ما به ازایی» و یک نظیری دارد؛ یعنی، اگر خداوند حکیم است و کل این عالم را از روی حکمت آفریده است و عالم عرصه حکمت اوست، انسان هم قدرت حکمت، قدرت درک حکمت و قدرت اعمال حکمت را دارد و همین طور اگر خدا علیم است، انسان هم می‌تواند علم پیدا بکند.

در باب زیبایی هم همینطور است! اگر خدا جمیل است و در واقع منشأ همه زیباییها اوست، پس انسان هم که خلیفه خداست، این

صفت را دارد و این اسم را آموخته است. در آیه ۳۲ سوره بقره وقتی می‌خوانیم «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» همین بحث است که خداوند وقتی آدم را خلق کرد آن نمونه اصلی را که در واقع همه من و شما باید او بشویم، خلق کرد، همه اسماء را هم به او آموخت، حتی ملائکه را خواست و گفت که شما بگردید این اسماء چیست؟ گفتند آن چیزی را که تو به ما یاد دادی، می‌دانیم و چیزی را که از تو فراموش نگرفتیم، نمی‌دانیم؛ آن وقت خداوند به آدم فرمود:

«حالا تو یادشان بسده» و انسان هم به فرشتگان یاد داد، از آنجا که همه اسماء را خداوند به آدم آموخت؛ انسان هم شایستگی خلافت پیدا کرده است. این درک زیبایی که انسان دارد، از آن جهت است که خداوند انسان را بر صورت خویش آفریده است و انسان نسخه‌ای است از صورت الهی.

این یک مطلب اساسی است در جهان بینی اسلامی ما. نیاز به زیبایی و ذوق و حس زیبایی شناسی در همه هست و در هیچ کس نیست که به کلی از این احساس خالی باشد و وظیفه ما این است؛ همان طور که می‌خواهیم دانش آموزان را با آموختن دانش عالم بکنیم، همان طور هم باید با آموختن هنر و زیبایی این جنبه از وجود انسان را در آنها پرورش بدهیم. غرض من این است که کسی که به پرورش ذوق و زیبایی هنر در یک دانش آموز توجه نمی‌کند و فقط تکیه و تأکیدش را به مسائل علمی و دانشی محض معطوف می‌کند، یک جنبه از وجود او را ناقص باقی می‌گذارد؛ یعنی به انسان ظلم می‌کند برای این که انسان بعا هو انسان ظرفیت زیبایی شناسی و حساسیت نسبت به زیبایی را دارد و اگر در آموزش هنر و پرورش هنری کوتاهی بکنیم، شخصیت‌های

نامتعادل تربیت کرده‌ایم. ما باید با پاس جنبه هنر و رعایت آن به اعتدال شخصیت دانش آموز کمک بکنیم. در پایان این قسمت این مطلب را هم اضافه بکنم که ما معنی محبت را می‌دانیم. محبت می‌تواند بر رابطه ما و سایر افراد بشر حاکم باشد. بنده استنباط و احساس شخصی خودم این است که دید هنری داشتن و درک زیبایی در عالم به معنی این است که ما بتوانیم نسبت به اشیاء عالم محبت داشته باشیم؛ یعنی دید هنری داشتن، گسترش رابطه محبت آمیز است به خارج از دایره روابط افراد و به همه اشیاء جهان است یعنی آدمی که دید هنری دارد، یک گل را هم دوستش دارد، همان طور که یک انسان را می‌تواند دوست داشته باشد. این وسعت بخشیدن به دایره محبت است؛ این استشمام عطر محبت است از هر سنگ و جوی که می‌بیند. ظاهراً سعدی است که می‌گوید: محقق که این جا منظورش همان هنرشناس است

«محقق همان بیند اندر آیل که در خوب رویان چین و جگل»

که خیلی چیزهای عادی که از نظر دیگران هم زیبا نیست، او آن را زیبا می‌بیند و این زیبایی را درک می‌کند و به آن محبت می‌ورزد که در این شعر سعدی:

«به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست» عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست»

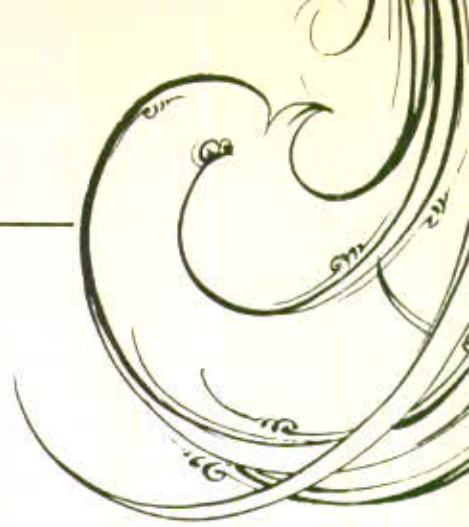
طبیعی است که این جور به هر چیزی که نگاه بکند. یا آن دو بینی با باطاهر که:

«به دریا بنگرم دریا تو بینم»

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم»

به هر جا بنگرم، کوه و در و دست

نشان از قامت رعنا تو بینم»



ریاضی یا به درس علوم تجربی، یک خدمتی کرده‌اند؛ در حالی که اینها با این کارشان سبب شده‌اند که یک کسی ناقص بار بیاید؛ یعنی این هنر نیست که شما یک کسی را مثلاً مهندس خوبی تربیت بکنید؛ ولی او را برای یک عمر از سرچشمه سرشار جاودانه ادراک لذت زیبایی عالم محروم بکنید. شما ظلم بیشتری به او کرده‌اید. ای کاش که این دومی را می‌دادید و آن اولی را نمی‌دادید. او آرامش، اطمینان و طمأنینه قلب بیشتری می‌توانست پیدا بکند تا این که یک روحیه خشن خالی از لطفی در او ایجاد بکنید؛ یک کسی که به قول آن نویسنده هیچ نم‌اشکی چشمانش را تر نکرده باشد در همه عمر هیچ لذتی از این زیباییهای عالم نبرده باشد و شما دل‌تان را خوش بکنید به این که دارید تربیت می‌کنید. بلکه ممکن است به پول برسد، ولی معلوم نیست به آرامش و آن آسایش معنوی برسد.

در واقع کار هنری به دانش‌آموز امکان می‌دهد که از استعدادی که دارد، بهره‌مند شود. شاید توجه کرده باشید که بالاخره همه دانش‌آموزان در ریاضی و علوم تجربی سرآمد نیستند ما بخصوص باید به دانش‌آموزانی که در این مسابقه علوم و ریاضی نمی‌توانند پیشتاز باشند، اجازه بدهیم که در یک سمت و سوی دیگری خودشان را نشان بدهند. اگر دانش‌آموزی می‌تواند نقاشی خوبی بکشد، رنگ‌آمیزی خوبی می‌تواند بکند. یک بیان ادبی هنرمندانه‌ای می‌تواند داشته باشد، ما باید فضا را باز بکنیم که این اعتماد به نفس که در یک جایی از او گرفته شده است، در جای دیگری به او باز گردانده بشود و متأسفانه من اقرار می‌کنم و تصدیق می‌کنم که این حساسیت در خیلی از مدرسه‌های ما نیست و ما توجه نمی‌کنیم که خداوند همه استعدادها را به همه

همین است که به همه چیز احساس محبت می‌کند و همه چیز را زیبا می‌بیند؛ یعنی زیبایی هر چیزی را می‌بیند. آن عینکی را به چشم زده که زیبایی هر چیزی را ببیند؛ یعنی جنبه‌ای از اسماء الهی که به او آموخته شده بود برای زیبایی یافتن، آن جنبه پرورش پیدا کرده است. بنده اعتقاد دارم که هنر باعث اعتدال در آموزش می‌شود ولی در تمام این درسهایی که داریم، دانش‌آموزان با فرمول یا محفوظات یا یک سری اطلاعات خشک مواجه هستند و این امر برای آنها سنگین است و چه قدر ظلم می‌کنند آن مدرسه‌هایی که این یک ساعت یا دو ساعت درس هنر را هم از این طفلک‌های معصوم دریغ می‌کنند؛ یعنی به یک بچه‌ای که ۳۰ ساعت در هفته همه‌اش مخاطب بوده و مرتب پای تخته مورد سرزنش بوده و باید برای حل مسئله ریاضی یا درک روابط منطقی یا به کار بردن حافظه ذهنش را به کار بیندازد، چرا اجازه نمی‌دهند که در یکی دو ساعت هفته هم بعد دیگری از وجود خودش را ابراز بکند؛ ذوقش را بیان بکند؛ دستش را به حرکت بیندازد، یک اثر زیبایی خلق بکند و از یک اثر زیبایی لذت ببرد. مثل این که یک اتاق هیچ درجه‌ای به بیرون نداشته باشد. درس هنر یک پنجره‌ای است به سوی یک نسیم به سوی یک نور، یک چشم‌انداز باز، چرا این چشم‌انداز را می‌گیرند؛ چرا این درجه را می‌بندند و این چه اشتباهی است که بعضی از مدیران یا معلمان می‌کنند که تصور می‌کنند اگر این یکی دو ساعت درس هنر را هم بگیرند و بدهند به درس

ما باید پیاموزیم که هنر فقط برای یک کلاس خاص نیست، بلکه باید انسان در تمام نشون زندگی و در هر کاری که می‌کند مراعات ذوق و لطف و زیبایی را بکند.

اگر خدا جمیل است و در واقع منشأ همه زیبایی‌ها اوست، پس انسان هم که خلیفه خداست، این صفت را دارد و این اسم را آموخته است.

این درک زیبایی که انسان دارد، از آن جهت است که خداوند انسان را بر صورت خویش آفریده است و انسان نسخه‌ای است از صورت الهی.

دید هنری داشتن، گسترش رابطه محبت‌آمیز است به خارج از دایره روابط افراد و به همه اشیاء جهان

کار هنری به دانش‌آموز امکان می‌دهد که از استعدادی که دارد، بهره‌مند شود.

... و این چه اشتباهی است که بعضی از مدیران یا معلمان می‌کنند که تصور می‌کنند اگر این یکی دو ساعت درس هنر را هم بگیرند و بدهند به درس ریاضی یا به درس علوم تجربی، یک خدمتی کرده‌اند؛ درحالی که اینها با این کارشان سبب شده‌اند که یک کسی ناقص بار بیاید.



باید به همه اسماء خداوند به یک چشم نگاه بکنیم و به هر کسی اجازه و امکان بدهیم که آن اسم الهی که در وجود او بر سایر اسماء غلبه دارد و استعداد خاص او را تشکیل داده است، خودش را نشان بدهد.

از آن جهت که هنر عرصه تخیل است و پرورش قوه خیال، برای خیلی از فعالیتهای علمی ضروری است.

داده، منتهی نه به یک اندازه. به یک کسی استعداد درک روابط منطقی این عالم را داده است که در واقع مصدق سه علیه خداوند است؛ به یک فرد دیگری هم استعداد درک زیباییهای عالم را داده که و مصدق سه جمیل خداوند است. وقتی به دانشموزان نگاه می‌کنیم، باید به همه اسماء خداوند به یک چشم نگاه بکنیم و به هر کسی اجازه و امکان بدهیم که آن اسم الهی که در وجود او بر سایر اسماء غلبه دارد و استعداد خاص او را تشکیل داده است، خودش را نشان بدهد. و هنر این طور هم نیست که فقط یک چیزی باشند در مقابل علم و دانش؛ بلکه تعریف هنری می‌تواند به پرورش علمی هم کمک بکند. از آن جهت که هنر عرصه تخیل است و پرورش قوه خیال، برای خیلی از فعالیتهای علمی ضروری است. شما ریاضیات را ببینید، ریاضیات دیوار به دیوار شعر است؛ یعنی همان طور که شاعر تخیل می‌کند و یک چیزی را که اصلاً وجود ندارد، با قوه خیال در ذهن خودش و در ذهن دیگران مجسم می‌کند، ریاضیدان هم همین کار را می‌کند. شعری یاد آمد که مطلع غزلی از یکی از شاعران معاصر است: ببینید باران را چه قدر قشنگ توصیف می‌کند، می‌گوید:

«باران گرفت نیزیه و عزم مصاف کرد» (مصاف به معنی جنگ است این باران وقتی که می‌آید، مثل نیزیه‌ای است که فرود می‌آید. باران گرفت نیزیه و عزم مصاف کرد آتش نشست و خنجر خود را غلاف کرد در بیت دوم می‌گوید: گویی که آسمان سر نطقی فصیح دانست بسارعد سرفه‌های گران سینه صاف کرد شما در نظر بگیرید که یک کسی می‌خواهد صحبت کند، یک چند تا سرفه محکم می‌کند که حالا نطق فصیح بکند. این آسمان هم قبل از این که شروع به بارش بکند، یا آن رعد و برقی که می‌کند در واقع سینه صاف کرده برای بارش. ببینید این عناصر هیچ کدام واقعیت ندارد، اما قوه خیال شاعر نیزیه را داده دست قطره باران و خنجر را داده دست آتش. آتش در این مصاف یا باران شکست خورده؛ فرو نشسته و خنجر خودش را غلاف کرده است. آسمان در واقع سرفه کرده و سینه صاف کرده برای این که متلاً نطق فصیح بکند. و خوب این قوه تخیل خیلی شبیه به آن قوه تخیلی است که ریاضیدانها دارند. مثلاً در هندسه فضایی اصلاً اگر قوه تخیل نداشته باشید نمی‌توانید بفهمید که این شکلی که حالا دارید صورت آن را

می‌خوانید چه چیزی است تا بتوانید مسأله را حل بکنید و در جبر و در خیلی چیزهای دیگر هم همین طور. و معروف است که به یکی از ریاضیدانان بزرگ معاصر ظاهراً استاد آموزش ریاضی یولیا، گفته‌اند که شنیده‌ای فلان شاگرد تو رفت شاعر شد؟ گفته: شاعر شد؟ گفته‌اند: بله. گفته: من می‌دانستم از آن که قوه تخیل او این قدر قوی است که ریاضیدان بشود. یعنی می‌خواسته بگوید که بگردد که داشت و به همین جهت رفت شاعر شد و می‌خواسته بگوید که تخیلی که برای ریاضیات لازم است، بالاتر از آن تخیلی است که برای شعر هم لازم است و اصلاً این قوه تخیل برای علوم هم به کار می‌آید. و هنرمندان وسیعی است برای پرورش قوه تخیل.

من یک اشاره‌ای هم می‌کنم به مطلبی که به نظر من فرعی است و تأکید هم می‌کنم بر فرعی بودن آن که مبادا در ذهن شما اصلی جنوه‌گر بکند و آن این که هنر تشفی بیماری هم هست. هنر درمان هم هست. هنر یک وسیله‌ای برای تشخیص بیماری هم هست. البته ظن نمی‌کنم به هنر که بگوید هنر فقط برای درمان بیماری است. نه، اصلاً بیماری‌ای بالاتر از این نیست که کسی هنر را تفهمد؛ یعنی هنر برای این نیست که بیماری را از بین ببرد، هنر خودش یک اعتلاء در سلامتی است، اما واقعاً خیلی از مشکلات روحی و روانی دانشموزان را از طریق کار هنری آنها هم می‌شود تشخیص داد و

هم می‌شود درمان کرد.

این بر همه شما آشکار است که هنر برخلاف علم متنوع است و نوع آن هم به عدد هنرمندان است؛ یعنی اگر شما یک کوزه ساده را بگذارید مقابل ده تا نقاش، اثر هیچ‌کدام از اینها بر کوزه منطبق نخواهد بود و هر کدام از اینها یک به اصطلاح حالتی از حالات آن نقاش را در خودشان منعکس می‌کنند؛ یعنی هنرمند ولو رئالیست‌ترین هنرمندان نمی‌تواند جلوی وجود و حضور و انعکاس خویش را در اثر هنری خود بگیرد.

انسان همیشه خودش را در اثر هنری خودش متکشف و ظاهر می‌کند. برای این که هنر از درون شخصیت و عمق وجود انسان می‌جوشد و به همین جهت هنر متنوع هم هست هر کسی یک سبکی دارد، یک سازی برای خودش می‌زند؛ هر زخمه‌ای یک سوزی دارد، برای این که این مخصوص اوست و نمی‌شود این را با دیگری عوض کرد. غیر از علم است؛ غیر از تکنولوژی است، زیرا یک ماشین ممکن است مثلاً ده هزار تا محصول بیرون بدهد همه شکل همدیگر، اما یک انسان حتی در حالات مختلف اثر هنری مختلفی ایجاد می‌کند؛ شاید یک خوشنویس در وقتی که حال خوشی داشته باشد، خط بهتری بنویسد تا وقتی که یک افسردگی داشته باشد؛ بعضی از هنرمندان هستند که در هر حالی به خلق اثر هنری اقدام نمی‌کنند؛ برای این که می‌دانند چه بخواهند و چه نخواهند این حال درونی اثر می‌گذارد. این تنوعی که در هنر است و این خصلت انسانی که در هنر است؛ به رغم علم که عمومیت و کلیت دارد، اجازه می‌دهد که اگر یک اشکالی هم در روان و ذهن دانش‌آموز باشد، در همین اثر هنری جلوه‌گر بشود. شما از یک دانش‌آموزی ممکن است صد بار پرسید که در

چه حالی؟ به شما حرفی نزنند، اما یک نقاشی جلوش بگذارید و بگویید این را رنگ‌آمیزی کن یا بگویید یک چیزی تخیل کن و بکش. این جا دیگر نمی‌تواند آن مافی الضمیر خودش را مهار بکند؛ یعنی دستش آزادانه می‌رود روی قلم، اما یک کسی دست او را گرفته در دستش و آن خود خودش است؛ خویشتن خویش او است از درون. یک شکلی می‌کشد که اهل فن از این شکل و از این رنگ‌آمیزی و از این ترکیب می‌فهمند که او گرفتارهایی دارد. می‌دانید که این یک علمی است و عده‌ای از روانشناسان هستند که از روی همین نقاشیها می‌توانند بفهمند که شخص دارای چه مشکلاتی هست. یک کسی که در این فن وارد بود برای من تعریف می‌کرد و می‌گفت در یک مجله‌ای مربوط به این علم یک نقاشی از یک دانش‌آموز دبستانی در آمریکا درج شده بود. من از روی این نقاشی یک ناهنجاری روانی و یک صدمه‌ای را که به آن بچه رسیده بود، حدس زدم و بعد برای این مجله نوشتم که من از این نقاشی به این دلایل استنباط کردم که

خیلی از مشکلات روحی و روانی دانش‌آموزان را از طریق کار هنری آنها هم می‌شود تشخیص داد و هم می‌شود درمان کرد.



این بچه دچار یک چنین ناراحتی بوده است. آن مجله این مسأله را پیگیری کرده و بعد به این آقا نوشته بود که بله ما تحقیق کردیم و حرف شما درست است و آن قدر تعجب کرده بودند که از این شخص دعوت کرده بودند که مثلاً برود در آن دانشگاه و با آنها دیدار یا همکاری داشته باشد. غرض من این است که تا این حدود هم حتی گاهی وقتها پیش می‌روند. البته من شخصاً هیچ وقت اینها را قطعی و صددرصد نمی‌گیرم و این‌طور نیست که مثلاً مثل یک میزان الحرارة بگذارند زیر زبان یک بچه و دریاورند بگویند یک درجه تب دارد، بعضی‌ها هم یک چیزهایی می‌یافتند و افراط می‌کنند و همین‌طور حرفهایی می‌زنند. من اصلاً به آن حدس کاری ندارم، ولی می‌خواهم بگویم که نقاشی یک بچه‌ای که در خانواده همیشه حالت اضطراب و افسردگی داشته باشد و پدر و مادرش با هم دعوا داشته باشند یا یکی از این دو را نداشته باشد یا فقر بیچاره‌اش کرده باشد با نقاشی آن بچه‌ای که یک زندگی آرام، ساده و طبیعی دارد، تفاوت دارد. رنگهایی که این بچه کار می‌برد با رنگهایی که آن بچه کار می‌برد، فرق می‌کند. بازی درمانی، همین‌طور است. و خوب می‌دانید که در نمایش خیلی از کارهایی که بچه‌ها می‌کنند آشکار می‌شود؛ یعنی به بچه یک نقشی واگذار کنیم که قدرتی و اختیاری از خودش داشته باشد، بعضی کارهایی را می‌کند که از همان‌جا می‌شود فهمید که این روی چه حساسی است حتی بعضی وقتها برای این که یک عیبی را در یک بچه‌ای برطرف بکنند، می‌توانند در یک نمایشنامه نقش مقابل آن عیب را به او واگذار بکنند تا بتواند غیرمستقیم با تظاهر به آن چیزی که ما می‌خواهیم عملاً در او به وجود بیاید، خودش را درمان بکند. اینها باز مسائلی است که به آموزش و به این سن و سال

بجهها مربوط می‌شود و بالاخره شما می‌دانید که اگر بجه‌هایی نقص عضوی داشته باشند بخصوص خوب است که یک توجه بیشتری به هنر بکنند. برای این که آن نقص را که ممکن است به طور طبیعی داشته باشند جبران بکنند. مثل برخی بجه‌های نابینا که از صوت خودشان با از مهارت خودشان در موسیقی استفاده می‌کنند. برای جبران این نقصی که در وجودشان هست و خلاصه آن کسری که دارند با یک مهارت هنری تأمین می‌کنند. می‌خواهم بگویم این مثال بارزی که از نابینایان زدم، می‌تواند تعبیر پیدا بکند، حتماً لازم نیست که فقط یک کسی نابینا یا ناشنوا باشد و هنر به فریادش برسد.

هر کدام از ما یک نقصهایی داریم. هر کدام از ما یک اشکالاتی از نظر استعدادی و جسمی داریم. ما باید بشناسیم که دانش آموز ما اگر این ضعف و این عیب را دارد، کدام استعداد را بخصوص در عالم هنر دارد تا این را در آن جاده پیش ببریم که این ضعف را با آن پیشرفت بتواند جبران بکند. بالاخره در پایان صحبت ما باید به سه مقوله جدا از هم در رابطه هنر و آموزش توجه بکنیم: یکی آموزش هنر است، یکی هنر آموزش؛ یکی هنر در آموزش. اینها سه بحث متفاوت است.

آموزش هنر این کاری است که شما معلمان هنر به آن مشغول هستید. این است که اگر تفاشی با طراحی می‌آموزید، چگونه دانش‌آموزان طراحی درست بکنند، رنگ‌آمیزی درست بکنند؛ اگر خوشنویسی می‌آموزید، خوش خطی را یاد می‌دهید؛ اگر معلم سرود هستید، اگر معلم تانسر هستید و خیلی چیزهای دیگر، این می‌شود آموزش هنر که هر کدام برای خودش یک فنی و یک راه و روشی دارد. یک ابزار و وسیله‌ای دارد.

یک بحث دیگری است که آن هنر آموزش است و آن این است که اصلاً کار معلمی، یک کار هنری است. معلمی یک چیز قالبی، پیش ساخته، یکسان و قابل اعمال برای همه کس و همه جا به شیوه واحد نیست؛ یعنی معلمی خلاقیت در کلاس درس است. البته شما باید بدانید چه می‌خواهید درس بدهید و با روشها هم آشنا باشید. اما معلم حقیقی کسی است که هنری درس می‌دهد و لو معلم ریاضی و لو معلم ادبی؛ یعنی در تربیت معلم همه معلمان را باید هنرمند تربیت کرد. به این معنا که باید آنها را جووری بار آورد که آموزش را از دل خودشان بجوشانند و به مقتضای محیط و با توجه به موقعیت و دانش آموز متفاوت عمل بکنند. این اقراط در اعمال روش واحد و قالبی کردن معلمی به معنی نفی هنر معلمی است. معلمی آن اصل اصلش پیش از آن که یک فن باشد یک هنر است که این رهن می‌گویم هنر آموزش و آن نکته سوم، هنر در آموزش است و آن این که نه تنها معلم هنر باید هنرمند باشد، بلکه معلم ریاضیات هم باید هنرمند باشد. معلم ورزش هم باید هنرمند باشد. معلم علوم تجربی هم باید هنرمند باشد؛ یعنی اگر هر معلمی ذوق و بهره هنری داشته باشد، در آن کار خاص خودش موفق‌تر است این نکته مهم است که هنر تسهیل روابط و تلطیف روابط می‌کند و آن را شیرین می‌کند مجموعه انسانهایی که با زبان هنر یا هم صحبت نکنند، مثل ماشینی است که قطعات آهن آن بخواهد روی هم حرکت بکنند، بدون این که روغن بین آنها باشد، اصلاً محال است، شما هیچ وقت در دستگا‌ه‌های صنعتی دو قطعه فلز را پس‌پس نمی‌کنید که بخواهند روی هم دیگر حرکت بکنند. مگر این که روغن بین آنها باشد، اصلاً غیر از این باشد می‌سوزد و چهار بار که حرکت بکند، داغ شده متوقف می‌شود. من بادم



هست که نزدیک به ۳۰ سال پیش در سال آخر دبیرستان یک معلم شیمی داشتیم که خط فوق العاده زیبایی داشت. سال قبل از آن یک معلم شیمی داشتیم که سوادش شاید از این معلم مورد بحث ما بیشتر بود. استاد دانشگاه هم بود، اما هنر معلمی نداشت و هنر در معلمی هم نداشت. همه دانش‌آموزان کلاس ما از شیمی بدشان آمده بود. ساده هست که یکی از دانش‌آموزان که طبع شعری هم داشت، پشت کتاب شیمی خودش نوشته بود که: تو می‌بینی کتابی را که باشند نام آن شیمی، ایاطیل است نیمی و چرندیات هم نیمی» از پس بدش آمده بود از این درس شیمی، اما سال بعد همان دانش‌آموزان سر کلاس یک معلم قرار گرفتند که ظاهرش هنر بود. خط او هنری. صحبتش هنرمندانه، رفتارش هنرمندانه. روز اول که آمد این گج را گرفت و شروع کرد بای تخته اولین قاعده شیمی را نوشتن، وقتی ما به خط زیبایی او نگاه کردیم، اصلاً همه مجذوب این معلم و این علم شدیم و شاید بالاترین نمره را آن سال دانش‌آموزان آن کلاس در درس شیمی آوردند. اصلاً برای درس شیمی ساعت‌شماری می‌کردند که کی می‌رسد تا فلانی بیاید. اسم ایشان را هم من می‌برم، آقای فریدون کوشا بود) ما وقتی که جزوه می‌نوشتیم (در آن سال، ما اصلاً کتاب شیمی نخریدیم، ایشان بای تخته می‌نوشت و ما هم در دفتر خودمان می‌نوشتیم) همه به خط ایشان نگاه می‌کردیم که آن خط را تقلید بکنیم و شیمی بر ایمان شیرین شده بود. من آن سالها یک بار وقتی که کنکور امتحان دادم از خودم



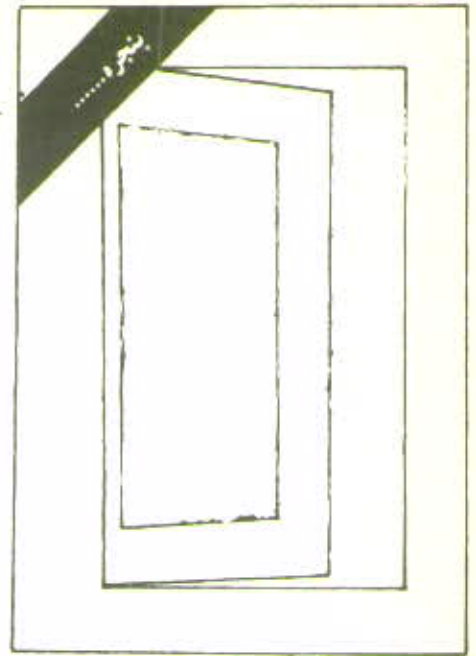
برسیدم که من این شیمی آلی کلاس چهارم ریاضی را چند بار خواندم. شمرده مرتبه شد من این کتاب شیمی را همین جزوه ۴۰۰ صفحه‌ای شیمی را که خودم نوشته بودم از اول تا آخره مرتبه خوانده بودم. از بس که این هنری درس دادن، کلاس شیمی را برای ما زیبا کرده بود این را از این جهت می‌گویم که به همکاران دیگر خودتان واقعاً بفهمانید، اگر نمی‌دانند و توضیح بدهید....



من می‌دانم که در آموزش هنر مشکلات زیادی وجود دارد خود ما هم قاصر و مقصر بوده‌ایم و من می‌دانم که نداشتن کتاب یک مدتی مشکل شما بوده است. انشاءالله سال آینده این مشکل را نخواهیم داشت؛ یعنی خود ما به هنر ظلم کردیم، اعتراف می‌کنم با این که دوستان همیشه من را حامی هنر می‌دانند، ولی وقتی صحبت از این بود که کتابهای درسی نمی‌رسد می‌گفتیم که کتاب هنر را فعلاً جاب نکنید و اگر شما هم جای من بودید، شاید همین تصمیم را می‌گرفتید، ولی این مزده را به شما بدهم که ما اکنون از این گردنه سخت جاب کتابهای درسی گذشته‌ایم و من خدمتان عرض می‌کنم که همه کتابهای هنر را جاب می‌کنیم و امسال هم برای جاب فرستاده‌ایم و انشاءالله همه دانش آموزان شما کتاب هنر را در دست خودشان خواهند داشت. مشکل دیگر، نبودن ساعت کافی است که خوب در دوره راهنمایی

یک ساعت برای درس هنر بیشتر نیست و من می‌دانم درسهای یک ساعته چه مشکلاتی دارد. حالا در بعضی از مدرسه‌ها که دو شیفت هم هست، به چه کیفیت است. یکی دیگر هم مشکل نبودن معلم است که اصولاً ما به تناسب جمعیت دانش آموزان، معلم هنر تربیت نکرده‌ایم. کلاسهای ضمن خدمت هنر در کسل کشور برگزار نشده است. اینها را ما می‌دانیم، اما این اطمینان را به شما می‌دهم که در وزارت آموزش و پرورش هستند همکارانی که با شوق و ذوق و با ایمان و با اخلاص در پی این هستند که از مشکلات درس هنر کم بکنند و با جدیت به فکر آموزش معلمان هستند؛ کلاسهای ضمن خدمت در تهران و در شهرستانها تشکیل می‌دهند و من در مجموع وضع آموزش هنر را رو به رشد می‌بینم، گرچه از میزان رشد آن خود من راضی نیستم و وظیفه خودم را در جنب همه وظایفی که دارم از جمله این می‌دانم که از حیث تربیت معلم مدافع هنر باشم که مثلاً مراکز تربیت معلم گسترش پیدا بکنند؛ برنامه‌ریزی بشود؛ کلاسهای ضمن خدمت بیشتر دایر شود و این برنامه‌ها را انشاء... به همت همکاران خودمان و به همت شما پیگیری خواهیم کرد و تقاضای من از شما این است که سعی بکنید در مدارس یک نسلی را تربیت بکنید که این نسل بتواند آن پیام معنوی خودش را با توان هنری بیان بکند باور خود من حقیقتاً این است که اگر ما اسلام را با هنر عرضه بکنیم، خیلی موفقتر از این شیوه‌ای است که غالباً در پیش گرفته‌ایم من گاهی که به مدرسه‌ها می‌روم می‌بینم که یک جشنی مثلاً در ۶ ماه پیش بوده و کلاس را اذین کرده‌اند و هنوز پس گذشت ۶ ماه می‌بینید که آگهی آن جشن به دیوار کلاس یا دیوار مدرسه هست. یا می‌بینم آرایشها و تزئینهایی که می‌کنند فوق‌العاده غیر هنری و از روی

بی‌ذوقی است. خوب اگر ما در معرفی منطلق اسلام از زیبایی هم استفاده بکنیم، کاری که خود خدا کرده است، خیلی موفق هستیم. خدا روزی که می‌خواست اسلام را به دنیا معرفی کند زیباترین بیان را که قرآن باشد، برای بیان پیام خودش انتخاب کرد. ما امروز باید در همین مسیر قدم بگذاریم و متأسفانه آن گونه که باید عمل نمی‌کنیم. اگر با نسل آینده با زبان هنری صحبت بشود، خیلی بیشتر و بهتر منطق اسلام را می‌پذیرد تا اگر با زبان هنر با او صحبت نشود. از طولانی شدن صحبت عذرخواهی می‌کنم و از صبر و حوصله‌ای که به خرج دادید سپاسگزاری می‌کنم اگر سؤالی باشد در خدمتان هستم و استفاده می‌کنم. گمان می‌کنم من خودم به آن مطلبی که شما می‌خواستید اشاره بکنید، اشاره کردم. این نه از باب این بود که فرصت سؤال کردن را از شما بگیرم، از باب این بود که واقعاً اگر می‌خواستم به این چیزها اشاره نکنم صحبت خودم را ناقص می‌دانستم چون من واقف هستم به این که سؤالات و مشکلات شما چیست به طور مرتب هم در خدمت دوستان هستم و انشاء... این سلسله سخنرانیها با توجه شما بهتر برگزار بشود و شما هم از مراکز هنری بازدید بکنید و دانش‌آموزان خودتان را به بازدید از مراکز هنری ببرید که شاید یک شیوه بسیار خوب در آموزش این باشد که بچه‌ها را هر چه می‌توانید با نمونه‌های هنری بیشتر آشنا بکنید شما که در تهران معلم هستید از این فرصت بهره‌مند هستید که از موزه‌های مختلفی دیدن کنید و فرصتهایی در اختیار شما هست، این فرصتها و این امکانات را شما از دست ندهید. متشکرم.



محمد مهدی هراتی

شناخت تکنیک و روشهای تهیه مواد و مصالح برای درس هنر

روش کار: پس از آن که آب لیموترش گرفته شد، نغاله آنرا در ظرفی بریزید و بر آن به مقدار لازم آب بیفزایید؛ سپس آنرا بسجوشانید و آن گاه در سینی مسطح بریزید. نحوه آغوشن کاغذ می تواند هماهنگ روش کاغذ ابری باشد یا این که می توان آن را به طور کامل در محلول باد شده شناور ساخت.

بعد کاغذها را روی روزنامه قرار داده، در آفتاب یا جای مناسب بگذارید تا خشک شود. خواهید دید که حاصل کار شما، کاغذهای رنگی مناسبی با رنگ چشم نواز و ملایم زرد یا مغزپسته ای است. اگر کاغذ گلاسه و براق بخواهید بهتر است ۲ لیوان آب برنج (آبی که پس از صاف کردن و بختن برنج دور ریخته می شود) در اول کار به نغاله های لیموترش بیفزایید، تا کاغذ گاهی را به کاغذ براق و گلاسه تبدیل کنید. بدیهی است پس از خشک شدن با اتوی نسوز گرم می توان کاغذ را صاف کرد.

بر آن هستیم، روشهای تجربی معلمان هنر را برای تهیه مصالح و مواد و ابزارهای هنری، به همکاران نشان دهیم، از علاقه مندان استدعا داریم که گروه هنر را در این زمینه یاری کنند. در این شماره، شما را با تجربه ارزنده رنگ آمیزی کاغذ جهت خوشنویسی آشنا می کنیم که آقای علی بختیاری دبیر هنر منطقه جادگان، استان اصفهان، در سفر به آن استان به حقیر مرحمت نموده بودند. گفتنی است که آقای علی بختیاری هنرمندی آگاه و پرنشاط است که قارع التحصیل هنرستان هنرهای زیبای اصفهان هستند و از پستوانه آموزشی هنری بسیار خوبی برخوردارند و در سال تحصیلی گذشته معلم نمونه شهرستان انتخاب شده اند. روش رنگ آمیزی کاغذهای گاهی و معمولی

وسایل و مواد لازم:

نغاله لیموترش	به مقدار ۱ کیلو
آب	به مقدار ۴ لیوان
سینی مسطح	یک عدد
کاغذ روزنامه	مقداری
لعاب برنج	مقداری

از طرف معاونت آموزشی بخشنامه زیر در مورد امتحانات

پایان سال صادر شده است:

اداره کل آموزش و پرورش استان

سلام علیکم

باتوجه به آیین نامه اجرایی امتحانات هماهنگ مصوب چهارصدویکمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش و با عنایت به امکانات اجرایی استانها و مناطق آموزشی، بدینوسیله شروع امتحانات ثلث سوم پایه های داخلی و نهایی دوره راهنمایی تحصیلی در سال تحصیلی ۷۲ - ۷۱ جهت اطلاع و ابلاغ به مناطق آموزشی تابعه اعلام می گردد:

الف - مناطق عادی و سردسیری:

پایه تحصیلی و دوره	تاریخ شروع امتحانات
پایه های اول، دوم راهنمایی تحصیلی	از ۷۲/۳/۱۲ به بعد
پایه سوم راهنمایی تحصیلی (نهایی)	از ۷۲/۳/۱۷ به بعد

ب - مناطق گرمسیری:

پایه تحصیلی و دوره	تاریخ شروع امتحانات
پایه های اول، دوم راهنمایی تحصیلی	از ۷۲/۲/۲۱ به بعد
پایه سوم راهنمایی تحصیلی	از ۷۲/۲/۲۵ به بعد

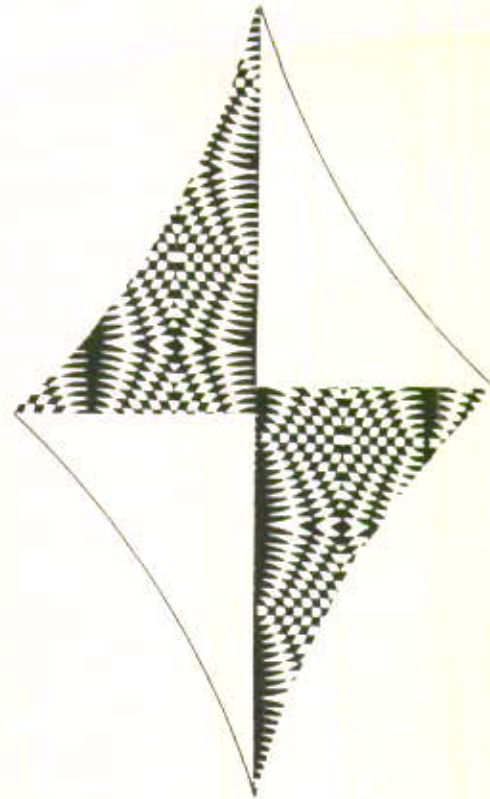
تذکر ۱ - استانهای بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان به دلیل داشتن شرایط اقلیمی خاص مناطق گرمسیری می توانند با تشخیص مدیرکل محترم استان به شرح جدول (ب) عمل نمایند.

تذکر ۲ - در برخی از استانها ممکن است مناطقی وجود داشته باشد که دارای شرایط اقلیمی خاص باشد. در اینصورت مدیریت کل محترم استان با مسئولیت و صلاحدید خود دستور فرمایند با استفاده و تلفیق جداول "الف، ب"، برنامه امتحانات در اینگونه مناطق تنظیم گردد.

یادآوری: شروع امتحانات قبل از تاریخهای اعلام شده مجوزی ندارد.

حبیب الله بی آزار
معاون آموزشی

امتحانات ثلث سوم دوره راهنمایی



رونوشت: جهت اطلاع

معاونت محترم پژوهشی و ریاست محترم

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

اداره کل

دفتر

نتایج سمینار بررسی برنامه درسی دوره راهنمایی تحصیلی

محمود معالی کارشناس گروه هماهنگی تحقیق و ارزشیابی دفتر برنامه ریزی و تألیف
و دبیر اجرایی سمینار

۱۴ - ۱۱ سال در نظام‌های آموزشی پاره‌ای از کشورها:

۵ - گزارشی از برنامه درسی دوره ابتدایی در ایران.

در چهار روز بعد گزارشها و مقالات اختصاصی در زمینه مواد
درسی دوره راهنمایی توسط گروههای برنامه‌ریزی دفتر برنامه‌ریزی و
تألیف، دفتر مشاوره و تحقیق از معاونت پرورشی و دفتر آموزش هماهنگی
و تغذیه و بهداشت مدارس ارائه گردید. محور این گزارشها بر حوض
موضوعات مهم زیر قرار داشت:

۱ - تبیین ضرورت هر درس و اهمیت آن؛

۲ - بیان اهداف کلی هر درس و اهمیت آن؛

۳ - بیان مفاهیم اساسی و دلایلی که در انتخاب ریز مواد موثر بوده
است؛

۴ - میزان توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، فردی و حسی در
برنامه؛

۵ - روشهای اجرایی و کلیاتی از روش تدریس درس مورد نظر؛

۶ - نتیجه‌گیری و ارائه ساعات پیشنهادی برای هر درس در هفته در
بایه‌های اول، دوم و سوم راهنمایی.

نتیجه پیشنهادها، توصیه‌ها و ماحصل مقالات، گزارشها و
برسشنامه‌هایی که در بین شرکت کنندگان توزیع شده بود، بدین شرح
است:

۱ - خلصت برنامه‌های درسی دوره راهنمایی عموماً ماهیت گزار و
محافظة کارانه است و به نوگرایی و آینده‌نگری کمتر توجه شده
است.

۲ - برنامه‌های درسی دوجه راهنمایی باید در خدمت انتقال نوجوان از
دنیای نوجوانی به دنیای اجتماعی باشد که برای تحقق این امر،

سمینار بررسی برنامه‌های درسی دوره راهنمایی تحصیلی که در
روزهای ۱۶ تا ۲۰ آبان ماه ۱۳۷۱ در خانه معلم منطقه ۳ آموزش و
پرورش تهران برگزار شد، مجموعاً در طی آن بیست و پنج سخنرانی سه
ارائه مقاله و با گزارش از برنامه درسی خود، در دوره راهنمایی
تحصیلی، اقدام کردند.

هدف کلی این سمینار دستیابی به یک برنامه درسی جامع و جدول
ساعات هفتگی موزون و مناسب برای دوره راهنمایی تحصیلی بود که
پیش‌بینی شده بود از طریق ذیل حاصل شود:

۱ - تعیین فلسفه وجودی هر درس و اهمیت آن؛

۲ - بررسی و تبیین برنامه‌درسی دوره راهنمایی تحصیلی؛

۳ - مقایسه تطبیقی ساعات و مواد برنامه‌درسی دانش‌آموزان ۱۴ -
۱۱ سال در پاره‌ای از کشورها؛

۴ - شناخت شیوه علمی برنامه‌ریزی درسی؛

۵ - مقالات و نظریات پیشنهادی شرکت کنندگان در سمینار
مقالات

گزارشها در روز اول به صورت عمومی و در زمینه‌های زیر ارائه
شد:

۱ - سیمای نوین برنامه درسی یا عایت به نگرش متانثوری در جهان
امروز؛

۲ - سیر تحول در برنامه درسی دوره راهنمایی تحصیلی از آغاز تا به
امروز؛

۳ - اهداف، مبانی و اصول برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در دوره
راهنمایی تحصیلی؛

۴ - مطالعه تطبیقی ساعات و مواد برنامه‌های درسی دانش‌آموزان

آموزش مفاهیم و موضوعات کلی ذیل با توجه به مسائلی که اکثر نوجوانان با آن مواجه هستند، توصیه می‌شود، تا راهنمای برنامه‌ریزان قرار گیرد:

مسائل شخصی	مفاهیم و موضوعات برنامه‌درسی	مسائل اجتماعی
درک تغییرات شخصی	انتقال مفاهیم شخصی برای زیستن در دنیای متغیر	زندگی در یک جهان متغیر
پرورش یک هویت شخصی	تعیین هویت جهت زندگی و مواجهه با تنوع فرهنگی	تنوع فرهنگی
پیدا کردن جایی در گروه همسال	تعامل گروهی جهت همزیستی در گروه همکاری گروهی	
تناسب شخصی	تناسب بهداشت و مطالعه آلودگی، امراض و سلامت بدن و شیوه‌های محافظت محیطی.	محافظت طبیعی
پایگاه اجتماعی	ساختار اجتماعی	طبقات اجتماعی
مواجهه و مقابله با بزرگسالان	استقلال	حقوق انسانی
تضاد گروهی و زمینه دوستان ناباب	حل مسأله و تضاد	تضادهای کلی
فشار تبلیغات تجارته	تجارت و تبلیغات	اثرات رسانه‌ها
زیر سؤال بردن قدرت	عدالت	قوانین و مقررات اجتماعی
دوستی شخصی	مراقبت	رفاه اجتماعی
زندگی در مدرسه	نهادها (مدرسه به عنوان یک نهاد)	نهادهای اجتماعی

۳ - با توجه به این که ما در عصری زندگی می‌کنیم که عصر انفجار دانش و یا نیم عمر اطلاعات نام گرفته است (در هر ۶ سال نصف اطلاعات حوزه دانش بشری کهنه و منسوخ می‌شود)؛ بنابراین باید راه دانستن و یادگیری و یاد دهی استراتژیک مورد توجه برنامه‌ریزان و معلمان و دانش‌آموزان قرار گیرد.

۴ - باید از طریق برنامه‌درسی در نوجوانان توانایی‌هایی پدید آورد که آنها بتوانند به قدرت تشخیص، قدرت خدانشناسی، قدرت محیط‌شناسی، قدرت تجزیه و تحلیل و ترکیب‌گری و به شناخت زندگی و جهان نایل آیند.

۵ - علاوه بر مدرسه، خانواده، اجتماع، رسانه‌های گروهی، آموزش‌های غیررسمی باید به تحقق اهداف دوره راهنمایی

کمک کنند.

۶ - اکثریت معلمان دوره راهنمایی، با توجه به تحلیل داده‌های تطبیقی، از مدرک لازم و توانایی علمی و تجربی مناسب برای تدریس در دوره راهنمایی، برخوردار نیستند.

۷ - در انتخاب تعداد مواد درسی دوره راهنمایی باید به عواملی چون ظرفیت محدود انسان برای یادگیری در طول روز، توانایی دانش‌آموزان در سالهای اول، دوم و سوم راهنمایی، با ارزش‌ترین موضوع برای یادگیری، ابعاد مختلف رشد آدمی، هزینه ناشی از اجرای برنامه، افت تحصیلی، اهداف و اصول مصوب آموزش و پرورش، اهداف دوره راهنمایی و اصول آن، تجربیات گذشته دانش‌آموز، توانایی و مهارت نیروهای موجود، نیروهای مورد نیاز و سطح تخصص مورد نیاز، علایق و رغبت‌ها و نیازهای دانش‌آموزان، جنبه‌های نظری عقلانی، و عملی بودن و رشد و جهت‌گیری شخصی دروس توجه کرد.

۸ - دروسی نظیر تاریخ، جغرافیا و دانش اجتماعی بهتر است که به صورت یکجا در دوره راهنمایی تحت عنوان مطالعات اجتماعی و محیطی عرضه شود، اما برای مشکلات اجرایی آن باید چاره‌اندیشی کرد.

۹ - پژوهش بر روی میزان همخوانی اهداف و محتوای دروس دوره راهنمایی با اهداف و اصول جدید دوره راهنمایی تحصیلی لازم است که مورد توجه قرار گیرد.

۱۰ - در تنظیم ساعات هفتگی دروس دوره راهنمایی باید به عواملی چون حجم کتاب، توانایی دانش‌آموزان، افت تحصیلی اهمیت موضوعات خاص، ایدئولوژی، طبیعت دروس (از نظر آسانی یا دشواری مفاهیم، میزان تمرینات) مقدار هزینه و بودجه، دوتویی شدن مدارس، مسائل اجرایی برنامه در مدارس، طول سال تحصیلی و میزان تعطیلات توجه شود.

۱۱ - در هیچ کشوری از جهان برنامه‌درسی در این دوره تحصیلی، بر اساس انشعابهای تحصیلی طراحی نشده است. به استثنای کشورهای آمریکای مرکزی که در این دوره دو نوع مدرسه وجود دارد، در هیچ کشوری دانش‌آموزان در این دوره در رشته‌های مختلفی که به دریافت گواهینامه‌های مختلف منجر شود، تحصیل نمی‌کنند. به طور کلی می‌توان گفت این دوره، دوره آموزش عمومی و در نهایت هدایت تحصیلی است؛ نه دوره ترمینال و پایانی.

۱۲ - در اغلب کشورهای جهان برنامه اصلی و اجباری بر اساس خط مشی آموزش عمومی و پایه طراحی شده است و هدف اصلی کمابیش همانند دوره ابتدایی، ارائه دانش و مهارت‌های پایه است.

۱۳ - در بسیاری از کشورهای جهان، بویژه کشورهای در حال توسعه مانند کشورهای آمریکای لاتین کشورهای عربی، آفریقایی و برخی از کشورهای آسیایی، هیچ نوع حق انتخابی برای دانش آموزان وجود ندارد.

۱۴ - در برخی از کشورها در این دوره ۱ الی ۲ درس به صورت انتخابی وجود دارد؛ حال آن که این انتخاب مضمون جهت یابی و هدایت تحصیلی در بر ندارد، زیرا اولاً انتخاب یک به دو است؛ یعنی یک درس از دو درس، و ثانیاً این تنها انتخاب هم از میان دروسی است که در یک زمینه ارائه می شوند؛ برای مثال انتخاب زبان روسی یا یک زبان لاتین، یا انتخاب یک درس از دو درس در هنر.

۱۵ - در تعدادی از کشورها، بویژه کشورهای پیشرفته که تعداد آنها بسیار اندک است، ۲ یا ۳ درس به صورت انتخابی وجود دارد. علاوه بر آن، زمینه ها و دروسی که ارائه می شوند و دانش آموزان میان آنها حق انتخاب دارد، وسیعتر و متنوعترند. البته همان طور که اشاره شد این بدان معنا نیست که کلیه مدارس همه مواد انتخابی را ارائه می کنند، ولی در بسیاری از مدارس عموماً این چنین است.

۱۶ - ارائه دروس و داشتن حق انتخاب در بسیاری از کشورها بر مبنای وضعیت اقلیمی، زبانی، مذهبی یا حرفه ای است. در بسیاری از کشورهای اروپایی شرقی دانش آموزان از میان یکی از زبانهای لاتین و زبان روسی حق انتخاب دارند. در ژاپن و کشورهای اسکاندیناوی ماهیگیری یکی از دروس انتخابی و مورد تاکید است. و در کوبا که قسمت اعظم اقتصاد آن بر کشاورزی تکیه دارد یکی از شاخه های انتخابی مدارس روستایی با برنامه ای عمدتاً مبتنی بر کشاورزی است.

۱۷ - بالاخره ویژگی خاص برنامه های این دوره که در تمام کشورهای جهان هم مصداق دارد، آن است که این دوره مرحله پایانی آموزش رایگان و اجباری است و این خود یکی از عوامل و اهداف ثانویه ای است که در تنظیم برنامه درسی بویژه در ارائه مطالب حرفه ای مدنظر قرار می گیرد تا چنانچه دانش آموزانی به هر دلیل نتوانستند یا نتوانستند به تحصیلات خود ادامه دهند، حداقل با آشنایی بعضی از حرفه ها آشنا شده باشند.

۱۸ - برنامه های درسی دوره راهنمایی لازم است که بر اساس چهار رابطه زیر تعیین و نظام یابد. (سرقراری ارتباط موثر دانش آموزان این دوره با خداوند، با خود، با جامعه و تاریخ، و با طبیعت است).

۱۹ - در تعیین و نظام دادن به مواد درسی و محتوا و انتقال عناصر فرهنگی به دانش آموزان این دوره، معیارهای فلسفی، علمی،

اجتماعی و اداری باید مورد توجه جدی قرار گیرد.
۲۰ - در تعیین و نظام دادن به مواد درسی، اصل نوالی برنامه و ارتباط عمودی و افقی محتوا، از دوره دبستان تا پایان دانشگاه مورد توجه جدی قرار گیرد و برنامه ریزی درسی دوره راهنمایی با توجه به برنامه ریزی درسی دوره ابتدایی و متوسطه صورت گیرد.

۲۱ - در هر ماده درسی به هدفهای پرورشی و اخلاقی از طریق روش عرضه مطالب توجه شود.

۲۲ - برنامه ریزی درسی دوره راهنمایی تحصیلی باید با توجه به ویژگیهای دوره نوجوانی، امکانات این دوره، طبیعت مواد درسی و سهمی که هر یک از این مواد درسی در تحقق امکانات بالقوه نوجوان برعهده دارد، صورت گیرد.

۲۳ - در برنامه ریزی درسی دوره راهنمایی تحصیلی به حقوق نوجوانان، بویژه از دیدگاه اسلام، باید توجه گردد. (از جمله این حقوق، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی، حق اشتغال و زمینه سازی استقلال است).

۲۴ - در تعیین و نظام دادن به مواد درسی به عناصر عمومی، اختصاصی و انتخابی فرهنگ باید توجه شود؛ از این رو برنامه دوره راهنمایی باید در دو قسمت تنظیم گردد: قسمت مربوط به تربیت عمومی و قسمت دیگر تربیت حرفه ای.

۲۵ - در انتخاب مواد درسی میزانهای زیر باید مورد توجه قرار گیرد:
(الف) میزانهای مربوط به هدفهای تربیتی؛
(ب) میزانهای مربوط به اصول یادگیری؛
(ج) میزانهای مربوط به وضع افراد؛
(د) میزانهای مربوط به وضع اجتماعی.

۲۶ - در برنامه ریزی درسی دوره راهنمایی تحصیلی، نیازهای اساسی دختران و پسران باید مورد توجه قرار گیرد و محتوای برنامه ها متناسب با جنسیت آنها نظام یابد.

۲۷ - در تعیین محتوا و نظام دادن به مواد درسی به احتیاجات نوجوانان روستایی و شهری توجه شود. این امر می تواند از طریق ارائه محتوای متفاوت در بعضی از دروس نظیر حرفه و فن، جغرافیا و غیره با افزودن ساعتی به دروس روستاییان در ارتباط با نیازهای مناطق روستایی صورت گیرد.

۲۸ - با توجه به تعریف جدید برنامه ریزی درسی، بهنگام طراحی، علاوه بر انتخاب و سازماندهی محتوا، الزامات اجرایی مطلوب برنامه ها نظیر: ویژگیهای معلم مناسب، وضعیت فیزیکی، شیوه های ارائه مطالب، ضوابط و روشهای ارزشیابی مشخص گردد.

۲۹ - توجه بیشتر به معلمان دوره راهنمایی از نظر رفاهی و افزایش

سطح معلومات آنان برای تحقق اهداف دوره راهنمایی امری ضروری است.

در برنامه درسی این پایه افزوده شود. (۱۰۰٪ شرکت کنندگان با این نظر موافق بودند).

۵- از آنجا که کودکان و نوجوانان نیروی کار آینده جامعه ما خواهند بود، از این رو سلامتی جامعه آینده مشروط به سلامتی آنان می‌باشد. و با توجه به این که کودکان و نوجوانان قشر آسیب‌پذیر جامعه هستند و از مزوومات برنامه یک کشور توجه به سلامتی کودکان و نوجوانان است، بنابراین ضرورت تدوین کتاب بهداشت برای دوره راهنمایی با توجه به سن دانش‌آموزان و تفاوت جنسیت آنان و نیز وضعیت عمومی دانش‌آموزان، برای هر سه پایه در دوره راهنمایی تحصیلی لازم است.

۶- ساعات پیشنهادی شرکت کنندگان در سمینار برای دوره راهنمایی بر اساس بیشترین فراوانی و ساعات پیشنهادی کارشناسان گروههای درس برای دروس مربوطه به شرح زیر می‌باشد:

۷- با توجه به تقاضای کارشناسان گروههای درسی، به داشتن ساعات بیشتر پیشنهاد گردید که کمیسیون راهنمایی تحصیلی تغییر نظام پس از مطالعات لازم نسبت به تنظیم جدول ساعات هفتگی برای دوره راهنمایی اقدام کند.

نتایج حاصل از استخراج پرسشنامه‌ها در مورد برنامه درسی دوره راهنمایی

۱- اکثریت شرکت کنندگان ضرورت وجود دروس فعلی دوره راهنمایی (به استثنای آمادگی دفاعی ۳۴٪ را در برنامه‌های فعلی دوره راهنمایی لازم دانستند و اهداف این دروس را مفید و قانع کننده تشخیص دادند. در مورد درس پرورشی ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان با این درس بصورت مستقل موافق بودند.

۲- ۶۶ درصد از شرکت کنندگان خواستار گنجاندن درسی تحت عنوان «بهداشت و تغذیه» در برنامه هفتگی دوره راهنمایی بودند.

۳- برخی از کارشناسان اظهار داشتند، با توجه به این که دروس مختلف اهداف آموزشی و پرورشی را تعقیب می‌کنند، بنابراین بهتر است که درس پرورشی، به صورت یکجا با دروس دیگر عرضه شود.

۴- درس زبان خارجه بدلیل ارتباط طولی این درس با دروس ریاضی و نیز اهمیت زبان خارجی مجدداً در سال اول راهنمایی

ردیف	مواد درسی	ساعات پیشنهادی شرکت کنندگان در سمینار			ساعات پیشنهادی گروههای کارشناسان ادرسی			وضع موجود		
		سال اول	سال دوم	سال سوم	سال اول	سال دوم	سال سوم	سال اول	سال دوم	سال سوم
۱	قرآن	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲	تعلیمات دینی	۲	۲	۲	۳	۳	۳	۲	۲	۲
۳	عربی	۲	۲	۲	۳	۳	۳	۲	۲	۲
۴	زبان خارجی	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۴	۴
۵	زبان و ادبیات فارسی	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۶	علوم تجریبی	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۷	ریاضیات	۴	۴	۴	۵	۵	۵	۴	۴	۴
۸	ورزش	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۹	هنر	۱	۱	۱	۴	۴	۴	۱	۱	۱
۱۰	تعلیمات اجتماعی	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱
۱۱	تاریخ	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱
۱۲	جغرافیا	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱	۱
۱۳	حرفه و فن	۲	۲	۲	۴	۴	۴	۳	۳	۳
۱۴	آمادگی دفاعی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	مجموع ساعات	۲۹	۳۲	۳۱-۳۲	۴۱	۴۱	۴۱	۳۲	۳۲	۳۲

* آمادگی دفاعی خارج از ساعات برنامه هفتگی است.

معرفی



فضای بیرون، فضای درون

مؤلف: دیوید جولاندر

ترجمه: منیره نیسانی

ویراستار: جعفر مزیدی

ناشر: انتشارات مدرسه

چاپ اول: پاییز ۱۳۷۰

ویژه دانش آموزان و دبیران دورهٔ راهمایی تحصیلی

در این کتاب مسائلی مربوط به فضا، نجوم، مسیر حرکت سیارات، لیونون و تلسکوپها، ماه همده زمین و... مباحثی به زبان ساده برای دانش آموزان دورهٔ راهمایی نوشته شده است. در قسمتی از بحث «فضای اطراف ما» می‌خوانیم:

«چیز مهمی که در مطالعهٔ اخترشناسی باید به آن خو بگیرید، تصور مسافتهای خیلی زیاد و فاصله‌های زمانی بسیار بزرگ است. وقتی مسافتی به طول یک و نیم کیلومتر را پیاده طی کنید، راهی طولانی به نظرتان خواهد رسید. هرگز با هواپیما از انگلستان تا استرالیا پرواز کنید، در می‌باید که بعد مسافت خیلی

و... است. این کتاب برای دانش آموزان سطح راهنمایی مفید است و اطلاعات جالبی به آنان ارائه می‌دهد.



فسیل شناسی

نویسنده: دو گال دیکسون

ویراستار: حمید گروگان

نقاش: جریس نورسی

ناشر: انتشارات مدرسه

چاپ اول: تابستان ۱۳۷۰

در این کتاب در مورد مباحث زیر

زمان

سنگ فسیل

حوهٔ شکل‌گیری فسیلها

فسیلها کجا یافت می‌شوند

فسیل‌سازی

پوست کلفت‌ها

حرکت بدون پا

جانوران بازودار

زیادتر است. بدیهی است که این فاصله‌ها در مقایسه با فاصله‌های بسیار زیاد اجرام آسمانی ناچیز است. ماه که نزدیکترین جرم فضایی به زمین است، حدود ۳۸۰,۰۰۰ کیلومتر از آن فاصله دارد در حالی که فاصله خورشید تا زمین ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ کیلومتر است.

تا قبل از آغاز تکنوفایی علوم جدید در عصر ما، کسی قادر به درک چنین مسافتهایی نبود. در مورد اندازه‌گیری زمان نیز وضع به همین منوال بود، یکسال برای ما مدتی طولانی است. ولی از آغاز پیدایش کرهٔ زمین تاکنون ۴۷۰۰ میلیون سال سیری شده است و بساز جهان ما عمری بسیار طولانی‌تر از این دارد.

در مطالعهٔ اخترشناسی نیز به کاربرد مکرر بعضی از مفاهیم و واژه‌های مخصوص هستیم. نخست واحد اندازه‌گیری مسافت بین اجرام آسمانی که سال نوری است (سرعت نور ثابت است و ۳۰۰,۰۰۰ کیلومتر در ثانیه می‌باشد).

نور خورشید کمی بیش از ۸ دقیقه طول می‌کشد تا به زمین برسد. هر لحظه که به خورشید نگاه می‌کنید، در واقع خورشید را آنگونه که در ۸ دقیقه قبل بود می‌بینید. در یکسال شمسی نور تقریباً ۹۵ میلیون کیلومتر را طی می‌کند. این مسافت را سال نوری می‌گویند.

از دیگر مباحث کتاب گفتن در سیارات سحابیها و کهکشانها، موج رادیویی فضایی

کتاب

نوبت جاب: اول

قیمت: ۱۹۰۰ ریال

تعداد صفحات: ۲۷۱ صفحه

این کتاب حاصل کار عملی ۲۶ ساله مدرسه مهران از سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۳۲ است که توسط مدیران این مدرسه منتشر شده است. کتاب در سه قسمت تدوین شده، بخش اول شامل «گردش کار» است. در این مبحث به مسائل شروع کار شامل کودکان، مدیریت مدرسه، معلم فضای آموزشی، بچه‌ها و معلم و اولیاء پرداخته شده است.

در بخش دوم با عنوان «راه آموزش» کلیه مسائل آموزشی و چگونگی تدریس دروس مختلف و مسائل آموزشی شامل: ریاضی، علوم، زبان و ادبیات فارسی، آموزش زبان خارجه هنر ورزش و پیشاهنگی، تکلیف شب و تکالیف ایام تعطیل، ارزشیابی، تشویق و تنبیه و کتاب و کتابخانه تشریح شده است. و بالاخره بخش سوم با عنوان در «مسیر پرورش»

به مسائل پرورش و ارتباط با فارغ التحصیلان مدرسه پرداخته است. کتاب دارای یک قسمت به نام «ضمیمه‌ها» است که شامل آیین نامه‌ها بخشنامه‌ها گزارشهای «سالانه» پرسشنامه همکاری داوطلبانه با اولیاء مدرسه نمونه‌هایی از کارهای عملی دانش آموزان اعم از نقاشی، تئاتر، نمونه‌هایی از کار شب و روز دانش آموزان و مواردی از این نوع می‌باشد.

مجموعاً از آنجا که کتاب حاصل تجربه‌های طولانی در یک مدرسه به زبان امروز «غیرانتفاعی» و به زبان قبل از انقلاب «مبلی» موفق است، تجربیات مفیدی را در اختیار خواننده علاقمند قرار می‌دهد. خواندن این کتاب برای معلمان، دبیران، دانشجویان مراکز تربیت معلم و مدیران مدارس مفید و سودبخش است.

رسم المشق خط

استاد عبد الله فرادی

پابانل

پابانل

دست‌نویس

فیروز نیک، لنگرانی زین

رسم المشق خط

نوشته: استاد عبدالله فرادی

نوبت جاب: اول

ناشر: جاب آرمان

سال انتشار: ۱۳۷۱

قیمت: ۲۵۰ ریال

این کتاب که به خامه استاد محترم انجمن خوشنویسان ایران استاد عبدالله فرادی نوشته شده است، شامل ۱۶ تمرین مشق الخط است که برای دانش آموزان دوره راهنمایی بسیار مناسب است معلمان محترم می‌توانند به دانش آموزان خود توصیه کنند که با تهیه این کتاب و انجام تمرینهای آن گامی در جهت داشتن خطی خوش بردارند.

مؤلف محترم نکاتی برای تمرین مشق الخط در پشت کتاب مرقوم فرموده‌اند از آنجمله:

- ۱ - قله تی دز فولی طبیعی سرخ و سفید به اندازه سمرقها تراشیده شود.
- ۲ - مرکب سیاه صمغ و دوده نفت و زاج و مازو.
- ۳ - دوات لبقه با مرکب سیاه که نباید رقیق و غلیظ باشد.
- ۴ - یک ورق آب خشک کن با کاغذ معمولی برای زیر دست.
- ۵ - پس از یک ماه نوشتن خودآزمایی نمائید.

پوستهای خاردار
تنستن بر بستر دریا
بسیار کوچک و نادیدنی
فسیل‌های کعباب
تجمع نیلها
فایده فسیلها
فسیل‌های گیاهی

صحبت شده است که مورد توجه کودکان و نوجوانان است. در انتهای کتاب نیز ارزشیابی مختصری از مباحث خواننده شده در کتاب و میزان درک و جذب دانش آموزان با عنوان «خود را بیازمایید» آورده شده است. این کتاب اطلاعات مفیدی را در مورد چگونگی تشکیل فسیلها در اختیار دانش آموزان قرار می‌دهد.

تجربه‌های
مدرسه داری



سازمان آموزش عالی و متوسطه
جمهوری اسلامی ایران

تجربه‌های مدرسه داری

ناشر: نویسندگان (مدیران مدرسه مهران)

ویراستار: محمد هدایتی

تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۷۰

مطالعه تطبیقی

ساعات و مواد برنامه‌های

درسی دانش‌آموزان ۱۱ الی ۱۴ ساله

در نظام‌های آموزشی پاره‌ای از کشورها

مطلب زیر خلاصه‌ای از گزارش خانم فاطمه فقیهی است که در سمینار بررسی برنامه‌های درسی دوره راهنمایی ارائه شد. در این مقاله به برخی مواد درسی، دروس انتخابی و اجباری در کشورهای مختلف، برای دانش‌آموزان ۱۴ - ۱۱ ساله اشاره شده است. بسدین وسیله از سرکار خانم فاطمه فقیهی برای تهیه این مقاله صمیمانه تشکر می‌شود.

فاطمه فقیهی: کارشناس مرکز تحقیقات آموزشی

چکیده

در بررسی ساعات و مواد برنامه‌های درسی دانش‌آموزان ۱۱ تا ۱۴ ساله، در دیگر کشورهای جهان، باید به این نکته توجه داشت که در برنامه‌های درسی هر یک از کشورهای جهان، بر اساس الگوی ساختاری آموزش و پرورش آنها، هدفهای متفاوتی دنبال می‌شود. در برخی از کشورهای جهان، این دوره جزئی از آموزش ابتدایی است و در برخی دیگر جزء دوره متوسطه، اولین و حتی تنها هدف این دوره تحصیلی در کشورهای گروه اول آموزش دانش و مهارت‌های پایه است، اما در کشورهای گروه دوم اگر چه این هدف همچنان به عنوان هدف اول مطرح است، اما هدف دومی نیز مطرح می‌شود و آن آشنا کردن دانش‌آموزان با برخی از حرفه‌های موجود در جامعه است؛ به عبارت دیگر، باید گفت اگر چه در همه

کشورهای جهان دروسی مانند زبان‌های رسمی کشور، ریاضیات، علوم، علوم اجتماعی، تربیت بدنی، هنر و تعلیمات دینی با اخلاق دروس اصلی و اجباری است که آموزش داده می‌شود، ولی دروس دیگری نیز وجود دارد که به صورت اجباری و با انتخابی ارائه می‌شود و دقیقاً با هدفهای تحصیلی این دوره مرتبط و هماهنگ است.

در بسیاری از کشورهایی که این دوره تحصیلی جزئی از دوره متوسطه و عموماً سیکل اول متوسطه محسوب می‌شود دروس به صورت انتخابی است. این دروس معمولاً در زمینه‌هایی چون هنر، زبان‌های خارجی، حرفه و فن و در برخی از کشورهای پیشرفته در زمینه‌های ریاضی، علوم و تکنولوژی است. در این بررسی برنامه‌های درسی پاره‌ای از کشورهای جهان به تفکیک قاره‌ها و مناطق

آسیا، اروپا، آفریقا، آمریکا، اقیانوسیه، کشورهای عربی و کشورهای اروپای شرقی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در هر یک از این گروه‌ها ابتدا عنوان‌های مشترک بین کشورها استخراج شده است و پس از آن وجوه تمایز بین آنها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. همان طور که اشاره شد این وجوه تمایز در ارائه عنوان‌های دیگری است که در برخی از کشورها «اجباری» و در برخی دیگر به صورت «انتخابی» است. مبنای ارائه بعضی از این گونه دروس در برخی از کشورها ویرگی محیطی، اقتصادی و اقلیمی است؛ برای مثال در کشورهایی که نزدیک منابع آب قرار گرفته‌اند ماهیگیری به عنوان یکی از دروس

انتخابی ارائه می‌شود.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت:

— آموزش در این دوره تحصیلی یک آموزش عمومی است که بعضاً جنبه‌هایی از هدایت تحصیلی یا شغلی نیز در برنامه‌های آن مشاهده می‌شود.

— در آموزش عمومی هدف اولیه کمابیش مانند دوره ابتدایی ارائه دانش و مهارت‌های پایه است.

— در بسیاری از کشورهای جهان، بویژه در کشورهای در حال توسعه، در برنامه‌های درسی هیچ نوع حق انتخابی برای دانش‌آموزان وجود ندارد.

— در بعضی از کشورها، ۱ الی ۲ درس و در کشورهای پیشرفته ۲ الی ۳ درس در هر سال از این دوره تحصیلی به صورت انتخابی ارائه می‌شود.

— ویژگی خاص برنامه‌های این دوره — که در تمام کشورهای جهان هم مصداق دارد — آن است که این دوره مرحله پایانی آموزش رایگان و اجباری است و این خود عاملی مهم و یکی از هدف‌هایی است که در تنظیم برنامه‌های درسی، بویژه در ارائه مطالب حرفه‌ای مدنظر قرار می‌گیرد.

هم فکری با آنان بوده است اگر مدیر بخواهد همیشه «بخشنامه‌ای» عمل کند کاری از پیش نخواهد برد. من در برخورد با معلمان و کادر آموزشی و اداری مدرسه، همیشه خودم را یکی از آنان و نه جدای از آن، دانسته‌ام. از سال ۵۸ تاکنون که من مدیریت مدارس را بر عهده گرفته‌ام، هیچگاه در دفتر مدرسه برای دبیر تأخیر و غیبت نگذاشته‌ام. دبیری ممکن است یک ساعت دیر بیاید یا ۱۰ روزه دلایلی در سر کلاس حاضر نشود. به او نمی‌گویم چرا دیر آمدی؟ بلکه به او می‌گویم مشکل شما چیست. همیشه سعی می‌کنم که مشکلات همکاران را حل کنم. اگر دبیری غیبت کند. حتماً شب به او زنگ می‌زنم تا اگر مسأله‌ای برای او پیش آمده حل کنم.

بای درد دل همکاران می‌نشینم و این امر باعث صمیمیت و یکرنگی میان ما شده است. دیگر این که معاونان مدرسه و معلمان در چهارچوب مسؤلیت خود از اختیار کافی برخوردار هستند و خود به حل و فصل مسائل در محدوده کاری خود اقدام می‌کنند.

یکی دیگر از دلایل موفقیت مدرسه هم وجود انجمن اولیاء و مربیان بسیار فعال است. در حال حاضر حتی بعضی از والدین عضو انجمن که فرزندانشان هم از این مدرسه رفته‌اند هنوز هم از همکاری فعالانه و صمیمانه با مدرسه دست برنداشته‌اند؛ مثلاً حاج آقا مرتضوی که فرزندش دو سال پیش دوره راهنمایی این مدرسه را به پایان رسانده، با این وجود، ایشان هنوز هم با محبت ما را یاری می‌کنند. مجموعاً می‌توان گفت که در این مدرسه صمیمت و همدلی حکمفرماست و برنامه‌ریزی صحیح و به کارگیری مطلوب امکانات از دلایل موفقیت مدرسه بوده است. رشد راهنمایی؛ با تشکر از شما و به امید موفقیت هر چه بیشتر و روزافزون مدرسه.

— برخی از امکانات مانند وام برای همه یکسان است. اما برخی از امکانات برای تشویق در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار می‌گیرد که بیشتر و بهتر کار کنند.

— همیشه سعی می‌کنم که مشکلات همکاران را حل کنم. اگر دبیری غیبت کند. حتماً شب به او زنگ می‌زنم تا اگر مسأله‌ای برای او پیش آمده حل کنم. بای درد دل همکاران می‌نشینم و این امر باعث صمیمیت و یکرنگی میان ما شده است.

تشویق کرده‌ایم و نتیجه این که دانش‌آموزان ضعیف‌تر هم سعی کرده‌اند در کار تحصیل خود پیشرفت بیشتری حاصل کنند. مثلاً همین سال گذشته ۱۵۰ هزار تومان برای دانش‌آموزان ممتاز جایزه خریدیم که بیشتر از بودجه مدرسه استفاده شده. یا برای دانش‌آموزانی که در ورزش رتبه آورده بودند نیز جوایزی تهیه شد. البته از والدین هم در این موارد کمک می‌گیریم.

□ و آخرین پرسش اگر بیامی برای سایر مدیران دارید بفرمایید.

■ من کوچکتر از آنم که بخواهم بیامی برای سایر همکاران بدهم. اما پسر حال مسأله موفقیت مدرسه که یک مدرسه دولتی و دونوبته است همیشه برای همه سؤال بوده است و در منطقه، همکاران سایر مناطق از ما علل موفقیت مدرسه را مرتباً می‌پرسند. چرا که در سال ۱۳۶۵ که من به این مدرسه آمدم، مدرسه وضع مناسب و شهرت مطلوبی نداشت. شیرازه‌اش از هم گسیخته بود. بودجه‌اش فقط ۲۱ هزار تومان بود. معلمان نه تنها از انسجام مطلوبی با یکدیگر برخوردار نبودند، بلکه در مقابل من نیز حالت تدافعی گرفته بودند اما از آن سال تاکنون ما با همین کادر و بدون جابجا کردن آنها کار کرده‌ایم و علت موفقیت هم همدلی و

که مشکلات معلمان برطرف شود، زیرا معتقدم که این امر به آموزش بهتر در کلاس درس منتهی می‌شود؛ همچنین سعی بر آن بوده است که به هر وسیله ممکن امکانات رفاهی برای معلمان فراهم گردد؛ از این رو با وزارت بازرگانی برای تأمین وسایل زندگی از قبیل فرش، بخچال و... تماسهایی داشتم و از این طریق نیز برخی مشکلات معلمان را برطرف کرده‌ایم. بودجه‌ای در نظر گرفته‌ایم که برای تشویق در اختیار معلمان که بهتر کار می‌کنند قرار می‌دهیم و نتیجه این که وقتی معلم می‌بیند به او توجه کافی می‌شود؛ مشکلاتش در نظر گرفته می‌شود؛ او هم در کلاس بهتر کار می‌کند.

□ آیا این امکانات مالی مدرسه در اختیار همه قرار می‌گیرد.

■ همانطور که عرض شد برخی از امکانات مانند وام برای همه یکسان است. اما برخی از امکانات برای تشویق در اختیار معلمان و دانش‌آموزانی قرار می‌گیرد که بیشتر و بهتر کار می‌کنند و معلمان که در کار آموزشی دانش‌آموزان را بیشتر به کار می‌گیرند و یا دانش‌آموزان که فعالیت چشمگیری دارند باید به نحوی تشویق شوند. روزهایی بوده است که ۲۰۰ نفر دانش‌آموز را در مدرسه

درباره نشریات رشد تخصصی

مجلات رشد آموزش مواد درسی مدارس کشور که به منظور ارتقاء سطح دانش معلمان و ایجاد ارتباط متقابل میان صاحب نظران، معلمان و دانشجویان یا برنامه ریزان امور درسی از سوی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش هر سه ماه یکبار منتشر می شود، در حال حاضر عبارتند از:

۳۰	۶ - رشد آموزش زبان	۳۷	۱ - رشد آموزش ریاضی
۲۶	۷ - رشد آموزش زمین شناسی	۳۳	۲ - رشد آموزش شیمی
۳۰	۸ - رشد آموزش فیزیک	۳۰	۳ - رشد آموزش جغرافیا
۱۷	۹ - رشد آموزش معارف اسلامی	۲۹	۴ - رشد آموزش ادب فارسی
۱۴	۱۰ - رشد آموزش علوم اجتماعی	۲۸	۵ - رشد آموزش زیست شناسی
۱۱ - رشد آموزش راهسای ۳			

دیران، دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم و سایر علاقه مندان به اشتراک، این مجلات می توانند جهت دریافت مجله، حق اشتراک یکساله خود را به حساب ۹۰۰۵۷ نزد بانک ملی شعبه خردمند جنوبی - قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی - واریز و فیش آن را همراه با فرم تکمیل شده زیر به نشانی تهران، جاده آبدلی - خیابان سازمان آب، بیست متری خورشید، مرکز توزیع انتشارات کمک آموزشی کد پستی ۱۶۵۹۸ - تلفن ۷۷۵۱۱۰ - ارسال دارند.

ضمناً، معلمان، کارشناسان، مدیران، پژوهشگران و سایر علاقه مندان به امور تعلیم و تربیت جهت آگاهی بیشتر از یافته های صاحب نظران می توانند با پرداخت مبلغ ۸۰۰ ریال در هر سال ۴ جلد فصلنامه تعلیم و تربیت دریافت نمایند.

قابل توجه مشترکین و علاقه مندان:

- ۱ - به اطلاع مشترکین و علاقه مندان مجلات رشد تخصصی می رساند، چنانچه فرم اشتراک به طور کامل تنظیم و همراه حواله بانکی ارسال نشود، مرکز توزیع از ارسال مجله مورد درخواست معذور است.
- ۲ - متقاضیانی که احتمالاً به دلیل نقص درخواست به تقاضای آنان پاسخ داده نشده است، می توانند جهت روشن شدن موضوع یا مرکز توزیع مکاتبه و یا تماس حاصل فرمایند.
- ۳ - در صورت تغییر نشانی پستی، مراتب را با ذکر شماره اشتراک به مرکز توزیع مجلات اعلام نمایند.

* دانشجویان مراکز تربیت معلم می توانند با ارسال فتوکپی کارت تحصیلی خود از ۵۰٪ تخفیف برخوردار شوند.
فرم اشتراک



اینجانب با ارسال فیش واریز مبلغ ریال، متقاضی اشتراک یکساله مجله
 رشد آموزش هفتم
 نشانی دقیق متقاضی: شهرستان: خیابان: کوچه:
 پلاک: کد پستی: تلفن:

عزیزان
گروه فروز بسکی است کارها
نویسندگان جوانان
گروه کتابهای

علی رازی

